

دانشلیق

آبلیق فرهنگلی آذری جه فارسجانشریه
مجله ماهانه فرهنگلی فارسی-تورکی آذری

شماره ۱- اردیبهشت ۱۳۵۸

ايچينده كيلر

(فهرست)

- ۱- باش سۆز ۳
- ۲- انجمن آذربايجانين يني چاليشما لاري مناسبتيله : ۳
- اعلاميه پنجم بهمن ۱۳۵۷ ۵
- » نهم فروردین ۱۳۵۸ ۸
- » شماره ۹ انجمن آذربايجان درباره تأمين و تضمين حقوق قومی ۱۰
- وفرهنگي خلق آذربايجان و ديگر خلق های ايران. ۱۰
- ۳- آذربايجاندا ملی ستم حقينده: م. ع. ياشار ۱۲
- ۴- طالعيمه سن باخ! ب. ق. سهند ۱۵
- ۵- آغاران فجرى سلاملاركن: ح. ن. آلتاي. ۱۶
- ۶- آذرى تور كچه سينين تاريخينه قيصاير باخيش: دكتور جواد هيئت. (۱) ۲۰
- ۷- فولكلور و ضرورت تدوين آن: ع. اختاي. ۲۹
- ۸- زمان سسى: استاد شهريار. ۳۴
- ۹- آناديلي: بختيار وها بزاده. ۳۵
- ۱۰- سهند هميشه ليك حياتا گوزيومدى: گ. صباحي. ۳۶
- ۱۱- اماما سلام: ب. ق. سهند. ۴۱
- ۱۲- سلام بر تبريز: ب. ق. سهند. ۴۵
- ۱۳- حرمتلى سهنده: مظفر ۴۸
- ۱۴- سهند ايچون: على تبريزي ۴۹
- ۱۵- سحره گندن بيربول وار: دكتور ح. نطقى. ۵۰
- ۱۶- بيدارشوصمد: سهند ۵۱
- ۱۷- ستارخان: عزيزه محسنى. ۵۲
- ۱۸- ستارخان وصاير. عافيت. ۵۴
- ۱۹- هدر اولماز: ح. م. ساوالان. ۵۷
- ۲۰- اوچ پارچه شعر ناظم حكمتدن: شعريمه دائر، قاريمان مکتوب و بلكه من، ۵۸
- ۲۱- كارگر بايرامى: مظفر ۶۲
- ۲۲- دستور نگارش تركى آذرى: دكتور حميد نطقى. ۶۳

۱ - متن مفصل فارسی تاریخچه ترکی آذری جداگانه چاپ و با این شماره مجله منتشر شد.

وارلیق

آیلیق فرهنگي تور کجه و فارسجا نشریه
مجله ماهانه فرهنگي فارسی و ترکی آذری

بیرینجی صایی - اردیبهشت ۱۳۵۸

باش سؤز

علمی و تاریخی باخیمدان ، هر بیر خلق
مختلف تاریخی مرحله لرده آیری - آیری
خلقلرایله مشترک تاریخی و مدنی باغلیلیغی
اولدوغی حالدا ، نوز ملی دیل، فرهنگ و
هویتنی ساхлаماغا حقلی در .

آذربایجان خلقی ، تاریخ بوی ،
ایراندا یاشایان آیری - آیری خلقلرایله بیر-
لیکده ، واحد بیر سرنوشته باغلی اولدوغی
و مشترک بیر تاریخ و مدنیت یاراتدیغی حالدا،
هر بیر اصیل خلق کیمی، نوز ملی وارلیغینی،
دیلمینی ، فرهنگینی ، خصلت و هویتینی
ساхлаمیشدر .

نوز ملی فرهنگ و وارلیغینا باغلی اولماق
و اوننی قوروماق ، هنج زمان و هنج بیر
شرایطده آذربایجان خلقینی ، ایرانین سیاسی،
اجتماعی و مدنی تاریخینده عهدده سینه دوشن
وظیفه لری اولدوقچاشرف و باجاریق ایله یئرینه
یتیر ماقدان دالی قویمامیشدر . آذربایجان
خلقسی نوز دوغما دیلمینی و ملی فرهنگینی
داشیدیغی حالدا ، بوتون «وحدت ملی» داشینی
سینه لرینه وورانلارین هامیسیندان چوخ ایرانا
باغلی قالمیش و بئری گلینجه ده نوز تاریخی -

انقلابىي وظيفه لرىنى يثرىنه يئتىرماقدان چكىنمه
ميشدر .

وارلىق مجموعهسى ، آذربايجان
خلقنىن مىلى و فرهنگى وارلىغىنا ، دوغما دىل و
ادىباتىنا ، گنىش ساحەلى فولكلور و ائل يار-
ادىجىلىغىنا ، افتخارلى گنچمىشىنه ، ئوكنمز
بدىعى و هنرى قدرتىنه يول آچماق و اونوتازا
تارىخى - اجتماعى شرايطده داها انسانى ،
داها دموكراتىك و داها قاباقچىل اولگولر ايله
ارائه ائتمك آرزوسيله اورتايا چىخىر .

بىز مجموعه مىزىن دوغۇدو بو بۇيوك
وشرفلى يولدا بوتون خلقلرىن مىلى و فرهنگى
آزادلىغىنا حرمت بىلەين انسانلار طرفىندىن
احترام و اعتقادلا قبول اولونماسىنا اينانيرىق .

«يازىچىلار ھىيتى»

از اعلامىة جهانى حقوق بشر-مىثاق بين المللى حقوق مدنى و سياسى

مادة ۲۷- در کشورهاى كه اقليتهاى نژادى - مذهبى يا زبانى وجود
دارند اشخاص متعلق به اقليتهاى مزبور را نمى توان از اين حق محروم
نمود كه مجتمعاً با ساير افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود
متمتع شوند و بدىن خود متدىن بوده و برطبق آن عمل كنند يا زبانه
خود را استعمال نمايند.

انجمن آذربایجان

از بیانیه پنجم بهمن ماه ۵۷ انجمن آذربایجان

نگاهی به تاریخ:

در شرائط امروزی تحول بنیادی و انقلاب اجتماعی ایران که مردم مبارز ما با نیروی لایزال ایمان و اعتقاد عمیق به جهاد در راه حق و مبارزه با استعمار و استبداد، فداکاری و جانبازی حیرت انگیز و حماسی در برابر رگبار گلوله های خون آشام نشان میدهند، هر کس باید وظیفه ملی خود را در همگامی و همراهی مصممانه با نهضت و دفاع از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی ایران انجام دهد.

این وظیفه را که ما آذربایجانیها همراه با همه مردم مبارز و آزاده ایران نه امروز و دیروز و نه پارسال و پیرارسال، بلکه از یک قرن پیش در سنگرها و پایگاههای ملی با خلوص نیت و از اعماق دل و جان انجام داده و همواره سرسخت و پیشگام بوده ایم، اینک نیز ادامه همین وظیفه ملی را در پایگاه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی «انجمن آذربایجان» که تاریخ آن با تاریخ درخشان آزادی ایران توأم است اعلام میداریم.

اندکی به تاریخ بنگریم و با مبارزه های «انجمن آذربایجان» در گذشته آشنا شویم.

نخستین فعالیت های ضد استبدادی و ترقی خواهانه آذربایجانیها در قرن اخیر از قضیه رژی دوره ناصری و تحریم دخانیات و مبارزه با کمپانی انگلیسی آغاز میشود و به تأسیس مدارس جدید و روزنامه در ۱۳۱۶ قمری و سپس کوشش در «انجمن ملی» و «مرکز غیبی» در تبریز و «مجمع آزادیخواهان» در تهران بسال ۱۳۲۲ میرسد.

برای مجاهدتهای ملت ایران در این دوران است که فرمان مشروطه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ و قانون اساسی در ذیقعدۀ همان سال و متمم آن در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ تحصیل میشود.

بداوری راستین تاریخ اخذ متمم قانون اساسی که نخستین منشور ملی نظام دموکراسی است بیشتر از همه مدیون مساعی رهبران مذهبی و ملی و قاطبه مردم آذربایجان است.

در این مجاهدتها «انجمن ایالتی تبریز» و «انجمن ولایتی» شهرستانها در آذربایجان و «کمیته انقلاب ملی» و «انجمن آذربایجان» در تهران مبارزه‌های عمومی را در کنار سایر انجمنها در پایتخت و سطح کشور رهبری میکردند.

اوج کوشش انجمن آذربایجان در تهران هنگام بمباران مجلس از طرف محمدعلی شاه بود که خود حماسه جاودان در تاریخ مبارزات ملی ایران است.

در همین جریان بود که اعضای انجمن آذربایجان در میدان بهارستان با جنگ دلیرانه و مبارزه مسلحانه پایبای سایر رزمندگان چنان شهامت و مهارت و بی باکی از خود نشان دادند که هنوز زبانزد همگان و موجب حیرت و تحسین تاریخ نویسان است.

بزرگترین فصل درخشان تاریخ آزادی ایران که بارهبری «انجمن آذربایجان» انجام گرفت پایداری و جان فشانی مردم این سامان با هدف مشخص پاسداری از دموکراسی نوپا و انهدام عوامل خودکامگی در دوره «استبداد صغیر» بود.

در تمام این دوران تلاش و مبارزه که یازده ماه از ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ تا اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۷ طول کشید و همه ایران را نیروی استبداد فرا گرفته و تبریز را به مخاطره انداخته بود مردم دلیر آذربایجان با نثار خون خود و تحمل شدائد طاقت فرسا از آزادی دفاع کردند و همین پایداری شجاعانه موجب همگامی سایر مناطق ایران و منجر به قیام ملی و فتح تهران و خلع سلطان مستبد در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ گردید. در این قیام و مبارزه و جهاد در سنگر دفاع و پاسداری از آزادی بود که هزاران تن شهید شدند و صدها چهره تابناک در تاریخ وطن مادر کشید و وقایع افتخار آفرینی بوقوع پیوست که رزمهای دلیرانه فدائیان به رهبری ستارخان سردار ملی و شهادت خونین پاکبازان از جان گذشته در عاشورای ثانی

تبریز باقیافه درخشان ثقة الاسلام شهید و سایر شهیدان نمونه‌ای
از آنهاست.

چند سال پس از مشروطه که روس تزاری استعمارگر،
اولتیماتوم ۱۳۲۹ را به ایران داد و حاکمیت ایران را نقض کرد
دوره دوم قانون‌گذاری بود. نمایندگان آذربایجان برهبری
سیمای تابناک تاریخ، شیخ محمد خیابانی، مبارزه درخشان و
مبتکرانه را بکار بردند. نه تنها در مجلس بشدت اعتراض و
ایستادگی کردند بلکه برای بکار بستن تحریک اجتماعی موضوع
رابه میان مردم بردند و اجتماعات بزرگ در مسجد شیخ عبدالحسین
و سبزه میدان تشکیل و بانطق‌های عمیق و تکان‌دهنده مردم را
در راه مقاومت و پیکار علیه نفوذ خارجی مصمم‌تر و آماده‌تر
ساختند.

کوتاه سخن آنکه انجمن آذربایجان که به همت و دست
اندرکاری پدران و پدر بزرگان نسل کنونی وظایف خطیر ملی
را برعهده گرفته و کارهای بزرگ و ارزنده انجام داده است اثری
را که برای مابقی گذاشته مبارزه در راه آزادی و استیفاء حقوق
ملی است.

بدینسان مافروندان آذربایجان با الهام از رادمردان
پاکتهداد و آزادیخواهان و مبارزان صدر مشروطه و با اعتقاد به
رسالت تاریخی مردم این سامان و اصالت انجمن آذربایجان و
ایمان به پیکار قهرمانانه و بی نظیر ملت چه در گذشته و چه در حال
حاضر یکبار دیگر آمادگی خود را برای ادامه پیکار در راه آمال
ملی بگوش همه ایرانیان عزیز می‌رسانیم و با اتکاء به نیروی
سرسختی و پایداری و سجدیه‌شور و حمیت آذربایجانی همه
آزادیخواهان و رزمندگان این سامان را در سراسر ایران به
همکاری و کوشش در راه احیاء دموکراسی و استقرار نظام
مترقی فرامیخوانیم.

از اعلامیه نهم فروردین ماه ۵۷ انجمن آذربایجان

انجمن آذربایجان مدافع سرسخت آزادیهای اساسی و حقوق دموکراتیک همه خلقهای ایران است. مردم آذربایجان نه تنها برای خود و نه تنها برای همه همزبانان خود در سراسر کشور بلکه برای همه تنوعات زبانی ملی ایران آزادی فرهنگی و مدنی میخواهند. اقوام آذری، فارس، کرد، عرب، لر، قشقائی بلوچ، ترکمن، باید در همه حقوق باهم برابر باشند. جمهوری ایران باید نقطه آغاز رفع ستم تاریخی و استبداد مضاعف باشد. تا مساله ملی حل نگردد و تا تشخیص و هویت همه ایرانیان و حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران قطع نظر از اختلاف زبان، مذهب، تمدن، شیوه زندگی، و سایر ویژگیها در قاموس هیات حاکمه ایران پذیرفته نشود مبارزه ضد امپریالیستی و استقرار حاکمیت ملی و حفظ اتحاد و یگانگی امکان پذیر نخواهد بود.

«ایران وطن مشترک همه خلقهای این سامان و ملیت و تابعیت ایرانی حالت حقوقی همه ایرانیان است. در این وطن مشترک، در این چهار راه حوادث، در این ساتراپ نشینی باستانی، در این ممالک محروسه دوران نزدیک تاسیس نظام جمهوری جز با برقراری حکومتهای محلی دارای اختیارات اداری، مالی، قضائی، انتظامی، اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و قوه تصمیم گیری برای امور محلی بوسیله شوراهای ناحیه ای امکان پذیر نخواهد بود. در ایران امروز همبستگی و وحدت ملی و هماهنگی سیاسی و اجتماعی با قدرت حاکم و نیروی نظامی و استبداد و تمرکز ادامه حاکمیت مطلقه یک خلق بر خلقها و ملیتها انجام نمیگیرد بلکه یگانه راه آن دموکراسی همگن و حقوق همسان و برابری کامل و برادری

واقعی است. فشار و اختناق بی گفتگو قوه گریز از مرکز ایجاد می کند. سرکوبی خلق های ستمکش به بهانه ها و عناوین مزورانه جز نفاق و بیزاری نتیجه ندارد. حکومتگران و سیاست پیشگان آگاه باشند و راه خطا نروند.»

« خلق های ستمکشیده ایران را که در طول تاریخ اسیر امتیازات شوونیستی و وطن پروری کاذب و مزورانه و حکومت مستوفیان عظام و سرسپرده های بیگانگان بوده اند دیگر نمیتوان در اسارت نگاهداشت. قشرهای ارتجاعی و استعمارگر که برای فرمانروائی خود و خدمت به استعمار در تلاشند دیگر نمیتوانند با تهمت تجزیه طلبی و شعار دروغ الحاق (آنشلوس) و مارک کهنه کمونیستی و وطن پروری خلق های تشنه حریت و عدالت و آرزومند زندگی مرفه و خواستار حکومت دموکراتیک در سر زمین ایران و واحد جغرافیائی بازمانده از نیاکان را از راه خود برگردانند. درد نیایی که برای يك قطعه زمین یا يك دالان عبور جنك جهانی برپا میشود تصرف سرزمین یا پیوستن بآن سوی مرز از پوچ ترین و واهی ترین ترهات و اتهامات است.

انجمن آذربایجان ادامه مبارزه ضد استعماری و پویائی نهضت دموکراتیک ایران را مطمئن ترین تضمین وحدت و همبستگی میداند و هر گونه افکار خام و نابخردانه و هر گونه تهمت ناجوانمردانه را درباره خلق های ایران رد میکند و معتقد است که حکومتگران در سیاست عمومی خود راه و روش دموکراتیک را اتخاذ و در تداوم انقلاب دولت جمهوری را بر اساس آرزوها و خواست های همه خلق های ایران تاسیس نمایند .»

اعلامیه شماره ۹ انجمن آذربایجان درباره تأمین و تضمین حقوق قومی و فرهنگی خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران

در مرحله حساس و تاریخی نظرخواهی به طرح و تدوین و تصویب قانون اساسی جدید و پی ریزی پایه های حاکمیتی که پاسخگوی خواستهای اکثریت عظیم خلقهای ایران و رهسپاران راستین انقلاب ایران باشد، انجمن آذربایجان در پیرو اعلامیه های قبلی بار دیگر ضمن تأیید حقانیت و اصالت تاریخی انقلاب و تاکید بر استقلال و تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران و طرد هر نوع تهمت تجزیه طلبی، مصرانه خواستار آنست که مسائل و موارد زیر در حفظ و حراست حقوق قومی و فرهنگی خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران تأمین و تثبیت گردد.

۱ - رعایت کلیه اصول و موازین مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر میثاقهای بین المللی در تأمین حقوق انسانی و دموکراتیک خلقها در رابطه با حق خودمختاری قومی و فرهنگی.

۲ - تقبیح کلیه شیوه های تحقیر و تحریف شئون تاریخی و فرهنگ قومی و طرد کلیه اشکال ستم ملی که در دوران رژیم مطرود شاهنشاهی بر خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ستم دیده ایران روا گشته و اعاده حیثیت از محکومان سیاسی و تبعیدیها و اعدام شدگان.

۳ - شناسائی زبان و فرهنگ ملی آذربایجان و تأمین امکانات آموزش زبان ترکی آذری بعنوان زبان مادری و ملی و تدارک کتب و وسایل آموزشی به این زبان برای سال تحصیلی

۵۸ و سالهای آیند .

۴ - ایجاد امکانات عملی گسترده در دانشگاه تبریز و سایر دانشگاهها و مراکز علمی و فرهنگی آذربایجان در جهت پژوهش در شئون گوناگون زبان و فرهنگ و هنر و ادبیات و فولکلور آذربایجان .

۵ - به کاربردن زبان ترکی آذری در برنامه‌های کلیه وسایل ارتباط جمعی در آذربایجان و اختصاص دادن برنامه‌های متناسب در این زبان در وسایل ارتباط جمعی شبکه سراسری ایران برای استفاده آذربایجانیهای مقیم مرکز و سایر نقاط ایران و همچنین احداث مدارس دوزبانه در مناطقی که بخشی از سکنه آنها را ترک زبانها تشکیل میدهند.

۶ - ایجاد شرایط مساعد برای راه افتادن و رونق پذیرفتن منابع فکری و هنری مردم در ابداع آثار ادبی و هنری و بخصوص همگامی در راه احیای موسیقی و تئاتر آذربایجان که بتواند اصالت و رونق پیشین خود را بازیابد .

۷ - حق استفاده کتبی و شفاهی از زبان ترکی آذری در دستگاه قضائی و سایر مراجع و ادارات دولتی بطوریکه مردم بتوانند درخواستها و مشکلات خود را در زبان مادری مطرح کنند و به نتیجه برسانند.

۸ - تفویض مختاریت منطقه‌ای در تمشیت امور اداری و فرهنگی و قضائی و اقتصادی و انتظامی از طریق شوراهای انجمن‌های منتخب خود مردم و تا کیدبر اینکه نمایندگان قانونی و مسئولان اداری همگی از میان خود مردم آذربایجان برگزیده شوند .

۹ - کوشش در رفع موانع و مشکلاتیکه در دوران حکومت رژیم منحوس دامنگیر شئون اقتصادی آذربایجان گشته و همراهی و همگامی در احیای کشاورزی، صنعت و تجارت منطقه بطوریکه خود کفائی و شکوفائی خود را بازیابد و بر اساس اقتصاد مستقل و ملی مستقر گردد.

دهم اردی بهشت ماه ۱۳۵۸

انجمن آذربایجان

آشاغيداكى مقاله ، تهرانى صنعتى دانشگاهيندا تشكيل اولموش بير ييغينجاقدان
آپاريلان دانشيقدان آلميش يادداشتلار اساسيندا حاضر لانميشدر مقاله نين مضمونى
مجموعه ميزين عمومى گنديشى ايله اويغون اولدوغى ايجون ، اونو درج ائتمگى يئرلى و
يارارلى گوروروك.

آذربايجاندا مىلى ستم حقدنه

م.ع. ياشار

تارىخى باخيمدان، ايراندا ياريم قرن دن چوخ دوام ائدن قورخونج استبداد
رژيمى ، اساسدا بيرينجى دنيا ساواشيندان صورنا ، دنيا امپرياليزمى و خصوصيله
انگليس امپرياليزمى نين مباشرتى ايله بير استراتژى كيمي آرايا قويولدى. بو استراتژيه
اساساً، بير چوخ مملكتلرده اولدوغى كيمي، ايراندا بير «قدرتلى و متمرکز» نظامى
دولتين ايش باشينا گلمه سى، امپرياليزم نين ايكي اساسى هدفينى تأمين ائده بيليردى. بو هده
فلردن بيرى، بيرينجى دنيا محاربه سيندن صورنا ايرانين شمالى همسايه سى روسيه
ده باش وئرن انقلابين ايراندا آخيشينين قاباغينى آلماق و ايكنينجى سى ده ايرانى
اقتصادى دورومدان غرب امپرياليزم نين باغلى ساخلاماق ، اونون طبيعى ثروتلرينى
تالاماق و بازارينى دا امپرياليزم نين مصرف بازارينا چئويرمك دن عبارت ايدى.
بئله بير ضد مىلى و ضد دموكراتيك نقشه نين اجرا سيندا ، ايران ميليتارست
حكومتى و اونون باشيندا دوران رضاخان و صورنادا اونون اوغلونون اساس وظيفه
سى، مشروطيت انقلابيندان الده ائديلن هر جور مىلى و دموكراتيك امكانلارى آرادان
قالديرماق و هر جور آزادلىق و استقلال ئولچولرى يئرینه نظامى – استبدادى بير رژيم
حاکم ائتمك ايدى. هر جور اجتماعى سياسى آزاد ليقلارى آرادان آپارماق، خلقين
انقلابى روحيه سيني چكمه آلتيندا سارسيتماق، سوز و دوشونجه آزاد ليغنى هاميدان
سلب ائتمك، ايرانى او جسوز – بو جاقسىز مبارزانلار نين زندانينا چئويرمك، مىلى و
قاباقجىل فرهنگ يرينه قوندارما و اويدورما استعمارى – مليتچى فرهنگ ير لشديرمك
ويرى گلينجه ده امپرياليزم عامللرى و ساتيلميش «تئوريسينلر» طرفيندن حاضر لانان

زوراکي «رفورم» و «آغ انقلاب» يولاسالماق هاميسي بونقشه نين اجرا سيندا
آپاريلان تشبثدن سواي بيرشيشي اولاييلمزدي.

* * *

بونظامي - استبدادي رژيمن اساس وظيفه لر يندن بيرى ده، ايراندا «متمركز
حکومت» ياراتماق مقصديله، فئودال - بورژوا شوونيزمي نفعينه، بوتون ايراندا ياشايان
خلقلرين ملي و فرهنگي وارليقلارينى انکار اتمک و اونلارين دوغما خصلتلرينى ،
آداب و عادتلرينى مسخره يه قويماق و آياق آلتينا سالماق ايدى .

بوياريم قرن دن اوزون سوره ن دوره ايچر سينده ، ايران خلقلرينين ملي و
مدني وارليقلارينى، تاريخي هويتلرين آرادان آپارماق اوچون هر جور ضد انساني
و بشريته يارامايان تشبثلره القويولدى. بو خلقلرين ياشاديقلاري منطقه لر اقتصادي -
اجتماعي جهتن دالييا آتيلدى ور کود حالينا ساليندى، ايسران اساسي قانونوندا
و آيري - آيري قانونلاردا بو خلقلرين نفعنه اولان قسملر فسخ ائديلدى . مرکزده
يرلشميش نظامي - استبدادي حکومت ئوز آلچاق، سوادسيز و ياراماز نو کرلرينى
بوناحيه لره حکومت باشچيلاري و مجلس نماينده لري کيمي تعيين و تحمیل ائتدی.
هر جور دموکراتيك ، صنفی ، ملی و فرهنگي حرکتين چوخ کسکين و آمانسيز
صورتده قباغي آليندى هر بير دو غماوار ليغي و ملي فرهنگي او چون چالیشان
انسانلارا «متجاسر» و «تجزيه طلب» آدي وئريلدى.

بو آغير و دؤزولمز خفقان ايللرينده ، ايرانين آيري - آيري خلقلري کيمي،
آذربايجان خلقي ده ئوز دو غماديلي، يرلي خصوصيتلري، قومي فرهنگ و مدنيتي
ايله ياشاماقدان محروم ائديلدى. اونون وارليغي و باجاريغي ئوز ساغلام تکامل
يولونو تاپمادان تاپدالاييب آرادان چيخاريلدى و اونون ان ياخشي انساني خصلتلري
نفي ائديليب مسخره يه قويولدى.

آذربايجان خلقي نين ايراندا باش وئرن آزادليق حرکاتيندا و اورادا جانلانا ن انقلابي -
دمو کراتيك قياملار جريانيندا بويوک رولي اولدوغى، بو خلقين مشروطه انقلابي و
اوندان صوتراکي آزادليق حرکتلرينده پيشقدم اولمالاري ايران استبداد رژيمينى
بورادا ايکي قات استعمار و ضد ملي سياست آپاراماغا سوق ايتمشدر.

بو قانلي و قورخولي ايللرده ايرانين آيري خلقلري کيمي آذربايجان خلقي ده

بو تون دمو كراتيك و اجتماعى حقلردن محروم ائديلدیگی حالدا ، هر جور دوغماو
ملى حقدن محروم اولدی. اونون آزادلیغی ، وارلیغی ، دلیلی ، فرهنگى و تاریخی
هویتى فاشیزم و قزاق چكمه لری آلتیندا ازیلدی و بر او وچ ساتقین خلق دشمنی اونون
سرنوشتنه حاکم تیکیلدی.

هله بو ایللرده آذربایجاندا حکومت مأمورلارینین خلقین وها میدان چوخ
شهر و کند یوخسوللارینین حیات و سرنوشتنه مسلط اولدوقلاری کیمین یادیندان
چیخاییلیر؟ هله آذربایجاندا اونلار جا عبدالله مستوفی لر و د کتر محسنی لر و شاه بختی-
لر کیمی «حضرت اجل» لرین «استاندار معظم آذربایجان» و «ریاست کل معارف و
اوقاف و صنایع مستظرفه» و «فرمانروای نظامی آذربایجان» عنوانی آلتیندا آپارد-
یقلاری یاراماز و چیرکین مستعمره چیلیک سیاستنی کیم اونوداییلیر؟ هله ئوزهویتلر-
یندن خبری اولمایان «عالم» و «تئوریسیهن» لرین آذربایجانلیلارا تکلیف تعیین
ائدیب و «هویت تاریخی» اوی دوران اوتانمازلاری کیم یاددان چینهارا بیلیر؟ هله
باغلا دیلمیش تیاترلارین، یان دیر یلمیش کتابلارین. یوزلر و مین لرحه خلقین استعداد-
لی و شرفلی اوغوللارینین سینه لرینده بوغولان هیچقر تیلا رین و اورک چیر پنتیلارینین
آجی خاطر هسی هاچان و نه ایله آذربایجان ملی مدنیتینین صفحه لریندن سیلینه بیلیر؟
بو ۵۰-۶۰ ایلین عرضینده آذربایجان دیلینده دانیشماق، یازماق، اوخوماق
و درس و ترمک علیهنه آپاریلان ضد ملی سیاست ئوزی ئوز لوغوندا بر فاجعه در. د کتر
عماد الملك محسنین و اونسان صونرا حسن ذوقی نین آذربایجان «ریاست معارف»
مقامیندا آپاردیقلاری و وظیفه لرین بیرى وان مهمی آذربایجاندا مدرسه لرده آذربایجان
دیلینین یاساق ائدی ریلمه سی و ملی مطبوعات و کتابلارین منسوخ ائدیلمه سیدی .
هر تور کجه دانیشان معلمی ایشدن چیخارماق و هر ئوز آنا دیلینده دانیشان محصلی
جریمه اتمک و هر بیر آذری دیلینده چیخان کتاب و یازینی یان دیرماق اودوره نین
اولدوقجا معمول ایشلریندن ایدی.

بو قورخونج و قارانلیق ایللرده بیر آیری فاجعه آذربایجان ملی تئاترینین تعطیل
ائدیلمه سی و آذربایجاندا خلق دیلینده تئاتر اثرلرینین یوخا چیخار یلماسی ایدی. تئاتر
ایراندا هر یردن اول آذربایجاندا باشلامیش و ۱۳۰۸ - ۱۳۱۰ شمسی ایللرینه قدرده
چوخ موفقیتله ادامه تاپمشدر. لکن بو ایللرده ینه آقای د کتر محسنی تبریزده و آیری

شهر لرده آذری دیلینده تئاتری قدغن ایتمش و بوضد فرهنگی ایشی ئوز «افتخارات»
لارینا آرتیر میشدی.

تبریز دانشگاهنین ادبیات فاکولتهسی طرفیندن اوزون ایبلردراوچ آیلیق بیر
ادبی - تحقیقی نشریه چیخما خدا در. بونشریه نین بوتون دوره لرینی باشدان باشا
ورقله سیز اورا داحتی بیر صفحه یابیر بیت آذری دیلینده مطلبه راست گله بیلمز سیز.
دئمک اولار کی بونشریه نی یولاسالانلارا آذربایجان خلقنین وارلیغی ، دلی ،
فولکلوری ، ادبیاتی و بیر سوزله اونون ملی فرهنگی هج - پوچ حکمنده در .
بودوره ده آذربایجاندا آپاریلان ضد ملی و ضد فرهنگی سیاستدن یوزلر و مین
لرجه بوجور نمونه لر گوستر مک اولار. ایگیر مینجی عصرده بو کیمی یاراماز ایشلره ال
آتانلار اوتانجیلاریندان قیزار سالار یاخشی اولور ...

طالعیمه سن باخ!

دوشو نجه لریم یاساق

دویغولاریم یاساق

کچیشیمدن سؤز آچماغیم یاساق

گله جیگمدن دانیشماغیم یاساق

آتا - بابامین آدین چکمه گیم یاساق

آنامدان آد آپارماغیم یاساق ...

... بیلیر سن؟

آنادان دوغولاندا بئله

ئوزوم بیلیمه - بیلیمه

دیل آچیب دانیشدیغیم دیلده

دانیشماغیم دایاساق ایتمیش، یاساق!

ب. ق. سهند

دېلىمىز حقيىندە

آغاران فجرى سىلاملار كىن ...

ح - ن - آلتاى

۱ - دېلىمىز ، بو گويدەرمە و چىچكىنمە باھارىندا نە حالدار ؟

۲ - زىنگىن دىل نە دىمكىدر ؟

۳ - خالص و آرىنىمىش دىل نەدر ؟

بوسئواللارا جواب و ئىرمك يئرلىدر . بىر نومرەلى سئوال اىلە سۇزە باشلىق . دېلىمىز آذربايجاندا شد تلى تضييق آلتىندا اوزون قارانلىق گىجە كچىرمىشدر . خىلقىزىن و دېلىمىزىن فوق العادە جانلىلىغى و دىنامىزمى اولماسايدى ، چوخدان يوخلارا قارىشىمىشدى . بو تضييق بەرتىران راسەلىن دىدىكى كىمى هم «چىرىل چىلپاق زوربالىق» و هم دە «اۇرتولوو زورلاما» شكىللىرىندە يوردوموزدا خىلقىمىزە و دېلىمىزە قارشى اعمال اولموشدر . بورادا آنجاق دىل مسئلە سىنە توخونا جاغىق .

«آچىق - آشكار خىشونتە» مثال ، دېلىمىزە يازىلان كىتاب و مجموعە و غازىتلىرىن چاپ و توزىع امكانلارىندان رسماً و علناً محروم قالماسىدر . حتى بودىلىن موجودىتىنە كىچىك بىر اشارت دەقدغن ايدى بىلە بىر خىطامرتكب اولموش نىشرىە يىغىلىر ناشرو يازىچى ساواكىن صورغى - سئوالىنە معروض قالىردى ۱

كتبى ممنوعىت اىلە قوشا اولاراق دېلىمىزى مدرسە لردن ، محكمە لردن ، جمعى ارتباط واسطە لرىندن ، مجلسلردن و سالونلاردان قوودولار . اوز دىللىرىندە يازماق او - خوماق و حتى دانىشماق دان محروم قالان خىلقىمىز منلىگىنى ايتىرمك و هویتسىز قالماق تەلكە سىنە معروض قالدى . عاشىقلارىمىزىن اوزلرىنى دگىل حتى بىرتك مجسمە سىنى بىلە خىلقىمىزە چوخ گووردولر .

غىر مستقىم زوربالىق و يا «اۇرتولوو زورلامالارا» گلنىجە بو ايشى آلتدان - آلتدان بجه ردىلر . اۇز دېلىمىزدن ، سۇ زوموزدن ، تارىخىمىزدن ، قهرمانلارىمىزدن ، وارلىغ - يمىزدن و نىجىتاً انسانلىغىمىزدن آيىردىلار . بىزدە آرىائى شووینىزم سىلىنە قارىشدىق .

اويدورما تاريخلر و ناغييللاري بيزه مطلق حقيقتلر كيمي داملا - داملا ايچيرتديلر * بيزي
 ئوزوموزه غريبه و حتى دشمن ائله ديلر. بيزده، بيزدن اولان ، دوغما اولان ، هرشيئي
 بيزدن آيرماق ايسته ديلر . اوشاقلاريميزين آدلاريندان توتون ، اسطوره لر يموزه قدر ،
 هويتيميزي خاطرلادان آن كيچيك بير قرينه و اشاره يسه بئله گوز يومماديلار . بيزي
 حقارت حسي ايله چارپديلار . بير - بير يميزله ، حتى اوشاقلاريميزلا ، ياستي - ياپالاق و
 « اوزعالمينده فارسي » دانيشماغى دوزگون و گوزهل توركجه ميزه ترجيح ائتديك . بير
 ميليوندان چوخ آذربايجانليني ايچينده بارينديران طهرانين تلويزيونوندا ، موسيقي نامينا
 قالا - قالا « قوقوش » دن ايلده - آي دا بير « سكينه داي قيزي » سينا قالديق . طياتروموز
 صون نفسلريني وئردى . بيزايكينجي درجه وطنداشليغي قبول ائتديك . گئچميش يموزه قلم
 چكمك ، اويدورما تاريخلري آيه لر كيمي ازيردن تكرارلاماق و آنجاق اوزلوغوموزي
 انكاربهاسينا ، اليميزدن آلديقلاري حقلر يميزين قيرينتيلاريني يئردن ييغماغا اجازه طايديق
 قول و « چاكر » اولماق مقابلينده آچيق وسهريلي يغما سفره سينين آشاغي باشيندا اوتورماغا
 اذن آلايديك . اما سفره نين باشينا گئچمك ايچون قات - قات خيانتلره دو اطلب اولماق و
 حتى ديرسكلره قدر قارداش قانينا بولانماق شرطدى .

نه ياخشي كه ديلميز سوادسز ، ناموسلى و زحمتكش كندلسى و ايشچيلر يميزين
 غيرتلىرینه امانت اولدى . منورلر يميزين اكثريسى چوخدان فارسلاشديلار ، يادلار ايارانماق
 و خلقيمز و ديلميزه عدوات يولوندا ، شاعرين دئديگى ، كيمي ، دشمنلري بئله گئچديلر
 و اونلاري حيران قويدولار .^۱

ناصر خسروون دئديگى « از ماست كه برماست » سؤزنى بير دفعه داهسى دو غرولا
 ديلار . شهر لر يميز و قصبه لر يميزين آدلارينا قدر فارسلاشدى . ياواش - ياواش توركجه
 ميز بير نوع « قاپيتولاسيون » و « هه گه موني » يه اوغرادى . تام معناسيله آذربايجانيميزا
 « آپارتهايىت » ين قارانلىق كابوسى چؤكدى . ايندى ديلميزين نه حالده اولدوغونى بومقدمه نى
 خاطر يميزده سا خليلاراق تدقيق ائتمه ميز گره كدر .

« نظر به اين كه جناب آقاى فلان مدير كل اداره داد گستري استان آذربايجان بوردادر ... »
 بورايا نقل ائتديگيميز سطرلر بوتون ظواهره رغماً گويا توركجه بير نطقون باش طرفيدر!
 بونا بنزه دانيشما مودللىرى ، ديلميزه عارض اولموش بير نئچه علتين نشانه سيدر . يوخاريدا
 سؤزى گئچن هه گه مونيا علتى ديلميزده دوزگون و آسان كلمه لر واركن فارسجادان
 حسابسز كتابسز كلمه لر « وارد » ائتديك و بوكولتوره ل « دامپيتق » نتيجه سى اولاراق ئوز
 ديلميزى افلاس اوچورومونا ايتله ديك .

هئچ شبهه سيز هرديل ئوز تاريخى تكامل جريانندار ابطه ده اولدوغى باشقاديلرله
 كلمه آليش و ئريشينه گئچهر . بو « دخيل كلمه لر بعضاً ديلين بنيه سينده اوزلرينه گره كن
 يري آلارلار . بونلار معين احتياجلارا جواب وئره لر و مشخص قاعده لره تابع اولورلار .
 بئله ليكله توركجه ميزه گيره ن كلمه لر ديلميزين تلفظ قالبينا اويارلار . تازا بير مفهوم

۱ - احبا شيوه عدوان دا محبوب ايلر اعدايى - خدا گوسترمه سون اسباب اضمحلال

و يا بىر معنا اينجه ليگى ارمغان گتيررهك گيرديكلرى دىلى بو جهت دن زنگىنلشديريرلر . بونلارين هاميسينين باشيندا دىلين صرف ونحو قانونلارينا بويون اگرلر . طبقى بىر مملكتين تابعيتينه گيره ن بىر انسان كيمي بونلاردا تازا وطنلرينين قانونلارينا تابع اولماليدىرلار و باشقا وطنداشلىر كيمي حركت ائتمه لى و اونلارلا عىنى شرايطده برابر ياشاماليدىرلار . بونا گوره نسبى صفتلر اضافه تركيبلىرى ، تصريف صورتلىرى الخ ... تازا دىلين قاعده و قانونلارينا اويماق دىرلار . يوخارىدا ذكر ائدىلن مثالدا ، اول ، تركيبلىر مطلق صورتده تور كچه لشدىريلمه ليدىر . « نظر باين كه » سوزونى اله آلاق : دىلیمیزده ، بئله بىر سوز يوخدور . [«نظر باين كه اوبوردادر» يئرینه بئله ديه بيلريك : اونون بوردا **اولدوغونا** گوره ...]

«جناب آقای فلان» اگلدیکده : «آقای فلان» ایستهر - ایسته مز قبول ائسته كده آرتیق بونون باشینا بیره «جناب» طاخماق اونى چكىلمه ز حاله گتيرير . اقلا «آقای فلان جنابلاری» دئمه لى بيك . اما «آقا فلان جنابلاری» داها چوخ مناسبدر . مثالیمیزدا « مدير كل اداره دادگستری استان آذربایجان » سوزلرینه گلینجه : بو عباره ده «دادگستری» و «استان» كلمه لری حقنده بىر توضیحه احتیاج واردر . كلمه لری بىر دىلدن باشقا بىر ديله گریب وتازا دىلين مالى اولدوقدان صورنا رابطه لرینی گلدیکلىرى دىلدن كسهرلر و بوندان صورنا اولكى دىلين تغييرو و تكاملوندن آرتیق متأثر اولمازلار . عدالت موسسه سی مملكتیمیزد ايلك قورولدوغى زمان بو موسسه نین آدى دىلیمیزه «عدليه» اولراق گئچدی وائله ده قبول اولدی . داها صورنالاری فارسجادا تصفيه حرکتلى وجوده گلدی «فرهنگستان» فارسجادا «عدليه» يئرینه «دادگستری» كلمه سینی سئچدی . بو تصفيه و دگيشمه طبیعتيله فارسجايا مخصوص در و دىلیمیزله هئچ بىر علاقه سی يوخدور . مادام كه «دادگستری» فرهنگستانین اوز تصریحی ايله عیناً «عدليه» دئمكدور و بو تازا آد آنجاق لغوی ملاحظه لرین محصولیدر ، دىلیمیزده نه آهنگ و نه تصفيه و نه ده زنگینلشديرمه نظریندن «دادگستری» نى «عدليه» يئرینه قويماقدا هئچ بىر معنا يوخدور . بونا گوره «عدليه» دىلیمیزده - داها مناسب بىر معادل تاپیلينجيا قدر - قالاجاق و «دادگستری» فقط فقط فارسجايا منحصر اولاجاقدار . «استان» لغتى ده بىر آزرقلی اولماقلا برابر عىنى دليل لره گوره دىلیمیزده «ایالت» يازيلمالى و «استاندار» دا طبیعتيله «والی» اولمالیدر . يوخارىدا ملاحظه ائدیلدیكى وجهيله «فرهنگستان» لغتى بو مورد ده قبول اولراق عیناً يازیلير زیرا او اوزونه خاص بىر موسسه در و داها اول بئله بىر شئى يوخدی . خلاصه وئردیگیمیز مثال دا « نظر به این كه جناب آقای فلان مدير كل اداره دادگستری استان آذربایجان بوردادر» بئله اولمالیدر : **آذربایجان ایالتی عدليه ادارسینین عموم مدیری آقای فلان جنابلارینین بوردا اولدوغونا گوره**

گئچن دورین ووردوغى ضررلرین ممکن اولدوغى قدر تلافیسی ایچون بىر نئچه نقطه یه دقت ائتمك لازمدر :

۱- ادارى ، قضائى ، سياسى و باشقا رسمى تازا «فرهنگستانى» اصطلاحلارا دقت - ائدیلمه لى . اونلارين ابقاسینا موجه بىر سبب اولمازسا دىلیمیزین بنیه سینه قدیم دن

یئرلشمیش کلمه لر ترجیح ائدیلهر. «تازا» اصطلاحلار فارسجا زاویه سیندن مناسب اولسالار داییزیم دیلیمیزده الزاماً مناسب صایلماز. مثلا بیز «پرونده» یازما یا جاغیق اوز دیلیمیزده داها مناسب بیر لغته راستلامایینجایا قدر قدیمدن اولدوغی کیمی «دوسییه» کلمه سینی ایشلته جگیز. هابئله در: قوشون (ارتش یئرینه)، مدعی العموم (دادستان یئرینه)، مدافعه و کیلی، قاضی، محکمه، محاکمه، تعقیب، مفتش، مستنطق...

۲- اصیل جغرافیائی آدلاری، اویدروما و قوندارما آدلارین یئرینه تازادان قویا جاغیق: اورمیه، توفارقان، قاراچمن، آجی چای، صابین قلعه، سلماس... کیمی. هر جوره ترددین زایل اولماسی ایچون جغرافیائی آدلار و رسمی اصطلاحلار دان بیرلیست حاضرلانمالیدر. مثلا اداری، سیاسی و نظامی رتبه و سایر ضروری اصطلاحلار، تازانسلین استفاده سی ایچون، فهرستلر صورتینده ارائه ائدیلمه لیدر.

۳- غرامه ر خطالاری دقتله تعقیب ائدیلمه لی و غارتلریمیزده ده دلیل بختلری آچیلمالیدر.

۴- اوزون ایللرین اهمالی اونودولموش خالص و اصیل کلمه لریمیزی آذربایجانین گنیش کولتور ساحه سینده دده و بابالاریمیزین اثرلریندن چیخاردیب تانیتمالی بیق. دده قورقود، نسیمی، ختائی و فضولی دن تا دونن کی شاعر و یارادیجیلاریمیزین اثرلرینه قدر آلیمیزده کی میراث توکنمه ز بیر خزینه در. بو اثرلرده ایشله دیلمیش کلمه لر تانیتمالی و اوخویجیا ایضاح ائدیلمه لیدر.

۵- مختلف گوشه لرده خلقیمیزین آغزیندان و زنگین فولکوریندان مناسب کلمه و اصطلاحلاری آلمالی و اونلاری ایشلتمه لی بیق.

۶- دیلیمیزین قانسون وقاعده لریندن فایدالاناراق دوزلدیله جک و یارادیلا جاق کلمه لر دن محتاج اولدوغوموز مناسب تعبیر ولغتلی سچمک و خلقین رد ویا قبولونا عرض ائتمک لازمدر.

بونلار و بونلارا بنزهر تدبیرلرله دیلیمیزی بنی باشدان بوی آتاجاق و ان کؤزل بدیعی اثرلرله اوره کلریمیزه قوت و گؤزلریمیزه ایشیق وئره جکدر. بو بحث دوام ائده جکدر.

آذرى تور كچه سىنىن تارىخىنە قىسقا پىر باخىش

يازان : دكتور جواد ھىست

ھىسۇزدىن اول ، تورك كىلمە سىنىن ھاردان گىلدىگىنى و نە دىمك اولدوغونو آنلاماق لازم در. تورك كىلمەسى تۇرە مكدن ، يعنى توليد مثل دن گىلير وقوت معناسىنى داوترمكده در. بوآد، بىردولت آدى اولاراق ايلك دفعە ۶-اينجى عصرمىلادى دەبوگونكى مغولستان اولكەسىندە قورولان گۆك تورك حكومتىنە وئرىلدى . اسلام دان اول ، توركچە دانىشان اقوامىن ھامىسىنا تورك دىيىلمىزدى . بوقبىلە لىرىن باشقا باشقا (اغوزياغز . پچنك . قىچاق . تورك) آدلارى وارايدى . بوقبىلە لىرىن اسلامى قبول اديب ايرانا گىلدىكدن صونرا ھامىسىنا تورك دىيىلدى .

تورك كىلمەسى ، نژادى افادەئىدىن بىر كىلمە دىگىلدر . اورتا آسيا توركلرى دەآغ نژادىن تورانى قولوندىن صايىلىرى . بوگون تورك كىلمەسى ، دىل و فرھنگى مفھومدا توركچە دانىشان و تورك عنعناتىلە تانىنان خىلقلرە دىيىلىرى .

واما آذرى توركچە سىنە گىلنچە ، آذربايجاندا و ايرانىن بىر چوخ يىرلىرىندە و حتى تركىيەنىن شرق ولايتلىرىندە (قارص و اردحان) خىلقلرىن آنادىلى اولان آذرى توكچە سى ، يىدى يوز ايلدىن چوخ دوركى بو اولكەلرىن اساس دىلىنى تشكىل ائتمكده در. بو دىلىن تارىخى دورومونى تدقيق و مطالعة ائدركن ايكى مسئله يە توجە ائتمگىمىز لازم گىلير .

بونلاردان بىرىسى بو دىلىن بو اولكە لردە يايىلىپ خىل دىلى اولماسىدر . بو ايش تورك ائلىرىنىن تارىخ بويونچا مهاجرتلىرى و بورالاردا اتوراق ائتمە لىرىلە ممكن اولموش . ايكىخى سى دىلچىلىك (فىلولوژى) نقتە نظرىندىن بو دىلىن انكشافى و بوگونكى حالا گىلمەسىدر .

تورك ائلىرىنىن اورتا آسيادان ايرانا گىلمە لىرى ساسانى لىرىن زمانىندان باشلامىشدر . انوشىروانىن فارسجايا ترجمە ائدىلدىن يادداشت لارىندا بو موضوع آچىخ جاذكر ادىلمىشدر (۱) اسلام دان صونرا اوچ بۇيوك مهاجرت اولموش : بىرىنچى سى مىلادى ۱۱ اينجى عصرده سلجوقلارلا باشلامىش و توركلر آناطوليا قدر ايرەلى گىتمىشلىرى و بورادا سلجوقى دولتىرىنى قورموشلار .

ايكىنچى بۇيوك مهاجرت مغول لارلا باشلامىش . مغول لار تورك دىلدىلر ، اما اوردولارىنىن چوخونو توركلر تشكىل وئرمىشلىرى . اوچونچى بۇيوك مهاجرت ، امير

تیمور زمانیندا اولموش و اوندان صونرا دادوام ائتمیشدر . امیر تیمور عثمانلی پادشاهی ایلدرم با یزیده غالب اولاندان صونرا ئوزیله یوزمین دن چوخ اسیر گتیرمیش . بو اسیر لر آناتولی داکی تورکلردن اولموش اردبیل اطرافنده یرلشدیریلیمیشلر . بو اسیر لرین نوه لری صفی الدین اردبیلی نین اولادلاری باشینا ییغیشدی لار و شاه اسماعیل صفوی سلطنتینی قوردولار . (۳۰۲) .

صفوی لردورینده آذربایجان تمامیله تورکلشمیشدی . تورکلردن قاباخ آذربایجاندا مختلف آریائی لهجه لردانیشیلیردی . تورکلر بورانین قدیم یئرلی خلقینه تات دییردی لر . ایندی خلخال اطرافندا و باکونین شمالیندا قوناخ کنه دینده تات دیلی دانیشیرلار . کسروی و باشقالاری بودیلی تدقیق ائتمیش و اونا « آذری » دیلی آدی وئرمیشلر .

آذری تورکجه سی و ترکمنجه ، تورک دیلینین غرب لهجه سی نین شرق شیوه لریدر . غرب تورکجه سی قدیم تورکجه نین اغوز لهجه سیدیر و اون اوچون نجوعصر دن صونرا عثمانلی تورکجه سی و آذری تورکجه سینه آیریلیمیشدر .

قدیم تورکجه اورال آلتای دیل گروهونا باغلی و قدیم ترکستانین دیلیدر . تورکلر قدیم زماندا تورکستانین شمالیندا اورال - آلتای منطقه لرینده ائل حالیندا یاشاردیلار .

صونرا بورادان هر طرفه کؤچموش و دیل لرینی ده ملی داستانلار و عنعنه لر ایله بیر - لیکده آپارمیشلار .

قدیم تورکجه خاقانی تورکجه سی ده دئییلیر . بودیلده قدیم دن قالان مزار داشلاری اوستونده قازیلان یازی لار مغولستانین شمالیندا اورخون نهری جواریندا تاپیلدی و ایلک دفعه کچن عصرین صونوندا دانمارکلی طومسن طرفندن اوخوندی . بومزار داشلاری سکیزینچی عصر میلادیه مربوط درو گوک تورک پادشاه لارینیندر . بویازی لار اورخون الفباسیله یازیلیمیش . بوالفبانین دورت سسلی و اوتوزدورت سس سیز حرفی واردر . (۴) ینی سئی مزار داشلاری یازی لاری داها شمالدا ، ینی سئی چاینین وادیسینده تاپیلدی . بویازی لار ایکی یوزایل اورخون یازی لاریندان داها قدیم درو قیرقیز تورکلریندن قالیمیشدر .

تورک دیلی التصاقی و صون یاپیشیقلی (پسوندی) دیل لردندر . بو گروه دیل لرده کلمه لرین کؤکو (ریشه سی) دگیشمز . کلمه نین صونونا یاپیشیلان و یا آرتیریلان صون اکلرله مختلف کلمه لر و مفهولار حصوله گلیر . فارسی و یافارسجا هند و اروپائی دیل لردن اولوب ، تحلیللی دیل لره منسوب دور . تحلیللی دیل لرده صرف اثناسیندا کلمه نین کوکوده گیشه بیلیر . مثلاً « گفتن » فعلینی صرف ائدرکن « بگو » و « میگویم » ده فعلین کوکو اولان « گفت » دگیشمیشدر .

۱۲ و ۱۳ اینجی عصر لرده واقع اولان بؤیوک مهاجر تلسیراسیندا اسلام دینی نی قبول ائتدیکن و تازه یئرلره گلدیگدن صونرا ، اسکی تورک لهجه سی و یا ترکی قدیم ایکی تازه لهجه یه یعنی غربی تورک و یا اغوز لهجه سی و بیرده شمالی - شرقی لهجه سینه آیریلدی .

شمالی - شرقی تورک لهجه سی قدیم تورکجه نین دوامی اولدوغو حالدا بیر عصر دن صونرا ایکی ینی (تازه) لهجه یه یعنی شمالی ویاقبچاق لهجه سی و شرقی ویاجغتای لهجه سینه آیریلدی .

جغتای لهجه سی امیر تیمور زمانیندا باشلیق ۱۵ و ۱۶ اینجی عصر لره قدر تکامل اندیب صونرا اوزبک لهجه سینی میدانا گتیردی . جغتای لهجه سینه بؤیوک شاعر علی شیر نوائی نین دیوانی کیمی قیمتلی اثر لری یازیلیمیشدر .

سکیزینجی عصر ده اویغور تورکلری گؤک تورکلری شکست وئریب اونلارین یئرینه حکومت قوردولار . اویغور تورکلری بوداومانی مذهبینی قبول اندیب مانی دینی ایله سیریانی الفباسینی دا اوزلرینه الفباسیچدیله . دو قوزونجی عصر دن قالان و اویغور الفباسیله یازیلیمیش داش یازیلاری اویغور خانلاریندان قالمادر . بودا مذهبی نین مقدس کتابی آلتون یاروق (آلتون ایشیق) دابودوره ده سانسکریتجه دن اویغورجایا ترجمه ادیلن کتابلارداندر . (۵)

تورکلرین مسلمان اولدوقدان صونرا یازدیقلاری ایلك اثر **قوتادقوبیلیگ** در معناسی سعادت وئرن بیلگی یا علم دئمکدر . شعر دیلیله یازیلیمیش بو کتاب قره خانلی لار زمانیندا ، ۱۰۷۰ ایلینده یوسف خاص حاجب طرفندن یازیلیب قره خانلی حاکمی بغراخانا اهدا اندیلیمیشدر . بو اثر قدیم تورکجه یاخاقانی تورکجه سیله یازیلیمیش و عروض و زملی ، متقارب بحرینده مشوی در . کتابین موضوعی اوگوت (نصیحت) و عقل و علمین فایدالاریندن بحث اندر . دانشمالار پادشاه و وزیر آراسیندا جریان تاپیر ، آشاغیدا بیر مثال ذکرده اندهجه ییک :

بیلیگ بیرله بگ لر بسودون باشلادی

اوکوش بیرله ایل کون ایشین ایشله دی

یعنی بیگلر بیلگی ایله ائیلین باشی اولدولار

ائل و ملت عقل ایله گونده لیک ایشلرینی اداره ائتدیله (۷۹۶)

اسلامیت دورانی نین ایکنجی بؤیوک اثری **دیوان لغات التریک** کتابیدر . بو کتاب اوچ ایل **قوتادقوبیلیگ** دن صونرا و کاشغرلی محمود طرفندن عربله تورکجه ئورگتمگ ایچون یازیلیمیش و بغداد خلیفه سینه تقدیم اندیلیمیشدر . بو کتابدا تورکجه نین گرامری و مختلف لهجه لری ، ائل لرین آدلاری و یئرلری شرح وئریلمیش و اسکی آتاسؤزلری ده ذکر اندیلیمیشدر . (۹۹۸)

اوچوبخومشهور اثرده ادیب احمد طرفندن ۱۲ اینجی عصر ده شعر دیلیله یازیلان **عتبه الحقایق** در . بو اثرین موضوعی دین و اخلاق درو و عروضون متقارب بحرینده و موعظه شکلنده یازیلیمیشدر .

ادیب احمد آنادان دوغما کور ، فقط ایمان باخیمیندان قدرتلی بیر شاعر در .

اثری بش منظومه و یوزبیر رباعی دن عبارتدر . (۱۰)

آذربایجان اولکه سینه ایلك دفعه تورکجه شعر یازان قطران در . (۱۱)

نظامی گنجه ای لیلی و مجنونون مقدمه سینه تورکجه یازماق ایسته دیگینی بیان

اؤدرکن پادشاهین امریله اثرینی فارسجا یازمیشدر.

مولوی بوتون اثرلرینی فارسجا یازدیغی حالدا بیر نئچه ملمع و تورکجه شعر یازمیشدر . بورادا بیر ملمع و بیر ده تورکجه شعرینی گتیریریک : (۱۲)

دانی که من بعالم یالقوزسنى سورمن

چون در برم نیائى اندر غمت اولرمن

من یار باوفایم بر من جفا قیلیرسان

گرتومر انخواهی من خودسنى تیلرمن (دیلهرم)

روئی چو ماه داری من شاد دل از آنم

از آن شکر لبانت بیر اوپکی نن تیلرمن

هر دم بخشم گوئی برقیل منم قاتیمدان

من روی سخت کرده نزدیک تو دورورمن

روزی نشست خواهم یالقوز سنین قاتیندا

هم سن چاخیر ایچرسن هم من قوپوز (ساز) چالارمن

ماهی چو شمس تبریز غیبت نمود گفتند

از دیگری نپرسید من سویلهرم آرارمن

تورکجه شعرى :

گله سن بسوندا سنه من غرضیم یسوخ ایشیدورسن

قالاسان آندا یا ووزدر (بداست) یالقوز قاندا (هاردا) قالرسن

چلبی (شیخ) درهامودیر لیک چالابا (بخدا) گل نه گزرسن

چلبی قولارین اسپستر چلبی ئی نه سانورسن

نه اوغوردورنه اوغوردور چالاب آغزیندا قیغیرماخ (چاغیرماخ)

قولاغون آج قولاغون آج بولاکیم (اولاکی) آندادولارسن

آذری تورکجه سیله یازیلیمیش ان قدیم اثرلردن بیرى ده **ده قورقود** کتابی در .

بو کتاب دا اوغوز ایلینین داستانلاری نثر و شعر دیلی ایله یازیلیمیشدر . داستانلرین بیر

قسمتی چوخ قدیم دروحتی اسلامدان قاباخکی زمانلارا مربوط دور . اوغوزلار آذربایجانا

گلدیگدن صونرا تازه یئرلرینده کی آدلاری داستانلارا آلمیشلار . ده قورقود تورک

اؤلرینه مخصوص اوزانلار یعنی سازلی خلق شاعر لریندندر وقوپوزونو چالا - چالا ایل

داستانلارینی دیله گتیریر .

ده قورقود ایلین آق سناققالی و باش بیلی در . او قهرمانلارا آدو ائلره

اوگودوئریر .

بو اثر گچن عصرین صونرندا برلین درسدن کتابخاناسیندا تاپیلدی . بیر مدت

صونرا واتیکان کتابخاناسیندا آیری برنسخه سی اله گلدی . اثر ده تاریخ و مولفین

آدی یوخدور . بیله نظره گلیرکی اثر ۱۵ و ۱۶ اینجی عصرده یازیا آلمیشدر . ده قورد

کتابی دنیا شاه اثر لریندن و اولمز اثر لردن بیرى در و بیر چوخ دیلله ترجمه ادیلمیشدر . (۱۳)

انگلیزجه ترجمه لردن فارسجا یا یکی ترجمه سی چیخمیش . (۱۴ و ۱۵)
آذری لهجه سینده ان اسکى شاعر لردن بیرى **حسن اوغلو** ویا پورحسن اسفرائینی در .
بوشاعر ۱۳ اینجی عصرده یاشامیش و دولتشاه سمرقندی نین تذکرة الشعرا سینده
عارف و موحد بیر شاعر کیمی توصیف ادیلمیشدر . حسن اغلو تر کجه و فارسجا شعریاز
میشدر .

عمادالدین نسیمی ۱۴ اینجی عصرده یاشامیش و آذری شعرینین ایلک بؤیوک
استادی در . نسیمی ده دیوانینی ایکی دیلده یازمیشدر . حروفی طریقتینین باشچیسی اولان
تبریزی فضل اله نسیمی نین شاگردیدیر و بویولدا داشهید اولمو شدور . ۱۴۰۷ ده حلب
ده درسی سویولاراق اولدورولموشدور .

آذری شعرینین بؤیوک سیمالاریندان بیرى **شاه اسماعیل ختائی** در . ختائی شیعه لیر
سیمی نین قوروجو سودور آیریجا خلق شاعریدر . اوئولدو کدن صونرا آذربایجان و آناطولونون
شرق کندلرینده آدی داستانلارا کچمیشدر . (۱۶)

۱۶ - اینجی عصرین ان پارلاخ شاعری **فضولی** در . اوچ دیلده یعنی تورکجه ،
فارسجا و عربجه شعر سویله میش و باشقا تورک لهجه لری شاعر لرینه ده تاثیر ائتمیشدر .
بورادا اونون غزل لریندن بر نمونه گتیریریک :

منی جانندان اوصاندردی جفادای یار اوصانمازمی

فلکلر یاندى آهیمدان مرادیم شمعی یانمازمی

قامو (هامی) بیمارینه جانان دوای دردائدر احسان

نیچون قیلمازمنه درمان منی بیمار صانمازمی

شب هجران یانارجانیم دوکرقان چشم گریانیم

اویا دیورخلقی افغانیم قارابختیم اویا نمازمی

گل رخسارینه قارشى گوز ومدن قانلی آخار صو

حبیبم فصل گل دوربو آخار صولار بولا نمازمی

غمسی پنهان ادردیم من دیدیلری اراقیل روشن

دیسیم اول یسوفابیلیم اینانورمی اینا نمازمی

دگیلدیم من سنه مایل سن ایتدین عقلمی زایل

منه طعن ایلمین غافل سنی گورجک اوتا نمازمی

فضولسی رندوشیدا در همیشه خلقه رسوادر

صورون کیم بونه سودادر بوسودادان اوصا نمازمی (۱۷)

آذری شاعرلری نین مهم بیر عده سی خلق دیلینده شعر قوشمیشلار (**شفاهی ادبیات**)
بونلار ساز شاعر لریدر . و خلق داستانلارینی شعر دیلله و سازلایان ائتمیشلر .

بوگونون عاشق لاری بوساز شاعرلری نین یادگاریدر . ۱۷ اینجی عصرده شاه عباسین فارسجی لبق سیاستندن و ایران پایتختی نین اصفهاننا انتقالیندن صونرا آذری کلاسیک ادبیاتسی دور اخلاقی فقسط ساز شاعرلری ایشلیرینه دوام ایتدیلر و آذری شعر و داستانلارینی یاشاتدیلا . بونلارین ان مشهورری اصلی و کرم و عاشق قریب و کوراغلو داستانلاریدر .

۱۸ اینجی عصرده شمال آذربایجانیندا بؤیوک شاعر لرچیخمیش . بونلارین ان مشهورلاری **ملاپناه واقف وودادی** در . واقف قره باغین باش وزیری اولوبره آلیست بیر شاعر در . شعرلری عاشق علی اصغر و عاشق حسین کیمی خلق شاعرلرینه الهام قایناعی و اولگو اولموشدور . (۱۸)

۱۹ اونجو عصرده شمالی آذربایجان آناوطنیمیزدن تزار روس امپراطور لوغو زوریله آیریلیمیش و گوز لریمیزین یاشیله دولموش اولان آراس چایی ایکی قردش آراسینده سرحد اولموشدور . بو عصرده اوروپا دا گندن فکری حرکتلر اول شمال صونرا ادا ایران آذربایجانینا گلمیشدر . شمالدا **عباسقلی آقباکی خانلی و قاسم بیگ ذاکر و میرزا شفیع واضح و میرزا فتحعلی آخوندزاده** کیمی بؤیوک شاعر و متفکر لر ظهور ائتمیشدر . بو عصرین بؤیوک شاعر لریندن بیر ی ده قره باغ خانلی نین قیزی **ناتوان خورشید خانم** در . میرزا فتحعلی آخوندزاده شرق ده ایلك تآثر اثری (نمایشنامه) یازان آدامدر . نمایشنامه لری فارسجا یا و بیر چوخ اروپا دیل لرینه ترجمه ائدیلمیشدر .

تغلیس ده **جلیل محمد قلیزاده** طرفندن **چرخان ملانصر الدین** مجله سی اورتا شرق ده نظیری اولمیان فکاهی وطنز بیر نشریه ایدی . بو مجله ده (ساتیریک) طنز و هجو شعرین بؤیوک استادی علی اکبر صابره یازی یازاردی . **صابر** انقلابی فکر لرینی مزاح و هجو شکلنده شعر دیلیله بیان اتمیش و زمانی نین خرقه لرینه امان سیز جاسینا مجادله ائتمیشدر . صابرین دیوانی **هوپ هوپ نامه** آتالاریمز زمانیندا هر آذربایجانلی نین ائوینده تاپیلیردی .

مرثیه و نوحه ادبیاتی - بوشکلده شعر یازماق شاه اسماعیل زمانیندان باشلامیش و بو گونه قدر دوام ائتمیشدر . شاه اسماعیل ختائی و فضولی کر بلا قاجعه سینی شعرله بیان ائتمیشلر .

دخیل مراغه ای کر بلا شهید لرینین احوالینی یدی جلدده تور کجه یازمیش و بو اثر بیر چوخ مرثیه و نوحه قوشان شاعرلره مراجعه و الهام قایناعی اولموشدور . بو شاعر لرین ان مشهورلاری **سیدفتحاح مراغه ای و حاجی خداوردی خوئی و ابوالسحن راجی و نباتی و قمری و رنجور خانم** در .

۲۰ اینجی عصرده شمال آذربایجاندا شعر و ادبیات چوخ قباغا گتدیگی حالده ایران آذربایجانیندا پهلوی خاندانی نین استبدادی و تورک دوشمانی سیاستی سایه سینده تورک دیلی و فرهنگی دورا خلا میس و حتی دالیا گتتمیشدر .

بو عصرین شمال آذربایجان شاعر لریندن بیر نچه سینی ذکر اده جاغوخ :

صمدوورغون (۱۹۵۰ ده اولموش ملی شاعر) و **سلیمان رستم** و مشهور غزل

شاعری مرحوم **واحد و بختیار و هابزاده** و ایران سور گونلریندن خانم **مدینه گلگون و بالاش آذراغلو و علی توده**. (۱۸)

ایراندا تورکجه نین قدغن اولدوغو ایچون آذری شاعر لریمیز اثرلرینی دهاچوخ فارسجا یازماق مجبوریتندہ قالمیشلار. آذربایجان دموکرات فرقه سی نین بیر ایل سورن حاکمیتی زمانیندا آذربایجاندا تورک دیلی رسمی اولموش و تورکجه درس کتابلاری اوخوتولموشدی فقط حکومت مرکزی نین اوردوسو آذربایجانا گلدیگدن صورنا بوتون تورکجه کتابلار یاندریلیمیش و تورکجه اوخویوب یازماق گینه قدغن اولموشدور. بوخفقان دورینده بعضی شاعر لریمیز پهلوی یاساغینا باخمیاراخ اوزآنا دیلینده شعر یازمیشلار. بونلاردن **استاد شهریار** ان مشهور شاعر یمیز در. اونون فارسجا شعرلری بوتون ایران ملتینی مفتون ایلمیش و اونوهر کسه تانیتیمیشدر. تورکجه یازدیخی **حیدر باباسی** د نیانین ادبی شاه اثرلری آراسینه گرمیش و بیر چوخ دیلره ترجمه ادیلیمیشدر.

مراغلی **اب. قره چورلو - سهند** گرچی ئوز وطنینده غریب کیمی قالمیش اما شمال آذربایجاندا و حتی تورکیه ده تانینمیش شاعر لردن بیر یدر. سهند دده قورقود داستانلارینی بوگونون آذری تورکجه سیله شعره چکمیش ملی حماسه لریمیزی دیریتیمیشدر. اونون سازمین سوزو آدلی دیوانی ادبی باخیمدان دینانین ان گوزل حماسه لريله اولچوله بیلن و محتوانظریندن خلقیمیزین قهرمانلیقلارینی و اوستون سجیه لرینی گوزل دیلله بیان ادن ملت نامه ویا ایل نامه میز در.

ساحر قوتلی بیر آذری شاعری اولماخلا برابر تورکیه ادبیاتیندا واقف در. **کریمی** مراغه ای طنزیازان شاعر لریمیزدندر. **اعتماد و علی تبریزی** و دها بیر چوخ حرمته لایق شاعر لریمیز واردر. گلجکده اونلاردان و اثرلریندن بحث ایدہ جاغوخ. آذری ادبیاتی فولکلور باخیمیندا تورکجه نین ان زنگینی در. فولکلورو موزون مهم بیر قولونو آتاسوزلری و تاپماجالار تشکیل ایدر. **دکتر جاوید** آتاسوزلری و تاپماجالار حقنده آذربایجان فولکلور نمونه لری آدیله ایکی جلد کتاب یازمیش. بو کتابین ایکنجی جلدی پهلوی رژیم می مامورلاری طرفندن توفیف ادیلیمیشدر.

تئاتر و موسیقی - آذربایجانین تئاتری اورتا شرقین ان قدیم و پارلاخ تئاتری اولدوغو حالده پهلوی زمانینده قدغن ادیلیمیش حتی آذری موسیقی سیده بیر چوخ یرلرده ممنوع اولموش. بو قدغن و یا ساخلارا هیچ بیر قانونی ماده و دلیل اولمادیغی حالده کچمیشده کی شووونیست رژیم، فارس لاردان باشقا ایرانین بوتون خلقلارینی فطری حقلری اولان اوز آنادیلی و فرهنگیندن محروم براخمیشدیر. امید ایدرم او فاسد و فاشیست رژیمین انقلاب اسلامی ایله اورتادان قالماسیله اونون مفکوره سی و فرهنگی ایزلری ده سیلینسین و نجه کی عصر یمیزین بیوک فیلسوفی برتراند راسل دیمیشدیر کی فرهنگی استعمار سیاسی استعمار دان دها فجیع و تهلکه لیدر و اونویوخ اتمک سیاسی استعمارین محویندن دهاچتین دیر.

یوخاریدا سویله دیگیمیز سبب لردن اوتورویبیزیم بوگونگو آذری تورکجه میز شمال آذربایجان تورکجه سی کیمی گوزل و تمیز و زنگین دگیلیدیر ، بیر چوخ فارسی کلمه و اصطلاحلاریله قاریشمیش ویالقیز دانشمادیلی اولراق خلق آراسینده قالمیشدیر. بودیلی یازی دیلی شکلنده ده ایشلتمک و اونو اصلاح و انکشاف اتدیرمک و آذری قردشلیرمزه اونون گرامروویازماسینی اورگتمک بیزیم ملی وظیفه وهورجوموزدور .

آذری تورکجه سی نین گرامرینی اورگتمک ایچون دوستوم **م . ع فرزانه** نین یازدیغی **مبانی دستور زبان آذربایجانی** کتابینی جوان همشهریلریمه اصرارلا توصیه ایدرم .

الفبامسئله سینه گلینحه بوگون تورک دیللی لاتین واسلاو و عرب حرفلریله یعنی اوچ مختلف الفبا ایله یازیلماختادیر . عرب حرفلری مین ایلدن چوخدور مسلمان تورکلر طرفندن الفبا ایچون قبول ادیلیمیشدیر . لاتین الفباسی ایلک دفعه باکوده صونراداتورکیه ده (۱۹۲۸) رسمی الفبا قبول ادیلیمیش فقط باکودا . ۱۹۴۰ دن صونرا اسلاو حرفلری لاتین حرفلری یرینه کچمیشدیر . عرب حرفلری دوقوز سسلی حرفی اولان تورکجه یه کافی اولمایپ بعضی اشارتلرله بونقصانلاری جبران اتمک لازم دیر . بوخصوصه تورکولوژی عالمی دوستوم **دکتر حمیدنطقی** ۱۲۵ قاعده لر آدینده برکتاب یازمیشدیر . عرب حرفلریله آذری تورکجه سینین درغرو وهر کسین اوخویا بیله جاغی شکلده یازماخ ایچون بوقاعده لری اوخوماخ وازبرلماخ لازم دیر . (۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵) .

طهران . فروردین ۱۳۵۸ . ج . ۵ . تبریزی

منابع و مراجع :

- ۱ - یادداشت های انوشیروان . ترجمه صفوی .
- ۲ - تاریخ ایران تالیف حبیب اله شاملوئی .
- ۳ - اورتا آسیا تورک تاریخی حقنده درس لر . پرفسور و . بارتولد . استانبول . ۱۹۲۷ .
- ۴ - اورخون آبدلری . پرفسور محرم ارگین . استانبول . ۱۹۷۰ .
- ۵ - بیوک تورک ادبیاتی تاریخی . و . ماهر قوجاتورک . انکارا . ۱۹۷۰ .
- ۶ - قوتادقو بیلیگ . فرغانه نسخه سی . استانبول . ۱۹۴۳ .
- ۷ - قوتادقو بیلیگ اینجه لمه لری . آ . دیل آچار . تورک دیل قورومویابین لاری . انکارا . ۱۹۷۲ .
- ۸ - دیوان لغات الترك . محمود کاشغری .
- ۹ - دیوان لغات ترک دیزینی . پرفسور احمد جعفر اوغلو . تورک دیل قورومو یابین لاری . انکارا . ۱۹۷۲ .

- ۱۰ - رسملى تورك ادبيات تاريخى . ن . س بانارلى . اوچونجو جلد . استانبول
- ۱۱ - تورك دنياسى ال كىتابى . پرفسور احمد جعفر اغلو . انكارا (۱۹۷۶)
- ۱۲ - رسملى تورك ادبيات تاريخى . ن . س . بانارلى . دوردونجو جلد . استانبول
- ۱۳ - دەدم قورقودون كىتابى . اورخان شائق گوكياي . استانبول ۱۹۷۳
- ۱۴ - حماسى دە دە قورقود . اثر انار . ترجمه ابراهيم دارائى . تهران ۱۳۵۵
- ۱۵ - كتاب باباقورقود .
- ۱۶ - ديوان شاه اسماعيل ختائى . استانبول
- ۱۷ - كليات ديوان فضولى . استانبول وتبريز چاپى .
- ۱۸ - آذربايجان ادبياتى . تورك دنياسى ال كىتابى ، پرفسور احمد جعفر اغلو . انكارا (۱۹۷۶)
- ۱۹ - تورك دىلى تاريخى . پرفسور احمد جعفر اغلو . استانبول (۱۹۷۰)
- ۲۰ - تورك دىل بىلگىسى . پرفسور محرم ارگىن . استانبول (۱۹۷۲)
- ۲۱ - آذرى توكجهسى . پرفسور محرم ارگىن . استانبول (۱۹۷۱)
- ۲۲ - قوسى تبريزى وميرزاشفيق . ترجمه . ح . صديق .
- ۲۳ - آثارى از شعراى آذربايجان . ح . صديق .
- 24 - Principe De Grammaire Turque Jean . Deny. Paris 1955
- 25 - Basic Gaurse in AzeabayJani . Fred . W . Householder . JR .
M . Lotfi , indiana Unjversity Publicatins . 1973

آذربایجان فولکلورینین (خلق بیلگیلرینین) خصوصیه آذربایجان خلق ادبیاتنین اوستونده کنیش حالدا ایش آپاریب، اونسی توپلاماق، نوگریپ و تحقیق اتمک مجله میزین اساس وظیفه لریندن بیر حساب اولونور. بوباره ده بیرباشلاییش کیمه، ایلر بوندان اول مبارزائل اوغلی «ع. ر. اوختای» ین فولکلور و اونون توپلانماسینین ضرورتی عنوانی ایله فارسجا یازدیغی مقاله نی درج اندیریک.

فولکلور و ضرورت تدوین آن

فولکلوریا «فرهنگ عامه» یا «مدنیت خلق» بآن قسمت از فرهنگ و مدنیت جامعه اطلاق می شود که طی قرون و اعصار در محیط های عامیانه ایجاد و منتشر شده است. و اگر هم احیاناً موجود بعضی از این آثار و آداب و عقاید و فنون، دانشمندان و خواص بوده باشند، در هر صورت طوری بین توده های مردم شیوع و انتشار یافته است که تفکیک این قسمت از آنچه خود عوام الناس ایجاد کرده اند بسیار مشکل خواهد بود.

پس ملاک فولکلوریک بودن يك اثر، ناشناختگی موجود آن نیست بلکه شیوع و انتشار شفاهی آن اثر است بین عامه مردم در ژرفای زمان و پهناى مکان. و با این تعبیر، امروزه فولکلور مثل يك پدیده زنده اجتماعى می تواند به حیات خود ادامه دهد، اگر ترانه های آنقدر بین مردم رواج یابد که مثل ترانه های از نوع «بری باخ» جاودانی شود، در حقیقت بگنجینه موسیقی خلق وارد شده و بصورت «فولک سانگ» درآمد است. بهمچنین اگر روزی نغمه های حیدر با با را آنقدر «عاشق» ها تکرار کرده باشند که مانند سرودهای اصلی - کرم زمان و مکان را تسخیر نموده باشد، آنروز می توان حیدر با با را در مجموعه های فولکلور مومیائی کرد. مدنیت خلق شامل رشته های گوناگون خواهد بود: ادبیات، علوم، حقوق (عرف ها و مراسم و عادات) طب و تعلیم و تربیت، هنرهای زیبا... تقریباً همان تقسیم بندی های متداول علوم و معاریف را در اینجا هم می توان صدق داد. تدوین فولکلور هم هدف است و هم وسیله. امروز در تمام دنیا این نمونه ها و آثار را جمع

آوری می کنند تا قسمتی از فرهنگ بشری، که از اعماق تاریخ ریشه گرفته و از سینه ای به سینه ای منتقل شده، در سینه های پر اضطراب انسانهای قرن بیستم برای همیشه مدفون نگردد. از این نظر تدوین فولکلور فی نفسه هدف است.

اما وقتی تدوین شد، نوبت بهره برداریهای علمی از این منابع بگردد. و باین اعتبار، فولکلور وسیله است برای بررسی خصوصیات فکری و مادی اجتماعات بشری و تحولات در طرز زندگی، آداب و اخلاق، خلاقیت هنری، تکنیک و معتقدات آنها. در میان این آثار گاهی فسیل هایی از اجتماعات بشر اولیه بعید نیست بدست آید. همینطور فسیل ها و آثار باقیمانده از چادر نشینی و چوپانی، عصر فئودالیت و بالاخره اعصار جدیدتر برای علماء قابل تشخیص خواهد بود.

فولکلور روزنه است بدنسای تاریخ گذشته های بشر و نمودار در بدریها، جنگ و ستیزها، دردها و شادیها، و نحوه زندگی و تفکر او که همواره در مسیر تحول بوده و به همراه خود، مدنیت خلق را نیز دچار تحول ساخته است. فولکلور شناسی از فسیل شناسی بسیار مشکل تر است چون می دانیم که اساساً در علوم انسانی برخلاف علوم مادی با عناصر بسیار پیچیده و مبهمی روبرو هستیم. یک فسیل معمولاً دچار تغییر شکل نمی شود و همان صورت اولیه خود را حفظ می کند در صورتیکه آثار و نمونه های فولکلور ممکن است بارها دگرگون شده باشد. و جستجوی یک نمونه اصیل، گاهی سالها طول می کشد و به نتیجه هم نمی رسد. در ممالک پیشرفته بودجه ها و سازمان های مجهزی جهت این مطالعات اختصاص داده می شود ولی متأسفانه در اینجا اغلب کوششها بصورت فردی آمده است و یکی دو قرن بیشتر نیست که معمول گردیده. متون قدیمی ما هم فقط در حدود ضرب المثل ها و احیاناً بعضی افسانه ها است (افسانه های «دده قورقود»).

بنابراین نه تنها قسمت های ادبی این فولکلور تا کنون جمع آوری نشده است. انواع ادبی هم که بسیار غنی و پر دامنه اند بشکلی منظم و همه جانبه مورد مطالعه قرار نگرفته اند. این ادبیات شفاهی را می توان به انواع: افسانه های حماسی و غنائی - قصه های کوتاه - بایاتیاها - قوشماجاها - قطعات شاعرانه بدون وزن - تصنیف ها - ترانه های گوناگون در ستایش طبیعت و ترسیم زندگی - ضرب المثل ها و بالاخره معماها تقسیم کرد.

یکی از خصوصیات این ادبیات شفاهی، وسعت دامنه آثار و نمونه ها است. شاید در هیچ فولکلور دیگری باندازه بایاتیاها نتوان نمونه های شعر کوتاه پیدا کرد. ادیب و فولکلور شناس. معاصر م.ع. فرزانه در تألیفات خود از جمله بایاتیلار خصوصیات هنری این نوع ادبی را تشریح کرده است. در مورد سایر انواع از جمله افسانه ها و قصه نیز چنین است.

دیگر از خصوصیات این آثار هنر مندانه بودن و نزدیکی آن به زبان مردم است. آثار ادبی کلاسیک ما، تحت تأثیر عوامل خارجی قرار گرفته و تا حدودی عاری از ابتکار، سادگی و خلاقیت می باشند. در همان لحظاتی که شاعری از خواص، در بالاخانه خود زیر نور شمع و در میان چروانه ها بنگارش غزل هایش مشغول بوده «سایاچی» ها «عاشق هائی» که از مزارع آن طرف منزل شاعر عبور می کرده اند، آثاری بوجود آوردند که نه در خلاقیت و نه در زیبایی بیان و نه در ارزش مفاهیم، با آثار شاعر پروانه ها قابل مقایسه نیست. و اصولاً آثار آن چوپان و آن «عاشق» دنباله طبیعی ادبیات ریشه داری بوده است که به ادوار قبل از شهر نشینی مربوط می شد، حال آنکه شاعر پروانه ها رابطه خود را با ادبیات خلق بهم زده بود.

یکی دیگر از خصوصیات این آثار، تشابه نمونه‌ها در اقالیم و آفاق است؛ افسانه‌های «کوراوغلو» از دشتهای آسیای مرکزی تا آسیای صغیر و نواحی شرقی اروپا، دارای روایات یکسان و مشابهی است. و بایاتیهای مردم کرکوک (یا بقول خودشان خویرات‌لار) که توسط عطا ترزی باشی در بغداد چاپ شده است، گاهی کاملاً با نمونه‌های تدوین شده توسط آقای فرزانه (بایاتیلار - چاپ تبریز) یکسان است.

بنظر می‌رسد که ترسیم یک طرح کلی و اجمالی از رشته‌های گوناگون ادبی و غیر ادبی فولکلور کاملاً ضروری است. این طرح علاوه بر اینکه می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای آغاز بررسی‌های علمی روی نمونه‌های تدوین شده موجود، ما را کمک می‌کند که با آگاهی بیشتر و ذهنی روشنتر کار جمع‌آوری را دنبال کنیم. لیکن در اینجا مقصودمان ترسیم یک طرح عمومی نیست فقط می‌خواهیم بعنوان نمونه دو نوع ادبی یعنی مثلها و قوشماجا‌ها را بطور خلاصه و محدود بررسی کنیم. آنالار سوزو یا مثلها خیلی پر دامنه و متنوع‌اند و در آینده باید یک تقسیم‌بندی علمی روی آنها صورت بگیرد. عجالتاً بیک تذکر قناعت می‌کنیم؛ بعضی از مثلها نماینده طرز فکر طبقه یا قشر محدودی از جامعه هستند و نمی‌توان آنها را بعنوان نماینده تفکر خلق پذیرفت یک مثال خیلی ساده، «اراق ایچمه میسن صداقت بیله‌سن، قومار اوینامامیسان، حساب.» واضح است که این مثل در میان قشر بخصوصی از مردم ایجاد شده است. با همین قیاس بعضی از مثلها را می‌توان به صاحبان قدرت و حواریون آنها منسوب نمود؛ «داد ائان ایله قودورانین تاریمی اولماز» ایتین پیسی قایقاناقدان پای اومار، اودانه جینی قاب‌دا.» «تاری بیلر کیم قازانار، کیم یشیره» «بویوگون تانیمیان، تاریمین داتانیماز»

مثل اول فحاشی نسبت به افراد عاصی است و عصیان همیشه بر علیه قدرتمندان بوده. مثل دوم تمسخر موجودات «پستی» است که ب فکر تصاحب امتیازات «بزرگان» افتاده باشند. و مثل سوم گناه غارت شدن طبقات زحمتکش را به گردن خدا می‌اندازد. و مثل چهارم باز اعتراض نسبت به کسان است که حق «بزرگان» را بجانمی‌آورند.

اما از فضای تنگ و خفقان‌آور اندیشه طبقات صاحب قدرت که خارج می‌شویم، قدم به سرزمینی می‌گذاریم پر از صفا و معصومیت و آثاری می‌یابیم سرشار از یک جهان‌بینی صادقانه و گاهی بسیار عمیق و اصولی. آنکاه یقین پیدامی‌کنیم که این حرفها محصول ذهن انسانهایی است که تاریخ را با دست‌های تاول زده خود ساخته‌اند. اینجا نیز احیاناً خدا را خواهیم دید. امانه خدائی که اقویاً در پناهش سنگر گرفته باشند، خدائی دیگر؛

«تاریدان قورخان قولدان قورخماز.» و تفاوت بین دو طرز تلقی کاملاً روشن است. اینجا با خلق روبرو هستیم طرز تفکر، نحوه برخورد با اجتماع، و مبانی و اصول تربیتی انسانهای ساده را می‌بینیم انسانهایی که همه چیز خود را می‌باختند جز غرورشان؛

ایشلمه‌سن، دیشلمه‌سن.

چو حوئر، آزیالوار.

چو خلارینی قورد داغیتدی، آمانیم کیمی نو کوچولره داغیلان اولمادی.

واریمیز یسوخ اوغرو آپارا، ایسمانیمیز یسوخ شیطان. آیا، او قدر باخماکی دوشسون آیاغین آلتدا.

و می‌بینیم که چگونه گاهی عمیق‌ترین مسائل تاریخ را طی چند کلمه ساده و صمیمی

بیان کرده اند:

دعوا آجلقدان اولار ، توبه توخلوقدان .
یئربرک اولاندا ، نوکوز نوکوزدن گنوره ر .
بیرارخه بیر یول سوگسه اولورکی بیرده گله .
ائل گوجو سنل گوجو .

بولانماسا، دورولماز

آج، قلنجاچار (یوگورر)

ئولن ئوله جک، قالان گوره جک

ایگنه نی ساپلادین، اوجون دوگونله .

این نکته را هم باید تذکر داد که طبقه بندی ضرب‌المثل‌ها و سایر آثار فولکلوریک در مرحله جمع آوری بهیچ وجه مطرح نخواهد بود گرد آورنده این آثار صرفاً باید آنچه را شنیده و یادداشت کرده، عیناً منعکس کند.

اکنون یک نگاه سطحی و کوتاه هم به قوشماجا میکنیم قوشما یعنی شعر و سرود . و پسوند «جا» برای تسمیه و تعریف آمده است. قوشماجا نوعی شعر فولکلوریک است که برخلاف سایر انواع ادبی، از مطلب بخصوص صحبت نمیکند . تابلوئیست مرکب از عناصر و تصاویر متنوع ولی هماهنگ؛ که بیشتر آثار مدر نیست‌ها، قرن معاصر را بیاد می‌آورند. حرکت از یک تصویر به تصویر دیگر با استفاده از قاعده تداعی معانی است، گاهی هم با استفاده از کلمات هماهنگ. بعضی از قطعات برای بچه‌ها سروده شده‌اند. قوشماجا خیلی زود در ذهن کودک نقش می‌بندد حافظه‌اش را تقویت میکند ، قوه تخیل او را بکار می‌اندازد و کمک میکند که حس زیبا شناسی کودک تکامل یابد. قسمت دیگری از قوشماجاها دارای مضمون‌های غنائی و حماسی‌اند (رجوع کنید به «قوشماجالار و تاپماجالار، انتشارات شمس تبریز) تعداد قوشماجاها از فولکلور ما بسیار کمتر از سایر انواع میباشد و بسیار ضروری است که ما نمونه‌های شناخته نشده را از گوشه و کنار ولایات دور و نزدیک جمع آوری کنیم.

انواع دیگری از شعر فولکلوریک دارند که مقید به وزن نیستند و بشکل تسابلوهای قصه‌مانندی ساخته شده‌اند. ولی در همین قصه بود نشان هم روی قوشماجا حلول کرده است و در نتیجه. حوادث و تصاویر متنوعی را می‌بینیم که باز با استفاده از قاعده تداعی معانی بهم‌دیگر جوش خورده‌اند.

روی این انواع شعری هم هنوز هیچگونه تحقیقی نشده است. فقط در کتاب فوق‌الذکر چند نمونه معرفی شده است (شماره‌های ۱۶ - ۱۹ و ۳۱) مولفین مسلماً این نوع آثار را هم در ردیف قوشماجا قرار داده‌اند. البته همانطوریکه گفته شد، وجوه مشترکی در این بین هست اما نمیتوان منکر وجود مستقل این نوع فولکلوریک شد.

گفتیم اینها مقید به وزن نیستند . اما یکنوع موسیقی بخصوص کلمات و عبارت را بهم‌دیگر ربط میدهد و در بعضی قسمت‌های حساس، این موسیقی بصورت یکنوع وزن آزاد در در می‌آید. در بعضی از قصه‌های کوتاه و افسانه‌ها هم از این نوع قطعات شعری بدون وزن گنجانده شده که میتوان بطور جداگانه جمع آوری کرد. اما قوشماجا مقید به وزن است و هر

چند اکثر مصرع‌ها با وزن هفت سیلابی تعداد می‌باشد، با وجود این مصرع‌های اواییه گاهی ۹ سیلابی است و بتدریج تعداد سیلاب‌ها به ۷ و ۸ تنزل می‌باشد. گاهی هم قوشماجاها دارای وزنی آزاد هستند

قوشماجاها و قطعات بدون وزن از نظر فورم پدیده‌های بسیار جالبی هستند. در قطعات مزبور گاهی قواعد منطبق در هم میریزد، اشیاء موارد استعمال خود را ترك می‌گویند و شاعریکه معلوم نیست چند صد سال قبل میزیسته. باعنصری انتزاع شده از دنیای خارج و در يك فورم آزاد از وزن، دنیای تازه‌ای می‌سازد. و انسان متوجه می‌شود که دید هنری خالقین این آثار چقدر به دید هنرمند قرن بیستم نزدیک است قالب‌های فولکلوریک خصوصاً همین انواع مسورد بحث ظرفیت زیادی دارند که در شعر امروز مورد استفاده قرار گیرند باین ترتیب می‌توان با استفاده از ترادیسوهای مترقی فولکلوریک بطرف مدرن نیز رفت بدون اینکه در نموه بیان از مردم فاصله گرفت. این همان کاریست که در ادبیات غرب باعث ایجاد نمونه‌های موفق شده است.

ع. اوختای

☆ این موسیقی فولکلور خود وضع خاصی دارد و بحث راجع بان به فرصت دیگری موکول می‌گردد.

زمان سسى

صبح اولدى ھەر طرفدن اوجالدى اذان سسى ،
گويا گلىر ملائكة لردن قرآن سسى .
بىر سس تاپانمىرام اونا بنرر، قويون دئىيم ،
سانكى اوشاخلىغىم كىمى نىمىدە ياتمىشام ،
لای - لای دئىير منە آنامىن قهرمان سسى .
سانكى سفردەيم اویا دىرلاركة دور چاتاخ ،
زنگ شتر چالیر گچرك كازوان سسى .
سانكى چوبان يايىپ قوزونى داغدا نى چالیر ،
رويات اولور قوزى قولا غىندا چوبان سسى .
جسىم قوجالسادا ھله عشقىم قوجالما يىب ،
جىنگىلدە يىر ھله قولاغىمدا جوان سسى ،
سانكى زمان گولشدى منى گوپسەدى یره ،
شعرىم ، يازىم اولوب يىخىلان پهلوان سسى .
آخر زماندى بىر قولاق آس عرشى تىترە دىر ،
انسان خزانى دىر توکولورجان خزل كىمى ،
سازتك خزل ياغاندا سىزىلدار خزان سسى .
قىرخ ایلدى دوستاغام قالا بىلمزاویاغلى سس ،
ياغسىز سادا قبول ائله مندن یاوان سسى .
منده سسىم اوجالسا گرگدیر یامان دىمىم
ملت آجىخلىدیر ، اوجالیدیر یامان سسى ،
دولدور نواره قوی قالا بىر گون بوکۆرپەلر ،
آلقىشلا سىنلا ذوق ایلە بىزدن قالان سسى .
مغناطیس اولسا سسەدە كسر انقلابدا باخ ،
آزادلىق آلدی سردارىن اول قهرمان سسى .
انسان قوجالمىش اولسا قولاخلار آغیر لاشار
سانكى يازىق قولاخدا گورولدور زمان سسى .
باخ بودرىن سکوته سحر هانسى بىر نوار
ضبط ائلیه بیلر بیلە بىر جادوان سسى ؟
سانجیر منى بوفىشقاچالانلاردا شەرىپار
من نیلىم كە فىشقايا بنرر ایلان سسى .

آنا دىلى

دىل آچاندا ايلك دفعه «آنا» سؤيله ييريك بيز ،
«آنادىلى» آدلانير بيزيم ايلك درسلىمىز .
ايلك ماھنيز لايلايى آنامىز ئوز سوديله ،
ايچيردير روحوموزا بوديلده گيله - گيله .
بودىل - بيزيم روحوموز ، عشقىمىز ، جانىمىز در ،
بودىل - بيز - بيز يميزله عهد - پىمانىمىز در ،
بودىل - تانىتمىش بيزه بودنيا دا هرشيى ،
بودىل - اجداد يميزين بيزه قويوب گتديگى .
ان قيمتلى ميراثدر ، اونو گوزلر يميزتك .
قورويوب نسيلىره بيزده هديه وئرك .
بىزيم اوجا داغلارين صونسوز عظمتندن ،
ياتاغينا سيغمايان چايلارين حدتيدن ،

بوتوپراقدان ، بوپشردن ،

اثلين باغرىندان قوپان يانقىنلى نغمه لردن

گوللرين رنگلريندن ، چيچكلرين ايىندن

آغ ساچلى بابالارين عقلىندن ، كماليندان ،

دشمن اوستونه چومان او قير آئين ناليندان .

سن خلقىمىن آلدىغى ايلك نفسدن ياراندين قوپان سسندن ياراندين .

آنادىلىم ، سنده در خلقين عقلى ، حكمتى ،

عرب اوغلى ميجنونون دردى سنده گول آچمىش .

اوركلره يول آچان فضولىنين صنعتى ،

اي دىلىم ، قدريتنلهدنيا لارا يول آچمىش .

سندە منىم خلقىمىن قهرمانلىقلا دولى .

تارىخى ورقله نيز ،

سندە نىچە مين ايللىك منىم مدنيتىم

شان - شھرىتم ساخلانير .

منىم آدىم ، سانىمسان ،

ناموسوم ، وجدانىمسان ...

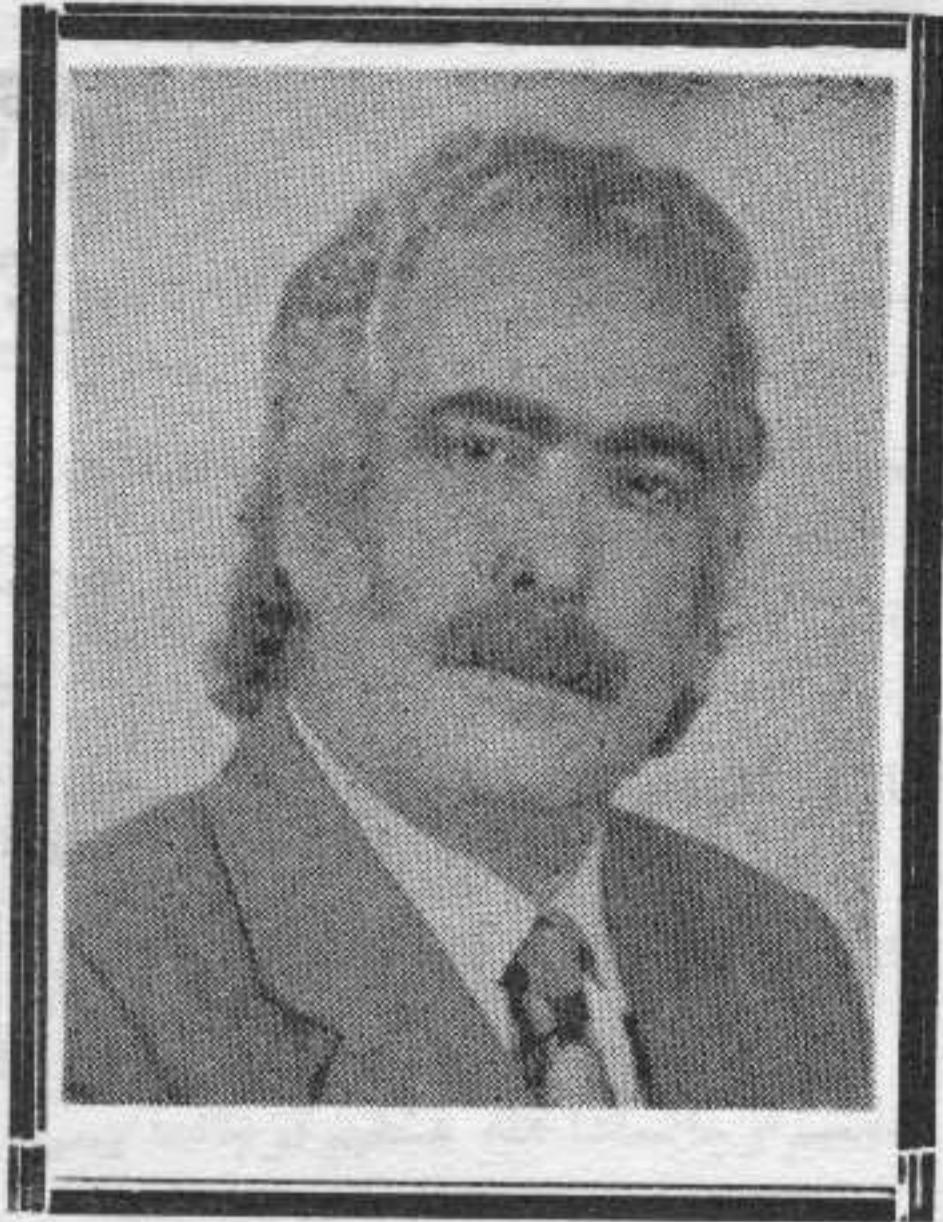
... بودىل - تانىتمىش بيزه بودنيا دا هرشيى ،

بودىل - اجدادىمىز بيزه قويوب گتديگى ،

ان قيمتلى ميراثدر ، اونو گوزلر يميزتك ،

قورويوب نسيلىره بيزده هديه وئرك .

«بختيار»



«سەند» ھەمىشە لىك حىياتا گوز يومدو

يازان: گنجىلى صباحى

بولود قاراچورلو «سەند» ين ئولومو آذربايجان خلقى اوچون مىلى بىر فاجعه ،
يىرى دولماز بىرايتگىدير . او ، ئوز يارادىجىلىغى ، تالانت واستعدادى ايله آذربايجان
ادىياتىنان قىمتلى و ئولمز اثرلر و ئره بىلدى . ھنر وشعريله پارلاق بىراولدوز كىمى
پارلادى . او ، درين گوروشلو بىر شاعر اولراق ، ئوز خلقىنىن گورھن گوزو ، دوشونن
بىنى و دويونن قلبى اولدو . وطنىن تالان ، خلقىنىن اسارتده - فلاكت و بدبختلىكله
ياشاد يىغىنى ، وارلىغى چىگنند يىگىنى گوردو كجه ، آلولانىب - شعله چكەرك ، آزاد -
لىق !... دئيه ، باغىرير ، اسارت زنجىرلىرىنى چىينه يىب پارچالايير ، كسىگىن قلمى ايله
مبارزه يوللارنى ايشىقلاندىرىدى . او ، ياخشى بىلىردى كە ، حىيات و ياشاماق حقىنه
مالىك اولماق اىستەين انسان ، گرەك جانىندان كىچسىن !

كىم دئير ئولومدور ، جانىندان كىچمك !

بو ئولومدن دوغور باشقا بىر حىيات !

انسان ئوز جانىندان كىچمە سە دئمك ،

ابدى حىياتا چاتارمى ؟ ھىھات !

دئيه ، درين و فلسفى گوروشلرله خلقى قىمى مبارزه يىب چاغىرير . بوگون الدە
اىدىلمىش آزادلىق ئوز جانىندان كىچمىش شەيدلرین آل قانلارینىن محسولى دگىلمى ؟!
او ، ياراتدىغى لىرىك و انقلابى شعرلرله كفايتلنمە يىب . فكرىندە تلام ائدن
آرزو و اىستىكلرین داھادا گنىش و اساسلى بىر صورتدە خلقىنه يىتتىرمك اوچون ، خلق

فولكلورينا اوز دونده ريب . « ده ده قود قود » داستانلاريندان الهام آلاق ، ادبيات عالمينه «سازيمين سوزو» كيمي ئولمز و ده يرلى بير اثر ياراتميشدير .
 اولو بابالارين خاطره لريني - حيات ومعيشتلريني ، قهرمانلىق لاريني ، صداقت ، محبت و دونمز صفتلريني يادا سالماقلا ، ئوز خلقيني - ئوزونو تانماغا چاغيرير .
 بو اثرده او ، بير متفكر ، بير فيلسوف كيمي حياتين درينليكلرينه جوماراق ، آزادلىق ومبارزه يوللاريني گنجلييه نشان و ثرمك اوچون ، قارائليقلاردا مشعل آختارير .
 سوندورولموش مىللى دويغو ، مىللى شعورى اوياتماغا چاليشير . اونا ائله گليركه هر شئي - حيات ، طبيعت حتا انسانلار بئله درين يوخويا دالميش ، دنيانين خيريني - شريني آتميشدير .

گنجه نين قوينوندا وقارلى داغلار ،
 سانكى ابدى بير يوخويا باتميش .
 دره لر ، تپه لر ، ميشه لر ، باغلار ،
 دنيانين خيريني - شريني آتميش .

باشقا بير يئرده :
 انسان حقيقي ايتيره ن گوندن ،
 باشى داشدان - داشا دگير هر زمان .
 سعادت جيرانى قاچير ئونوندن ،
 سيلديريم يوللاردا قالير سرگردان .
 آزيب ، ئوزلويوندن ايتگين دوشنده !
 قورد كيمي ئوزونون قانيني ايچير !
 ئوزونو آختارير بيلمم نئره دن ؟
 چاليلار ، تيكانلار آياغين بيچير !

چاشميش ، يولونو ايتيرميش ، حقينه گوز يومموش و مقدراتيني يابانچيلارا تا-
 بشيرميش خلقه ، بابالارينين مردانه ليكلريني اوزلرينه چكيره ك :

ازل گوندن ، قهرمانلىق ،
 مردانه ليك ، قوچاقلىق ،
 وطنيمين - ائللريمين
 آد - سانيلان يا ناشيدير .
 دوغرو دانداندا هر انسانلىق ،
 فخرى اولان سجيهر ،
 بو ائللرين - اوبالارين
 ائكيز - تاي بير قارداشيدير .
 هر دردین دواسى ن آختارماق گرهك .
 نه چيخار يخيلىب - دارىخماقدان ؟
 تلاشسيز قوللارين قوتى اولماز .

يول گئتمە سە چاتماز مقصدە انسان .

سحرى آختاران گئجە دن قورخماز .

آليرام اليمە تلاش عىباسين ،

اگر گويدن يئره قطران ياغسادا ،

اوزوب كئچمە لييم ظلمت درياسين !

گورولدويو كيمي ، شاعر ئوز ھدفينە ، آرزوسونا چاتماق اوچون ھرچتىنلپھ سېنە

گرير . جانيندان گئچمە يى لازيم بيلير .

شاعر «قاراجيق چوبان» داستاينين گيريش بھتىنە قارانلىق دا ، ظلماتدا آوارا ،

سرگردان گزە - گزە گليب بېر ايشيقلپغا ، توز - تورپاق باسماش بېر كئابخانايا چيخير .

كھنە بېر كئاب اونون نظرينى ئوزونە جلب اندير . بو اوستونو توز باسماش ، ياددان

چيخماش «دە قودقود» كئابىندان باشقا ، آيرى بېر شئى دگيل . اونو اوخودوقجا

شاعرين خيال قوشو قاناد آچاراق ، گويلرە قالخير . داغلار درەلر آشاراق ، نھایت

گليب اوغوز ائللرينە چيخير . دردى شاعر اورە گينسى ائللر آتاسى «دەدە قودقود»^۱

آچاراق دئير :

زماندير بيزلرە فلک گوز اگيب .

پولاد اوز قياينجىلار قيندا پاسلانيب .

شاھباز آيقيرلارين پى كسيليب .

جدالار اگيليب ، كندير اوفانيب .

اودالار تالانيب ، ائولر يخيليب ،

مرد اگيدلر ئولوب ، اورەك داغلانيب .

حصارلار آلينيپ ، اوردو باسيليپ ،

دوداقلار تيكيليپ ، قوللار باغلانيب .

آلتونلى يان ائولر تالانا گئديپ ،

ائوييەسى گئجە كوچە دە ياتير !

بوز بالتاسى كيمي جومرد ايگيتلر ،

ديوارلار ديبيندە پورتاغال ساتير !

والا ... اورە گينى دردە سالان ، ھئچ كسە آچا بيلمەين سوزلرينى بېر - بېر «دەدە

قود قودا» دئير و اوندان مدت ايستەير . اودا نيشديقجا ائلين - ائل جە بيلەنى مات - مات ،

حيرت ايچيندە اونا باخير . جوايندا :

اوغول ! نيە مندن ھمت ايستيرسن ؟

تورپاق اسيرينين اليندە نە وار ؟

ھر عاشيقيين بئش گون دورانى واردير .

ھر عصرين ئوزونون بېر «قودقود» وار .

باشقا بېر يئردە : آتانيب آدينى باتيران اوغول ،

آتانيب يوردوندا قالماسا ائبي دير .

ایگیده - ایگیدلیک ، ناموس ، عار گرهك .
ناموسوز اوغوللار اولماسا ، ائیی دیر .
بئله لیکله شاعر بوردا هر ملت و یا هر کس ئوزونه متکسی اولماغی ، ئوز ملی
ناموسوندا و شرفیندن ئوزو دفاع ائتمه لی ، ئوز گه لردن کمک او ممامالی دیر دئیر .
«بکیل اوغلو عمران» داستانیین باشلا نغیجیندا ، شاعرین یشنه ده خیال طرلانی
جوشاراق ، قاناد آچیر . او . وارلیغین - حیاتین سرلریندن باش آچماغا ، زمانی بیر قفسه
او خشاتماغا ، حکمتله الله شرهك نهایت ، یثره انیر ، واقعیتی ترنمه باشلایاراق :

من گوردویوم دنیا دا ،
هزشئی آشکار ، آیدیندیر .
گونش وار . ایشیق وار .
انسانلار محکوم دگیل .
چیچک آچیر . بار وئیریر :
حیاتیندان ذوق آلیر .
انسانلیق وار دوستلوق وار .
شوگی وار ، محبت وار .
من گوردوگوم دنیا دا .

شاعرین ئوزو اوچون بیر عالمی وار . او ، آزادلیق آختاریر . ائله بیر حیات که
اورداهامی ئوزونو آزاد گورسون . شوگی و محبت حکم سورسون . شاعر بوشن و آزاد
حیاتی ئوزو اوچون آختارمیر .

من تک ئوزوم دگیلم .
خلقیمی - ائلریمین
نبضی من ایله وورور .
هر قلبیم چیر پینارکن
کوکسومده بیر اورهك یوخ ،
ملیون اورهك چیر پینیر .
من او کپه نگم کی ،
دنیا دا حیات آدلی
شعله یه وورولموشام .
یانسامدا باکیم یوخدیر
ازلدن بوسودادا ،
یانماغا دوغولموشام .

او ، بیر خلق شاعری اولاراق . وطنی آزاد و خلقینی خوشبخت گورمک
ایسته ییردی .

«سهند» یارادیجیلیغی . او قدر زنگین . او قدر دریندیر که ، اثرلرینین اوزرینده
ایشله مک اونو درک ائتمک اوچون ، آیلارلا وقت لازیمدیر .

افسوس ا.. كه ، آمانسىز ئولوم ، آزادلىغىن ايلك بهاريندا ، اونو بيزدن آيردى .
 «سهند» «ساوالان» ، «حيدر بابا» داغلار يني اتكلرى لاله ، ياسمنلە دولدوغو ، ككلىكلرى
 قاققىلدا دىغى ، بلبلىرى جەجەھە باشلادىغى زمان او بويوك انسانى ، شعر و ادب
 شاهىنى بيزدن آيردى . قاينايب . قالخان شعر بولاغىنى قوروتدو .
 آنجاق او ، ئولمەيب ! آلولاندىردىغى شعر و هنر مشعلى ايله ئوزو اوچون بىر
 ابدىت يارادىب . «شاعرىن عالمى ئولمز ، اونا عالمده زوال يوخ !» دئىن بويوك
 شهربارىن دئدىكى كىمىدىر . او ، وطن و آزادلىق اوغروندا ايشىق سالاراق ، شمع كىمى
 اريسهده ، خلقىنىن اورەينده هميشەليك ياشايدىق ، عاشىقلار ين سازىندا ، خانندهلرىن
 نواسىندا يادا ئدىلە جكدىر .

«سهند» - شهربارى يازدىغى نامە سىنده :

داغلارى قوپاراق ، درەلر دولسون ،
 كوپوكلو چايلارى جالبىق دوزه ،
 ياشارشىن قوروموش كوللارىن كوكو ،
 زمىلر گوز - گوپه تىكمەسىن بلكه .
 «سهند» ده گل آچسىن ، «حيدر بابادا»
 اوزرىنده چادىر قورسون «شهربارى»
 باخاق چىچكەنن يوردا ، شعر يازاق .
 شاعرده بختىار ، شاعرده بختىار .
 دئيه ، آرزولادىغى آزادلىق باغىنىن بارىنى درمك اونا قسمت اولمادى . بوبىزىم
 اوچون يامان بىرنىگل ، ساغالماز بىر يارا اولدو .
 اوھلە اون ايل بوندان قاباق يازدىغى شعرىنده ئوز آرزو و اىستكلرىنى ترنم
 ائتمكلە ، ظلم و ستم سارايلارىنىن داغىلاجاغىنا ايناندىر . آزادلىق جارچىسى كىمى ،
 گلە جكدن مژده وئرهرك :

شاعرىم ! سوزومو غربتە سالما !
 قولاق آس ، دنيادا گور بىر نە سىدىر .
 باغرىوى سىخماسىن آتىلان توپلار ،
 قىرىلان زنجىردىر ، سىنان قفسىدىر .

دئىر .

تهران ۱۳۵۸/۱/۲۵

اماماسلام

سهند حیاتینین صون آیلارینی مراغه و تبریزده گچیریرکن طاغوت رژیمینه قارشی
آچیلان مبارزهیه قاتیلدی وانقلابدان قاپاخ احساساتینی اماماسلام شعريله بیان ایتدی
وشعرینی اوگونلرده کی بیغینجاقلارین بیرینده بیرمقدمه ایله اوخودی. سهند بو مقدمهده
ملتین شاه رژیمینه قارشی آپاردیغی مبارزه ده کی فداکار لیخلاردان وبؤیوک روحانی
لیدرلرین بوامانسیزساواشداکی قیمتلی واونودولمازرهبرلیکلریندن بحث ایتمیش، مخصوصاً
ایکی بؤیوک مرجع تقلید حضرت آیت اله عظامخیمینی و حضرت آیت اله عظاما
شریعتمداری دن و اونلارین بوانقلابین موفقیتینده کی مهم رولارینی بیان ایتمیش.
سهندین اوز سسیله نوارا آلینمیش بومقدمه وشعری اونون اولومومناسبتیله صفی علیشاه
خانقا هیندا توتولان ختم مراسمینده انشیدیلدی.

ای قارانلیق گنجهده طالع اولان بدرتمام،

شرف علم وعمل اشجع آیات عظام،

آیت اله بحق، پشت وپناهاسلام،

ای یازیق کتله لرین رهبری، ای شانلی امام.

ای علی نین خلف اوغلی، سنه مینلرجه سلام.

سنه «روح اله» آدین وئردی شهید اولموش آتان،

نفس حقدندی حقیقتده ده «روح اله» سان،

ای قارا قلباره آیدین اینام نوری ساچان،

سنه شایاندی دوغورداندا بوشوکت، بومقام.

ای، یازیق کتله لرین رهبری، ای شانلی امام.

سن ائلين قرنلر آغزىندا قالان حق سۆزوسن ،
سن قارانلىقلار آرا حقى گۆرن حق گۆزوسن ،
حق قولى ، حق الى ، حق جارچىسى حقين ئوزوسن ،
حق گوجيله ووروشانمزدى بوايرنج نظام .
اي على نين خلف اوغلى ، سنه مينلرجه سلام .

سن شهامتده على خاطره سين دىرچلتدين ،
داغ تكين سينه گريب حق علمين يو كسلتدين ،
ظلم ، داغ اولسادا دارتيب تمليين تيترتدين ،
جور وعدوانلا تىكىلمىشىدى ، گتيرمزدى دوام .
اي يازىق كتله لرین رهبرى ، اي شانلى امام .

سنى قورخوتمادى «نمروود» لرین تانكى ، توپى ،
قىررام - ئولدوررمى ، بوى بويلاماسى ، فورسى ، گوپى ،
ديبده باشلاندى يامان بت لرینين قوپهاقوپى ،
عصرين ابراهيمى سن ، سيندى الينله اصنام .
اي على نين خلف اوغلى ، سنه مينلرجه سلام .

عصر «فرعون» ينه موسى كيمى عصيان ائله دون ،
ظلمه ، ظالملره قارشى ووروش اعلان ايله دون ،
آخ نئجه غاصبى سرگشته دوران ائله دون ،
مرحبا ! حرمته شاياندى ، بوهمت ، بومرام .
اي يازىق كتله لرین رهبرى ، اي شانلى امام .

دوغرودر ، قان آخيدىب ئولكه مىزى آل بويادى ،
عيرضى - ايمانى ازيب ، ثروتى ، يوردى تالادى ،
ليك تارىخده «يزيد» ايله قرين اولدى آدى ،
ياخشى - پيسدن قالا جاق دنيا دا يالنىز بير نام .
اي على نين خلف اوغلى ، سنه مينلرجه سلام .

چشمه - چشمه يارالاردان هله ده قانلار آخىر ،
آج مسلسلرین آغزىندا آلوديركى شاخىر ،

قهرمانلار ، دۇشونە گول يئرينە گوللە تاخير ،
 بوناسويلرلر اينانماق ، بوناسويلرلر اينام .
 اي يازيق كتله لرین رهبري ، اي شانلي امام .
 حقي قانمازلارا بونلارهامي افسانه گلير ،
 بللي دير ، يولسوزا «ايمان» سۇزي بيگانه گلير .
 «عمرو» قانماز نه هوسله «علي» ميدانه گلير ،
 جان آتيريانماغا پروانه نه عشقيه مدام ؟
 «بو تراب» ين خلف اوغلي ، سنه مينلرجه سلام .
 سن ايناندين بوناكي «حقين الي خلقله دير» ،
 حقي آنماق ، تانيماق خلقه دايانماق بئله دير ،
 ائل گوجي ، حق گوجي ؛ نه سئل گوجي ، نه زلزله دير ،
 بو حقيقتله يقين قارشى دورانماز اوهام .
 اي يازيق كتله لرین رهبري ، اي شانلي امام .
 سنده «مولا» تك اينانماق كاني ، ايمان كاني سان ،
 سۇزلرون حق سۇزي ، عصرين «دانشان قرآني» سان ،
 حقه جان قربان ائدن نسليميزين وجداني سان ،
 حق سۇزي ، وحى دي ، نه وسوسه ، نه سحر كلام .
 اي يازيق كتله لرین رهبري ، اي شانلي امام .
 سن ائلين آرخاسي سان ، ائلدن آييرماز سنى حاق
 ياخديغين تونقالي يئل اسسه ، داهايانديراجاق ،
 سن گونش سن ايشيغين عصرى ايشيقلانديراجاق ،
 موكب فجرى فقط گؤرمه ييري اهل منام ،
 اي يازيق كتله لرین رهبري ، اي شانلي امام .
 اليوى گونده ظفرلر ئوپه جك ، حقدى يولون ،
 گوجوى ائلدن آلبسان ، اودى سينما زدى قولون ،
 اهل ايماندايلا ، ايسته رسه ساغون ياكه سولون ،
 حق مجاهدلرينين قدريني بيل ، قيل اكرام .
 اي علي نين خلف اوغلي ، سنه مينلرجه سلام .

قويماياق جرگە ميزە يول تاپالار «معاويه» لىر .
اهل ايمانە گر كمز ياوا سۆز سويللەر ،
شەدايە نە روادىر كە منافق دىيەلەر ؟
ئولومى قارشىلاماز اولما سا بىر كس دە اينام .
اى يازىق كتلەلر يىن رەبىرى ، اى شانلى امام .

بورباخوار «حاجى» لارقائل قرآن اولا ؟! ھى ...
محتكر دە نە بىللىم ، ذرەجە ايمان اولا ؟! ھى ...
حبسلر دە چورويىن «خائن» ايران اولا ؟! ھى ...
ئوزداناسىن سووا رانلار يولادشمندى تمام .
اى على نىن خلف اوغلى ، سنەمىنلر جە سلام .

تاپشىراق شىطانا . شىطانلار «ساغ - صول» سۆزونى ،
اتحادايلە ، اخوتلە چىخارداق گۆزونى ،
قوى شىاطىن ئوزاليلە لوواوئرسىن ئوزونى ،
بوروسون ھەر طرفى شەرت عدل اسلام .
اى يازىق كتلەلر يىن رەبىرى ، اى شانلى امام ،

من دە حق عاشقىم ، سئوگىلىمىن حىرانىام ،
گىنج ياشىمدان بومر ارتلى يولون كروانىام ،
قسمت اولسا بو «منى» نىن قوجا بىر قربانىام ،
ائلە حقىمدە دعا بلکہ بوآمالە چاتام .
اى على نىن خلف اوغلى ، سنەمىنلر جە سلام .

من «سەندىم» اگىلنىمز يادا طوفانلى باشىم ،
ائل بىلىر ، حقلى دوگوشلر دە كىچىب چوخلو ياشىم .
ئويورم من سنى ، اى دۇنمىزىم ، اى جىبە داشىم ،
اى على نىن خلف اوغلى سنەمىنلر جە سلام .
اى يازىق كتلەلر يىن رەبىرى ، اى شانلى امام .

ب. ق. سەند

مراغە، ۱۸ بەمەن - ۱۳۵۷

از سهند

سلام بر تبریز

سلام ای اختر شرق شب آلوده
که روشن پرتوت اندر دل تاریخ ظلمانی
همیشه همچو خورشیدی فروزان
پرتو افشانی نموده تاجهان بوده .
سلام ای شهر عصیانها

سلام ای سرزمین قهرمان خیز
سلام ای شهر پر جوش و خروش
ای دل نژند چهره خشم آلود

ای تبریز ،

که هرگز دیده بدخواه لبخندت ندیده .

سلام ای مادر خون گرم اخم آلود
که اندر ماتم وسوگک عزیزانت

خنده بر لبهای خندان تو خشکیده

سلام ای دلبر گلروی ، بر نامحرمان بدخو

که هرگز هیچ دشمن خمر گرمای تنت را ناچشیده

ناز آن چشمان خونبار و نگاه پر شرارت

ناز خشم و کینه هایت ، جان فدای اخم هایت .

نیک میدانم نخواهم دید هرگز

دیدگان هیز دژ خیمان سفاکی

که ، روی پیکر گل منظر نوباوگانت

اسب می تازند ، نقش خنده هایت را .

مگر آنروز،

مگر آنروز موعودی که آن پتیاره تردامن

سیه دل ما دربی سیرت ضحاک را بر روی نعش
 زادهی نفرین سزایش
 اشک ریزوموکنان بینی .
 سلام ای مجمر پرسوز آتشیای ورجاوند
 سلام ای آذرستان
 ای دیار شیر مردان ودلیران ،
 که از صدها و صدها
 آبشار چشم اشک آلودهی
 کوه سهندت بر عذارت خون همی ریزد .
 و از هر قطره اش
 صد داغ بردل لاله می خیزد .
 زود باشد بگذرد
 این عهد شوم و این سیه دوران ،
 دامنتم همواره گلشن باد .
 اجاق و دودمانت دودخیز و گرم و روشن باد .
 سلام ای خاک بابک
 موطن زرتشت
 ای مهد ختائی
 که محراب درودیوار ویران گشته
 گوی مسجدت
 با قطره های خون مردانت سرشته .
 و از آزادی و رادمردیهای
 ستارخان و باقرخان گو ...
 یا از خیابانی ... چه گویم
 آسمان صد داستان
 با کلک پروینش نوشته .
 تو شهر قهرمان صبحی و
 آذر پادگانی .
 دیار بت شکنهائی
 چو ابراهیمی وهم جاودانی
 سلام ای مادر دلسوخته
 ای ام لیلای زمانه .
 ترا در ماتم قربانیانت
 کودکانت ، نو جوانانت
 صمد ، بهرزو و اکتایت
 و یا خون قبایش خشک ناگشته شهیدانت

چرا من تسلیت گویم .
نه دیونیستی از سرخی خون شهیدانت
همچو ترس جن زبسماله می ترسد .
و خون پاک معصومان تو
اندر رگ صدها و صدها
نوجوان و مردوزن
هنگامه جوش و خروش جاودان دارد .
و اندر چشم فرعون زمان
حکم دو صد کابوس مرگ بی امان دارد .
نه اینک من ترا ای پرشکوه اورنگ رب النوع مردی
به تو ، ای خصم نامردی
به تو ، ای مذبح معبود هستی که قربانهای افزون از شماریت
از شمار اختران بیش است
درود و شادی و تبریک می گویم .
نه می گریم ، نه می مویم .
فدای عهد و پیمانته که در روز ازل با کردگار مردی و آزادگی بستنی
و هرگز عهد نشکستی .
به قربان وفایت ، جان صدجانان فدایت .
سر برافراز و هماره سر بلندی کن
تودشت نینوانی
کربلای عصر مانی .

۱۱ - اسفندماه / ۱۳۵۶

حرمتلى سهندە

مەختەشم خەلقىمىن ئاي قوھلى ، قەدرتلى سسى
 ئاي مەقدەس ئىلىمىن «سازلى سوزو» ، ھەمئەنسى

*

دەزلىرىم تەتەرەدى ، بۇدنىيا دولاندى باشىما
 ھاراگەتدۇن ، نىيە گەتدۇن بۇنە آيرىلماق ايدى

*

قاپالانمىش دىلىمە تەرجەمان ايدى قەلمون
 يۇردۇمۇن غەملى اورەگە سازىنا بىرە مۇضرا بىدۇن

*

اگە دۇن باش و طنە باسغىن ائدەن غەبىكارا
 ھىچ زەمان سوسمادۇن ، ھەر دورەدە بىر سۇرتدە

*

«دە دە قۇرقۇدە» دۇيە واقەدە و طن دۇدى دۇدۇن
 خەلقى نىن ، مەلتى نىن عشق اودۇنا اودلانۇدۇن

*

گەل آچىب ائندى «سەندىن» اتكى شانلى سەند
 دۇرغۇزىز يۇلداسىم ائندى يىغىلىب دوستلايمىز

*

يۇخ اوقدەرتلى سسى سوسد ورايلىمىز كىمەسە
 سىن بىزىم قەلبىمىز ائچرە دىرى سىن ئولمە مىسەن

*

شاعىر ئولمىگ بىلىمىز
 عاشق انسان ئولمىز

مۇظفەر

تەھران ۱۳۵۸/۱/۲۳

سنهد او چون

آغلارسا ، واربوگون يثري، خلق زمان بيزه ،
قوي آغلاسين كه ، چوخلي ينتيشميش ، فغان بيزه ،
ياغديرسا گوز ياشين يثره گوگلر بولوت ، بولوت ،
قوي ياغديريب ، وفاسيني وئرسين نشان بيزه
قوي كيشنه سين (سهند) ه سهند ايلديريملاري
ائلر سسي ايله گورله شيب اولسون توان بيزه
يوخ اورتاميزدا قورقوت آتا سويله سين آغيت
چالسين قوپوز . بوگون يئنه اولسون اوزان بيزه
بير ياش بويونجا گوردی سهندلوز ديلين اسير
غيرندن تولدی ، ئولمه ميش آنجاق ، اينان بيزه
ظلمتده سوردی گون ، گوشه قالدی نيسگيلي
آنجاق ، گوش دوغونجا او ، باتدی ، فغان بيزه
وارليق بويونجا چكدي آجي ساختاسين قيشين
اولدی بهار اولونجا نوزی ، بير خزان بيزه
ائلر غمينده ، وارسا جانيندان اسيرگه مز
دنیا اوزونده ، يالنيز اودر ، قهرمان بيزه
باخ . بير بوگونكى بيرليگه بو سري بيل درين
هر شئی اولدی محو ، بو آنجاق قالان بيزه
تورك اولدوغوندا كيمسه بوگون چاشماسين داها
اولماز بير نوزگه ، بيز كيمي جانندان يانان بيزه
تبريزلنين . بوگون ديلگی نوزگه شئی دگل
بيرليك اولورسا اورتادا . دوشمز تالان بيزه

علي تبریزی

سحرە گئىدىن بىر يول وار...

باخيشين داغلارا سارى دالماسين
گۈزلىرىن ھىچ اوزاقلاردا قالماسين
سسەلەنمە نەچىخار قولاقلار صاغير
وجدانلار پاسلانمىش يوخولار آغير
دېبىز بىرقويى در قارانلىق گىنجە
اورەگە دامجىلىر قورخى گىزلىجە
اوجاقلار يىخىلمىش اودلار كوللە نمىش
سودالى باشلار طورپاق الەنمىش
چىغىرمان يالوارمان ھدرە گىندر
باغىرسان چوللردە سسىن عكس اندر
بودومان دوتموشكن داغلار باشىنى
فايدا يوخ سىلسن دە سن گىنوزياشىنى
دئىرلر قارادر آلنىندا يازىن
سى وئرمز صىنىقدر آلنىدە سازىن
كورلاشمىش قىلىجىن كىمىز قىندادر
قاتلىن پنجهسى بوغازىندادر
ايللردر بوينوندا زنجىر داشىرسان
يوردوندا سورگون سن غرىب ياشىرسان
.....
كىمىسەدىن سى چىخماز گبە رسك دە بىز
ايتەرىك چىخمازسا بىرىولا بوئىز
سن يئرى منزلىن اوزاق ياياخىن
دېشىن صىخ اوزونى ايتىرمە صاخىن
دردىنىن دواسىن اووما كىمىسەدىن

کیمسه مز یو خدر کی بیرمنم بیرسن
اؤلسه ک ده قالساق دا بودر یول آنجاق
الین وئر بلکه بیرمنزله چاتاق
دوشسم من دوام انت یولوندا یولداش
دایانما یئری گنت بوداغلاری آش
بیایرم سحره گندن بیر یول وار
دیزینده گوج وار کن یورولما آختار!

دکتر حمید نطقی
تهران - خرداد ۱۳۵۲
(۳ خزیوان ۱۹۷۳)

بیدارشو صمد

بیدارشو صمد، بیدارشو صمد!
نرگس شکوفه داده، بهاران همی رسد،
گل کرده آرزوی تو، بیدارشو صمد!
از قتلگاه مدهش همسنگران تو،
جز تزل خاك سوخته برجا نمانده است.
انبوه تیرهای جگر سوزو جان شکار
از ژ-۳ و مسلسل و هفت تیر و توپ و تانک
کز بهر سینه تو و یاران خلق بود،
اینک به دست ماست.
بیدارشو صمد!..

یک شعر ناتمام از ب. ق. سهند.

بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز

بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز
بۇ ئىشقا قارىتا بىزنىڭ قىزىقىشىمىز

ستارخان!

قەرمان خلقىمىن ناموسلى اوغلو!
ئوگونور خلقىمىز سىنىلە بوگون.
قالخدىن حق سىزلىگە ظلمتە قارشى،
الينلە آچىلدى، ھرباغلى دوگون.
قالدىردىن يوردومدا عصيان بايراغىن
سارسىتىدىن دۇزولمز ظلمون تىلمىن.
يازىلدى تارىخە قىزىل خطايله ،
پارلادى قىدرتىن ، گولدى اىلمىن.
يازىقلار، ظلمتىن قاراپنچە سىسى ،
يىننە دە خلقىمىن بوغازىن سىخىر.
يىننە ھىرتاج قويان جىلادىن امرى ،
مىنارجە اىگىتى تورپاغا يىخىر .
يىننە قان پوسگورور ظلمت آغزىندان ،
دوستاغا آلىنير حق دىيەن انسان.
يىننە قان اىچىندە ال - آياق چالير ،
بوسئوويملى تورپاق - بو آذربايجان
يىننە يوردوموزدا چىچكلر سولوپ ،
بولبولرر آغلايىر ، گوللر آغلايىر.
يىننە ھىرتاج قويان عاشىق اليندە
اومضراب آغلايىر ، تلرر آغلايىر.

لاكن اگميه جك گوده سين بوائل
 قابا غامين بئله آغيرگون چيخا
 دالقالى دنيز تك دائم جوشاجاق
 كولك لر قوپسادا، ايلديرم چاخا
 ستارخان آند اولسون سنين آدينا!
 آند اولسون اگيلمهز اوبايراغينا
 آند اولسون توکولموش ناحق قانلارا
 آند اولسون ينيلمهز مرد انسانلارا
 مقدس ووروشو، يتره ريك بيز
 آزادليق عشقيه چارپير قلبيميز
 يئنه ده بويولدا دريا قان آخسا
 بوائل لر ظلمته چوكميه جك ديز

عزیز محسنی

بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.
 بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.
 بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.
 بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.
 بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.
 بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.
 بۇ ئاھىدە نىسبەتەن بىر قانچە نۇسخا بار.

ستارخان ، صابرىن شعرىندە

آذربايجان ادبياتىنىن طنز استادى ميرزا على اكبر صابر ، ايران مشروطه انقلابىنا وخصوصىيە تېرىز قىيامىنا درىن علاقه بىسلە مىشدر . او ، مشروطه انقلابى ايللىرىندە ايرانداكى حادثەلەرە دائىر اىگرمى بۇشدرن آرتىق شعر يازمىشدر . بواثرلردە اساس ايكى مسئله قويولموشدر . بونلاردان بىرى خلقىن استبداد علىهينه مبارزهسى ، ايكىنجىسى آزادلىق حركاتىنى بوغماغا چالیشان ارتجاع قوهلرىنىن افشا ائدىلمەسى . شاعر ، بىر-يىنجىيە - يعنى خلقىن استبداد علىهينه مبارزه سىنە بۇيوك رغبت بىسلەيىر . اله گتىردىگى غلبەلرى بۇيوك سئوينجىلە آلقىشلايىر . ايكىنجىيە گلىنجه او ، ارتجاعى قوهلەرە اودلى طنز ايله ئولدوروجى ضربەلر وورور . باشدا محمد على شاه اولماقلا بوتون مرتجعلىرى شعرىن محكمە سىنە چاغىرىر .

مشروطه انقلابى ايللىرىندە ايراندا مبارز قوهلرىن ان غدار دشمنى محمد على شاه ايدى . او ، آتاسى مظفرالدين شاهىن امضالاماغا مجبور قالدىغى مشروطه فرمانىنى لغو ائتىدى . آزادلىق سئون خلقىن اوستونە هجوما گىچدى . محمد على شاه ، تېرىز انقلابچىلارنىن اوستونە قشون گۇندرمىشدر . ايرانى امپىريالىزمىن و تزارحكومتىن آياقلىرى آلتىنا آتماق كىمى خيانتە يول وئرمىشدى . صابر بئله بىردشمن علىهينه مبارزه بايراغى آلىب محمد على شاهى رسوا ائدن اثرلەر يازمىشدى . « غيرت وقتىدى » ، « دوغرونداندا ممدلى غيرت حلال اولسون سنه ! » ، « نه در آيا ينه عصيانلارى ايرانلىلارنى ؟ » و « نه ايچون وئرمەيىر ؟ » شعرلىرى محمد على نىن استبدادىنا ئولدوروجى ضربەلرە دولودر .

صابر بۇيوك بىر عمومى لىشديرمە گوجى ايله مستبدلەرە خاص اولان بوتون منفى خصوصىتلرى محمد علىنىن سىماسىندا جانلاندىرمىشدى . شاعر ايران شاهىنىن معنوى يوخسوللوغونى ، جالادلىغىنى ، زحمتكش خلقلىرىن دشمنى اولدوغونى ، اخلاقسىزلىغىنى وقورخاقلىغىنى بۇيوك بىر قدرتلە آچماغا موفق اولموشدر . صابر ، شاهىن هارالارادايا-ندىغى ، كىملرە بئل باغلادىغىنى آچىق صورتدە گۇستىرىدى . بوجهتدن « ساتىرام » شعرى اولدوقچامعنا ليدر . بۇيوك شاعر بواثرىندە ۱۹۰۷ نىجى ايلدە انگلستان ايله تزار روسىيەسى

آراسیندا ایرانین تقسیمى ایچون باغلانان قراردادی افشا ائتمیش و وطنینی امپریالیستلره ساتان محمدعلینی شاللاقمیشدر :

ایسته م نوری، قارانلیق سنویرم،

ملک ایرانى دو مانلیق سنویرم.

بو شلاییب شهری یابانلیق سنویرم.

بسدی شاهلیق، داخی خانلیق سنویرم.

سبزوار ایله میامی ساتیرام،

آی آلان مملکتی ساتیرام.

بؤیوک قربانلار بهاسینا یارادیلیمیش مجلسی داغیدیپ توپا باغلاماسی صابری غضبلندیرمیشدی . او « ایران ئوزوموندور » اثرینده بوتاریخی فاجعه نی بئله تصویر ائدیر :

من شاه قویشوکتیم، ایران ئوزوموندور!

ایران ئوزومون، ری، طبرستان ئوزوموندور!

آباداولا، یاقالسادا ویران ئوزوموندور!

قانون اساسی نه دی، فرمان ئوزوموندور!

شوکت ئوزومون، فخر ئوزومون، شان ئوزوموندور!

صابر فقط ممدعلینی متهم ائتمکله کفایتلنمیردی . عین حالدا ، اونون اطرافیندا خصوصی و صنفی منفعتلرینی گودن و خلقلری فلاکتده ساخلایان مرتجع استبداد نوکرلرینی ده افشا ائدیردی .

بؤیوک شاعر اجتماعی - سیاسی حیاتدا کی منفی تیپلری طنز آتشینه توتماقلا یاناشی ، آزادلیق اوغروندا فدارکارلیقلا و روشان قوه لری ده گؤرور و بوقوه لرین رهبری ستارخان سئوه سئوه آلقیشلیردی .

تبریز حادثه لرینه ، خصوصیه ستارخانین رهبرلیگی آلتیندا گئدن مبارزه یه سؤنمز محبت بسله یین شاعر ۱۹۰۸ - نجی ایله یازدیغی « ستارخانا » ، « میرهاشم تبریزی » ، « عرضحال » لآدلی شعرلرینده ستارخاننی شجاعتملی و تدبیرلی بیر سرکرده کیمی قلمه آلمیش ، انقلاب سرکرده سی ستارخانین سیماسیندا قهرمان تبریز مجاهدلرینین تاریخی غلبه سینی ترنم ائتمیشدی .

صابرین « ستارخانا » آدلی شعری او وقتلر سنگرلرده ویغینجاقلاردا ازبر اوخونوردی بوشعری ستارخان ئوزی ده دینله میشدی .

ستارخان همیشه سنگرلرده ، آلولارین ایچرسینده ئوز مجاهدلری ایله بیرسیرا دا ووروشموشدی . او ، هم صاحب دیوان باغیندا ، هم آجی چای کؤرپوسی و ساری داغ اطرافیندا گئدن قانلی دؤیوشلرده شخصیا اشتراک ائتمیشدی . صابر ستارخانین انسانی خصوصیتلریندن ، اونون ئوز خلقنین آزادلیغینا بسله دیگی اعتقاددان بؤیوک الهاملا دانیشمیشدی . شاعر تبریز مجاهدلرینین و ستارخانین بوتون دنیانی حیرته سالدیغینی قلمه آلماقلا یازیر :

... ايندى دنيانين توجه نقطهسى ايرانه در!

آفرينيم همت والاي ستارخانه در!

صابرين ستارخانين مبارزهسى ايله علاقه دار تاريخى حادثه نى تصوير ائىدن بير اثرى اولدوقچامار اقليدر . بوشعر فردوسينين «شاهنامه» سینه نظيره شكلينده يازيلميشدى . صابر بوشعرينى او زمان قانلى دؤيوشلر ميدانى اولان تبريزه حصر ائتميش ، ايكي قوه نين مبارزه سيني :

شاه قوشونلارينين باشيندا دوران عين الدوله ايله ستارخانين آراسينداكى دؤيوش صحنه لريني ايشيقلانديرميشدى .

عين الدوله ممدعليه يازديغى مکتوبدا اونى اينانديريردى كى «تبريزى ايكي اوج ساعتين عرضينده يئرله يکسان» ائده جکدر .

لكن عين الدوله ايسه گينه چاتايلمير . تبريز مجاهدلرى ستارخانين رهبر ليگى ايله هجوما كچيرلر . بوتاريخى صحنه نى قلمه آلان صابر يازير :

گؤروب چون بواوضاعى ستارخان

دوروب شير تك نعره چكدى فغان:

مجاهدلىر، اى غيرتين كانلارى!

غنيمت بيلين بويله ميدانلارى

حياتين قالير بيزده صون ساعتى

آغير دير بوضون ساعتين قيمتى،

نه بير خدمت ائتميشسه نيز ملته

بوتون بسته در ايش بو بير ساعته

صابر همين تاريخى دؤيوشون اهميتنى چوخ دوزگون باشا دوشموشدى . چونكى تبريز قيامينين مقدراتى بوتاريخى دؤيوشده حل ائدىلميشدى .

عين الدوله قوشونلارى بودؤيوشده مغلوب الاندان صونرا ، ستارخان حرکاتى نه تك آذربايجاندا ، بلکه بوتون ايراندا ينى بير دور آچميشدى . تبريز قيامى كنيشله نيب عموم آذربايجان قيامينا چئوريلميش وبوتون ايراندا آزادلىق حرکاتينين كوجلنمه سینه سبب اولمشدر .

صابر بئله بير تصوير واسطه سيله عين حالدا ستارخانين بير آغيللى سر کرده ، وضعيتى ياخشى باشادوشن بير رهبر اولدوغونى گوستر ميشدر .

صابر درين مضمونلى و اجتماعى تاثير قوه سینه مالك اولان شعرلرى ايله مشروطه انقلابينا خدمت ائتميشدر . عباس صحت وقتيله صابر شعرينين ايران انقلابينا ائتديگى كومهكى باره سينده بئله يازميشدى : صابرين اثرلرى «... بئش ايلين مدتينده ايران مشروطه سینه بير اوردودان زياده خدمت ائتميشدر» . *

م . پ . عافيت

* مقاله بير آز ساده لشميش واختصار ائدىلميشدى .

ھدر اولماز

گر ھمتی اولسا کیشی عمری ھدر اولماز ،
ھمتسیزین ھنچ یئردہ سوزونده کسر اولماز .
سن ایستہ میش اولسان کی ، ائل ایچرہ اولا قدرین ،
سعی ائل ائللین اوغروندا ، کی بوندان ضرر اولماز .
سن یوردووایان ، یان ائلیوہ یانمالی واختدیر ،
دوغما دیلیوہ یانسان اگر بی ثمر اولماز .
باخ گؤر سنی دنیا داتانیرلار بودیل ایله
دیل اولماسا ، وارلیقدا بوتونلوك گندر اولماز .
سن توت ائللینی ، تاپ ئوزونو ، بیل یاشادوزگون ،
ھرایش گؤره سن ، بیل کی ھدفسیز اثر اولماز .
آچ گؤزلرینی ، علم و معارف چاغیدر باخ ،
انسان تانینان کیمسه بئله بی بصر اولماز .
سن ای ساوالان . یاتمیشیدونسا آیل ایندی ،
غفلت یوخوسوندا یاشایان بختہور اولماز .

ح- م . ساوالان

ناظم حكمت
اوچ پارچا شعر

شعريمه داير

نه مينه جك سيرما پالانلى بىر آتيم ،
نه ييلم نره دن گلير اتييم ،
نه مولكوم ، نه ماليم وار .
ساده بىر چاناق باليم وار .
رنگى آتشدن آل

بىر چاناق بال !

باليم هر شيتيم منيم .
من
مولكومى وماليمى ،
يعنى بىر چاناق باليمى ،
قورويورام حشراتدان .
بلكه قارداشيم بلكه .
چاناغيمدا
باليم اولسون ،
گلير آريسى

باغداددان .

بلکه من

بلکه من

او گوندن

چوخ داها اول :

کۆرپى باشيندا سالاناراق

بیر سحر چاغی کۆلگه می آسفالتا سالاجاغام .

بلکه من

او گوندن

چوخ داها سونرا

قیرخیق چنمده آغ بیر ساققالین ایزی

ساغ قالاجاغام ...

ومن

او گوندن

چوخ داها سونرا :

ساغ قالیرسام اگر ،

شهرین میدان کنارلاریندا دایانیب

دووارلارا ،

بایرام آخشاملاریندا کمان

چالاجاغام ...

اطرافدا مکمل بیر گنجه نین

ایشیقلى قالدی ریملاری

وینی شوقیلر سؤیله یین

ینی انسانلارین

آدیملاری ...

قارىما مکتوب

بىردانام !

سنى مکتوب بوندا :

«باشىم فىرلانىو

اوره گىم دۇيونور !»

دئىيرسنى

«سنى آسارلارسا

سنى ايتىر رسم ؛»

دئىيرسنى ؛

«ياشايا بىلمم !»

ياشارسان قارىجىغىم ،

قارا بىر دومان كىمى داغىلىر خاطر م روزگاردا

ياشارسان ، قلبىمىن قىزىل ساچلى باجىسى

ان چوخى بىراىل سورر

ايگىرمىنچى عصر لردە

ئولوم آجىسى

ئولوم

بىر اىپدە ساللانان بىر ئولو .

بوئولومە بىرتھر

راضى اولانمىر گۇنلوم .

فقط

بونايىنان سئوگىلى ؛

اوغورسوز بىر جىلادىن

قىللى ، قارا بىر تور آتانا بنزەين الى

گچىرە جكسە اگر
ايپنى بوغازىما

ماوى گۆزلىرىمدە قورخونى گۆرمك ايچون

بو شونا باخا جاقلا رناظىما !

من ،

آلا جاقارانلىغىندا سون سحرىمىن

دوستلارىمى وسنى گۆرە جاغام ،

ويالنىز

يارى قالىمش بىر نغمە نىن آجىسىنى

توپراغا گۆتورە جاغام ...

قارىمىنىم !

يوشاق اوركلى ،

آلتون رنگلى ،

گۆزلىرى بالدان دادلى آرىمىمىن ،

نە دىيە يازدىم سەنە

ايستە نىلدىگىنى اعدامىمىن

داھا دعوا ايلك آد دىمىندا

و بىر شلغم كىمى قوپارىرلار

كلەسىنى آدامىن .

هايدى بونلارى بوراخ .

بونلار اوزاق بىر احتمال .

پولون وارسا اگر

منە بىر يون شالوار آل ،

توتدى قىچلارىمىن سيا تىك آغرىسى .

و اونوتماكى

دائما ياخشى شىنلار دوشونمەلى

بىر زندانىنىن قارىسى .

« كارگر بايرامى »

مظفر

شېكاگو ماجرا سى نين ايلي در
چونكه آسان گتيرمه ييبدر اله
ظلمدن عاصى، فعله كتله لرى
بسكه چاتميشدى جانلارى دوداغا
گوردوگى زچردن، حقارتدن
ستمه، ظلمه، اربابا عصيان
شهر ايچينده تظاهرات اتمك
لات، اجلاف بيرعهده ساتقينلار
گولله، بومبا، باريت، پيچاق، توخماق
بورژوا اربابين مخالفينه
چكديلر او تظاهراتى قانا
شهيد اولدو زواللى زحمتكش
يازيرام منده ياشلى گوزلرله
كارگرلر قانى يىرى سولادى
«بیرمای فعله» داستانى بودور
آدلانوب كارگرگونو «بیرمای»
اروپا، آسيا، آميريكاده
نه قدر فعله وار بو دنياده
نه قدر واردى پاك وجدانلاز
بو مقدس گونو، بوشانلى گونو
يو خدو وار ليقددا او قدر وسعت
سويليوبلر كه اولماسين چوخ اوزون
اودى كيم بوشعارلا ختم ائديره
«ياشاسين فعله لر گونوبيرماي»

كارگر بايرامى ماين بيرى در
بوگونى چوخ عزيز دوتور «فعله»
بشله بيرگون شېكاگو فعله لرى
دوقسان اوچ ايل قاباق دوروب آياغا
چكديكى ظلمدن اسارتدن
يېغىليب بيرگون ائتديلر طغيان
اعتصاب، اعتراض، يول گتمك
بو طرفدن پليس، آزان، ژاندار
اللا رينده تفنگ، نيزه، چماق
آتيديلر جمله كارگر صفينه
«ماجراجوا»، «وطن فروشا» آدينا
ووردولار ضربه، آچديلار آتش
يارالاندى، قيريلدى يوزلرله
ارتجاع ايشچينى قانا بويادى
اوزماندان اولوب بوگون مشهور
اوزماندان هرايل بوگونده بو آي
بيله بيرگونده ايندى دنياده
قارا آفريقا، استراليا
نه قدر فعله نى سئونلر وار
هامى آلتيشلايىر بو قانلى گونو
چوخدى سوز، حيف يوحذى چوخ فرضت
بيرده قوى سويليوم بو يرده دوزون
گورونوركى ينه اوزون گئديره
قوى اوجالسين فضالره بوهاراي

دستور نگارش ترکی آذری (۱)

حروف الفبای عربی - فارسی - ترکی که برای نگارش ترکی آذربایجانی از آن استفاده می‌کنیم از این قرار است :

الف - همزه - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - ک - (کاف نونی) - گ - گ (کاف یائی) - ل - م - ن - و - ه - ه (هَاء رسمیّه یا غیر ملفوظ) - ی . (از قاعده هفتم)

برای نشان دادن مصوتات در مواری که موجب اشکال یا اشتباه باشد و برای مبتدیان از علائم و قراردادهای زیر استفاده می‌کنیم :

(A) - صدای الف - در اول کلمه : آغ - سفید ، در سایر موارد : داغ - کوه ، به صورت : آ - ا

(È) - کسره - در اول کلمه : ائو - خانه ، در موارد دیگر : شل - سیل/دهه - بگو. به صورت : ائ / ئ / ه

(E) - فتحه - در اول کلمه : ال - دست ، در موارد دیگر : دوه - شتر ، به صورت : ا / ه

(U) - ضمه - در اول کلمه } اول - بمیر ، در موارد دیگر : گوژ - چشم ، } ئول - بمیر . به صورت : او / ئو / و

(ü) - ضمه - در اول کلمه : او ز - صورت ، در موارد دیگر : یو ز - صد به صورت : او / و

(O) - ضمه - در اول کلمه : اون - ده / ۱۰ ، در موارد دیگر : صون - پایان به صورت : او / و

(U) - صدای واو - در اول کلمه : اون - آرد ، در موارد دیگر : دوز - نمک ، به صورت : او / و

(۱) - مستخرج از کتاب «۱۲۵ قاعده» از دکتر حمیدنظقی چاپ تهران انتشارات فرزانه ۱۳۵۸ (زیر چاپ)

(I) - ياء ثقيل - در اول کلمه: ايليق - ولرم ، درموارد ديگر : قيش- زمستان و آيري - جدا به صورت : اي/ي/ي
 (i) - صدای ياء - در اول کلمه : ايل - سال ، درموارد ديگر : ديري - زنده ، به صورت : اي/ي/ي (از قاعده ۱۸ و ۱۹)

مصوتات از نظری تقسيم ميشوند به **ثقیل و خفيف** . از این قرار :
 مصوتات **ثقیل** عبارتند از - (A) و (O) و (U) و (I) این مصوتات را در ترکی قالبین نامند .

مصوتات **خفيف** عبارتند از - (E) و (È) و (O) و (Û) و (i) این مصوتات را در ترکی اینجه نامند .

مصوتات از نظر ديگر تقسيم می شوند به راست و منحنی . از این قرار :

مصوتات **راست** عبارتند از : i/I/È/E/A .

مصوتات **منحنی** عبارتند از : Û/U/O/O .

(قواعد ۱۰ و ۱۱)

تقارن صامتها چنین است: ب - پ / ج - چ / د - ت / ک - گ / ق - غ .
 کلماتی را که به **حروف اول متقارن** ختم می شوند اغلب به صورت **حروف دوم متقارن** می خوانند . مثلا کلمه ای که به (ب) مختوم است اغلب حرف آخر آن را (پ) می خوانند و قس علیهذا . لکن در هنگام پیوستن به پیوندی که ابتدای آن مصوت است آخر کلمه به صورت اصلی برمی گردد . مثلا - سوت (شیر) و سودی (شیراو) یا قولاق (گوش) و قولاغیم (گوش من) که در اولی (ت) به صورت اصلی یعنی (ده) درآمده و در دومی (ق) مبدل به (غ) شده .

(از قاعده ۱۴)

کلمات دخیل فارسی و عربی را باید به همان صورتی که در فارسی یا عربی معمول است نوشت (مانند فرشته و مشکل - نه به صورت فیریشه و موشکول) مگر آن که استعمال آنها با تلفظ متفاوت در زبان ادبی آنچنان رایج باشد که بتوان با آنها معامله کلمات اصیل ترکی کرد و صورت اصلی آنها مخل فصاحت و یا و زن و قافیه در نظم باشد (مانند **گؤل** به جای گل **موشامبا** به جای مشمع) .

(از قاعده شماره ۱۶ و ۱۷)

از حروف صامت که در ترکی به عنوان **ثقیل** شناخته شده در کلمات ترکی برای جبران کمبود مصوتات و بی نیازی از علائم خاص (که در بالا ذکر شد) استفاده می شود . بدین نحو از این حروف بخصوص چهار حرف **(خ) و (ص) و (ط) و (ق)** در هر هجا که آورده شود آن هجا فقط پذیرای **مصوت ثقیل** می شود . بنابراین در هر کلمه ترکی همین که یکی از حرف **(خ / ص / ط / ق)** روپرو شویم یقین می کنیم که آن کلمه بر حسب قانون هم آهنگی مصوتات به طور کلی از مصوتات **ثقیل** (قالبین) ترکیب یافته است و در آن از مصوتات **i/Û/O/È/E** خبری نیست پس به آسانی در می یابیم که اگر در کلمه ای چنین

(دارای یکی از حروف ثقیل مذکور در فوق) مصوت (ی) باشد باید فقط یاء ثقیل (I) تلفظ شود مانند قیز - دختر باوجود (ق) نیازی به علامت (یه) نیست و (ی) در مجاورت یکی از حروف ثقیل همیشه (I) خوانده می شود؛ و قس علیهذا

(شماره ۲۳ و ۲۴)

در زبان ترکی هم آهنگی اصوات از اهم قواعد است؛ کلمه ای که با هجائی ثقیل آغاز شود هجاهای دیگر آن هم دارای مصوتات ثقیل خواهد بود؛ همچنین است در مورد هجاهای خفیف که تنها مصوتات خفیف را قبول می کنند. (شماره ۲۵)

در آخر کلمه، مصوتات یائی و واوی (هر دو) را ترجیحاً با (ی) می نویسند. مانند گتدی - رفت، و حتی گوردی - دید (به جای گوردو). این صورت به شکل واوی ترجیح دارد. (شماره ۲۷ و چند شماره دیگر)

مصوتهای آخر کلمات بهون استثنا نوشته می شود. (شماره ۲۸)

در حال توالی فتحهها فتحه دوم را با (ه) نویسند (مانند دهه). در افعال، نخستین فتحه که در دنبال ریشه افعال می آید با (ه) نوشته می شود (مانند بیلهرم - می دانم یا اکهرم - می کارم). در صورتی که سه فتحه پیاپی بیاید معمولاً فتحه دوم کلمه را با (ه) نویسند (مانند گله جک - آینه یا قله سیک - باشتاب). (شماره های ۲۹ و ۳۰)

در برخی موارد از آن جمله در مورد پسوند (در) - در مقابل $dlr/dir/dur/dür$ - می توان به همین صورت (در) اکتفا کرد (مانند کیمدر؟ - کیست؟ یا گله جکدر به جای کیمدیر و گله جکدیر یعنی خواهد آمد و همچنین بودر به جای بودور به معنی اینست). در مورد یاء ثقیل، در نظیر این موارد میتوان آن را بدون (ی) نوشت چون قانسز یعنی بی خون. (شماره ۳۴)

در پسوندهای بعد از هجاهای محتوی $o/ö/u/ü$ به جای (و) می توان (ی) نوشت چون: گوردی - دید به جای گوردو. زیرا با استفاده از قاعده هم آهنگی مصوتات باوجود (ؤ) در هجای اول روشن است که پسوند، مختوم به مصوت منحنی و خفیف خواهد بود بنابراین از لحاظ یکدستی املا ترجیح می دهند که همه این پسوندها را با (ی) بنویسند. (شماره ۳۷)

صورت «ایگیرمی» - بیست، به انواع دیگر صور آن از قبیل یگیرمی / یگرمی / ایبیرمی و غیره رجحان دارد. در این قبیل کلمات صورتهای اول به دوم ترجیح دارد: قاینانا - قئینانا / یایلاق - یئیللاق / قایماق - قئیماق... در تبدلات صورت اصلی متعبر است: قارلی، اوزرلیک، دفتر، آج، یامانلیق باید نوشت نه قارری یا او زرریک یا دفتر یا آج یا یامانلیق و امثال آن. (شماره ۴۰ و ۴۳ و ۴۴)

قاعده کلی: در کلمات همه مصوتات جز فتحه هجای نخست به کتابت در می آید. لکن به ملاحظه سرعت در نگارش می توان از ثبت فتحه بخصوص در هجاهای بسته صرف نظر کرد و به جای گوه زهل، نوشت: گوهزل - زیبا. (شماره ۵۰)

در کلمات ترکی اصولاً (ق) و (غ) و (خ) به همراه مصوتهای ثقیل و (ک) و (گ)

با مصوت‌های خفیف و (ی) با هر دو گونه مصوت به کار می‌رود. تشدید را به صورت دو حرف در کنار هم می‌نویسند جز در مورد: صاقیز، صاقال، دوقوز، یتدی، آدییم، سکیز و ائشک که می‌توان به جای تکرار حرف (چون صاققیز، صاققال، دوققوز، یتددی، آددیم و غیره) از همان علامت تشدید استفاده کرد. در کلماتی چون قاچمییان، قاچمایان و آنلامییان، آنلامایان امروزه صورت دوم ترجیح داده می‌شود.

(شماره ۵۰ و ۷۲ و ۸۸)

نباید نوشت ائشیتدیز یا گوردوز باید نوشت: ائشیتدینیز و گوردونوز و امثال آن. سابق بر این این گونه کلمات با کاف نونی نوشته می‌شد به این صورت: ائشیتدیکز و گوردیکز.

شماره (۱۷)

(خ) در ابتدا و وسط کلمات و نیز آخر کلمات تک هجائی به صورت (خ) ولی در آخر کلمات چند هجائی بدصورت (ق) نوشته می‌شود. مانند: آخ آخماق اوخوماق (ماق آخر را سابق مق می‌نوشتند: اوخومق). (شماره ۵۹)

- پایان -

محترم اخوجولارين نظر دقتينه:

- ۱- آذربايجان خلق شاعرى سهندين وفاتى مناسبتيله نشر يه ميزين بوسايى سينين بيرچوخ صفحه لرى بؤيوك شاعره حصر ائديلميشدر.
- ۲- بوسايين عجله ايله چاپا حاضر لانماسى اوندا بيرچوخ فنى نقصانلارايول آچميشدر. بونقصانلارين گله جك نمره لرده تكرر اولماماسينا چاليشا جاغيق.

يازيچيلار هيئتي

وارليق

مجله ماهانه فرهنگى، ادبى و هنرى

(به زبانهای فارسى و تركى آذرى)

ناشر افكار گروه فرهنگ و ادب انجمن آذربايجان

تحت نظر هيئت تحريريه

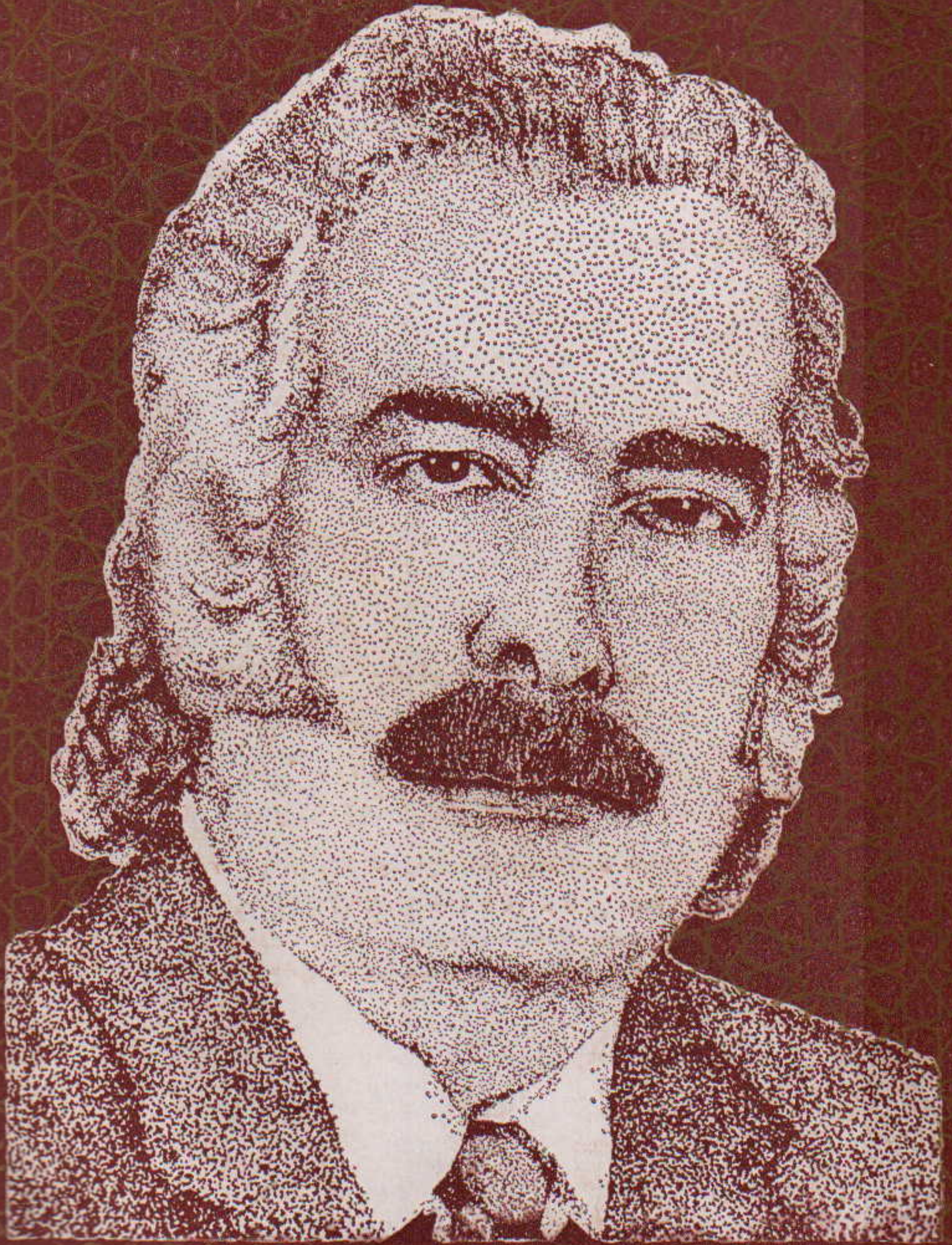
محل اداره موقت: ته-ران، خيابان انقلاب، خيابان

فروردين، خيابان ناهيد، شماره ۲۰۴ - تلفن ۶۴۰۳۸۰

چاپ كاويان - ميدان بهارستان

جلدين داليسيندا: ب.ق. سهندين تصويرى

قيمتى ۵ ريال



من اء (پروانء) يم كى دنيا د ا حيا ت آدى شعلد يء و رولموشام

يانسام و ابا كيم بو صذر ازلدن بوسو و ادا، يانما خاد و غولموشام

شولاد كورۇپىسى

www.cvilat.org

www.uyghurkitap.com

ئۇيغۇرچە ماقالىد، قىسقىسى ئىسەر ۋە قوليازمىلار ئىسرى

وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگي نشریه
مجله ماهانه فرهنگي فارسی و ترکی آذری
تیر و مرداد-۱۳۵۸



تورک شعرو ادبیاتی نین شکسپیری صاییلان و شرقین اوچ اساس دیلینده
شاه اثر لریارادان بویوک آذری شاعری فضولی (۱۵۵۶ - ۱۴۹۳)

ايچىندە كىلار

(فهرست)

- ۱- سەندەن گورچايلى يە.
- ۲- زىنگىن يوخسوللار: دىكتورحمىد نطقى.
- ۳- وقت تىرىز: ح. دىيران.
- ۴- آذر بايجان ادبيات تارىخىنە بىر باخىش (۲) دىكتور جواد ھىيەت سىد عظيم شىروانى نىن فضولى بارە سىندە يازىسى .
- ۵- استاد شىرىيار وقاچاق نى.
- ۶- مەدینە گلگون دان: ياد ىمادوشدى
- ۷- ستارخانین قبرى اوستدە.
- ۸- فصلی از کتاب گذشته چراغ راه آینده
- ۹- ترهاتا اینانما: ح. ساھر.
- ۱۰- یورت ماھنىسى. ح. ساھر.
- ۱۱- عقرب گجە سى: دىكتورحمىد نطقى.
- ۱۲- اووچو: گ. صباھى.
- ۱۳- تىرىزىم: ح. خوشقون
- ۱۴- غزل: والە
- ۱۵- وطق عشقى: مظفر.
- ۱۶- معرفى كىتاب وخبەرلر

وارليق

آيلىق تور كجه و فارسجا فرهنگى نشرىه
مجله ماهانه فرهنگى فارسى و تركى آذرى

اوچونجى و دؤردونجى صابى. تير و مردان-۱۳۵۸

سهنددن كورچايليا

همشهريلردن بير چوخلارى، ئولمز خلق شاعرى سهندين بو گونه قدر چاپ اولماميش شعرلريندن نمونه لر وئرمگى ايسته ميشلر. همشهريلرين ايستكلرينه جواب، بو نمره مي زده شاعرين «قارداشيم على آقا كورچايليا جواب» شعريني درج ائديرىك. سهند بوشعري ايللر اول، على آقا كورچايلينين « فيلر ده آغلاير » شعرينه جواب شكلينده يازميشدر. گله جك سايبيلار يمیزدا شاعرين چاپ اولماميش شعر لریندن گينه نمونه لر وئرمگى وعده ائديرىك.

بالله ياشاماق يئرده سور و كلنمه گه دگمز!

انسانليغي تحقير ائدن آلچاقليغي ييخ، از

« ت . ف . »

ايمده قلميم ، قار شيمد ادفتر ،
گؤزلريم توكولوب چيخسادا اگر .

اوج ساعتدر ، گنجه ياريدان كنچيب
مكتوبوم بيتمه دن ياتماي اجاغام

☆☆☆

اوخويا بيلميرم ، يازا بيلميرم
قاماشير ، اشيغا باخا بيلميرم .

بو گونلر گؤزلريم آغريا گليب
قارانليغا عادت ائندن برى

☆☆☆

يولداشيمدان اوخوماسين ديله ديم .
دندى - «كورچايليدان» - اوخو، سؤيله ديم .

بو گونلر «ادبيات ۱ ..» ايمه چاتدى
« فيلر ده آغلاير » ادلى شعير وار ،

☆☆☆

اوخودوقچا دنديم - گوزوو دؤنوم
شعريوه ، نوزيوه ، سوزوو دؤنوم .

اوخودى شعريوى قارداشيم منه
قوى دوروم دولانيم، دؤنوم باشووا

☆☆☆

بو كولدوم، آچيلديم، نه حالقالديم
اوجالاسان قارداش، منكى اوجالديم .

اوخودو شعريوى من قولاق آسديم
آغلار گؤرن كيمي شاهين گوزوووى

☆☆☆

قارداشیندا آغلار گۆرن سئوینر!
بومعنانی آنجاق آزادام بیلر .

☆☆☆

بیلیرم کیملر در آغلادر سنی
چوخداندى، چوخداندى آغلادیر منی .

☆☆☆

تکجهلا قاریاغمايیب ، دولودایاغیب
نه بیر یارپاق قالیب، نه پیتا۲ قالیب .

☆☆☆

نه گلیب باشیما ، ئوزومدن گلیب .
اور کیمدن گلیب ، گوزومدن گلیب .

☆☆☆

دندیم گویلر اولسون مسکنیم گرك
دئدیلم: «ایلان تک گرك سورونمک»

☆☆☆

آخسین گوزیاشیمیز عمانا دؤنسون
«سورونلر» بلکه بوغولسون، ئولسون .

☆☆☆

قوی، اوزو قارالار ئوزون گوسترسین
گون چیخسا، هامیسی ارییر یقین .

☆☆☆

بلکه یوزلر آدم ئولور دنیادا
قونوب - کوچکدیگینی کیم بیلیر، اما!

☆☆☆

اگر «نسیمی» لردگیل بس کیمدی ؟
«دیری» لرنولورلر، اوللار دیریدی .

☆☆☆

ابدی انسانا، ابدی سوز یساز
عالمده پوزولسا، اوسوز پوزولماز .

☆☆☆

الونده «گورکی» نین «شاهین نغمه سین»
قی وور، قوی اوتانسین، سسین گیز له سین

☆☆☆

قارداشیندا آغلار گورن سئوینر ؟
بومعنانی آنجاق آزادام بیلر .

سنی آغلار گوردوم کونلوم سئویندی
بلی، آغلاماق وار گولمکدن یئی در

دئمیشلر: «درداهلی، درداهلین تانیر»
دردیوی دویورام، سنی آغلادان

بلی ، گووندیگیم اوجاداغلارا
عمر و مون میوه لی - گوللی باغیندا

گیلنیلی دگیلم نوز گه دن من ده
یولوندا باشیمدان، جانان کنچدیگیم

قارتال دوغولوبان، قارتال بؤیودوم
قول - قانادیئتیریب اوچماق ایستر کن

آغلا، قوی آغلايیم، قوی آغلا سینلار
دولسون یئر اوزونون دایک - دشییگی

حیاتین قانونی دگیشمز قارداش
باخماشاخ - ماخ دوران بوز «هیكل» لره

هر لحظه، هر ساعت گلیب کجدیگده
میلیونلار دنیا یا گلیب گئدیورلر

معنالاندیرانلار انسان حیاتین
یوز ایللر کنچسه ده، مین لرایل گلسه

بیراخیسان بیراخ «ئوتریلری» ۳
اورکلره قازسا سوزون صنعتکار

بیر پلاکادائیله ، بیر بسای - اراقائیله
«سورونمگی» تکلیف ائیله ینلره

سنی آغلار گوردوم کونلوم سئویندی
بلی، آغلاماق وار گولمکدن یئی در

☆☆☆

« آقیش قوچاقلارین دلیلیگینه »
قارقیش ایکی اوزلونون دوغان ایلینه

آقیش مرد یاشاییب، مرد نولنره
قارقیش قورخاقلارین رذالتینه

☆☆☆

یازاق قوی بیلسین «او» آلچاق یاراماز
بیلسین کی حقیقت سرحد تانیماز.
تهران - ۵ اردیبهشت ۱۳۴۷

یاز، یازاق قارداشیم الیوه دؤنوم
بیلسین رذالتین دویورام ۴ منده

غزل

میرمهدی سیدزاده

وطنیم

گزیب منیم وطنیمده، دولان، هر عادتہ باخ
بو قارداش انلیری گور، دوستلوغا، سعادتہ باخ،
گیرنده هر انوه، بیر حاتمی گتیر نظرده،
آچیق اور کلری، دریا قدر سخاوتہ باخ.
دولان سن انلیری، گز کندلری محبت ایله،
چالیشقان انلیری گور، صنعتہ، مهارتہ باخ.
گوزه لرنولکه سیدر، سئوگی یوردی دور وطنیم،
گوزه لرینده کی صاف قلبی گور، لطافتہ باخ.
گیراودلو قلبینه میرمهدی نین، سن آی گوزه لیم،
محبتله یانان گون کیمی حرارتہ باخ.

۱ - اینجه صنعت ادبیات مجله سی. ۲ - کول - بوته. ۳ - ئوتوری، بوردا
فرصت طلب وقوندارما آدام یئرینه ایشله دیلیر ۴ - احساس ائدیرم

زنگین یوخسوللار

وارلیقدا مقاله و تحقیقلرین قیصاصینی دایما ترجیح اتمکده
ییز. بوتحقیقی مقاله اهمیتی اعتباریله بوقاعده دن استثنای اولدو.

بیزیم دیل مسئله میزی بیرنئچه جمله ده خلاصه اتمک ایسته سک بونقطه لری آچیق
اولاراق اعلان اتمه میز گره کدیر.

۱- دانیشیق دیلی میزین منع و قدغن اولماسینا مطلقاً تحمل انده بیلمه ریک. دیلی میزی
تحقیق ائلمه له رینه، هنج بیرکسین حقی و اجازه سی یوخدور. دیلی میز، هریشرده، ائوده،
ائشیک ده، مدرسه لرده، اداره لرده، رسمی و غیر رسمی متصور هر بیریشرده و هر مقام دا بیزیم
هویت و شخصیت میزین آیریلماز بیر پارچاسی اولاراق قیدسیز- شرطسیز دانیشیلا جاق و بو
طبیعی حقی میزی استعمال و دیلی میزدن استفاده یولوندا هر هانسی بیر مانع چیخاردان، خائن
و ایران ملتینین شانلی بیر عضوی (آذربایجانلیلاری) تحقیق ائتدیگی ایچون بودولت و ملتین
جان دشمنی دیر.

هابئله بوتون فرهنگی و قومی خصوصیتلریمیزده رسماً تسانیلما لیدر، موسیقی میزی
تئاتر میزی، داستان لار میزی، تاریخی و عنعنوی قیمتلر میزی دانما غا هنج کسین حقی یوخدور.
۲- جمعی ارتباطات واسطه لرینده تورکی دانیشان ایرانلیلارین نفوسی نسبتینده دیل
و فرهنگ و صنعتیمیزه گرهک یثروئریلسین. یومیه روزنامه لر، مجله لریمیز گرهک اولسون.
بیزیم دیلی میز، فرهنگیمیز، صنعتیمیز مغدور اولدوغوندا دولت بو یولدا بیزه غدر و
زیان میزی تلافی اتمک ایچون کومک ائلمه لیدر. رادیو و تلویزیونین ملی شبکه سینده بیزه
ئوز دیلی میزده خطاب اولسونماسی لازم دیر. «سکوت توطئه» سینه صون وئریلمه لیدر.
مطبوعاتیمیزین یاییلماسینا قارشی چیخان اللر کسینده لیدر.

۳- بیزدونن وجودا گلیمیش بیر قوم دگیلیک. بیزیم چوخ غنی و گنیش بیر ادبی و یازی

دیلمیزوار. دکتر محسنی لر، عبدالله مستوفیلر و پهلوی آریاچیلیغینا دلایلیق ائدن ئوزوموزدن چیخان اوچ دورت ئولکه و ملت خائننین سیاست لرینه وارث چیخانلار بیلمه لی درلرکه بیزی یازماقدان محروم قویدوقلاری سببیله بیز قیصاً بیر دورا قلاما و تردد دوره سیندن صوترا ئوزمالیمیز ادبی و یازی دیلمیزین غنی ارثیه سینیه صاحب چیخاجاغیق. بونا صول و صاغ ایده اولوژی لر بهانه سی ایله مانع اولای بیلمه یه جکلر. بیزیم دیلمیز بوا فسونلارلا باغلا یا بیلمز لر. دیلمیزین غنی لیگینی مدافعه ایچون عینی دلیل لری هم سو و هت آذربایجانینین صلاحیتلی عالم و تئوریسین لریندن نقل ائده جگیک هم ده باشقاملت و ایده اولوژیلر ه منسوب فیلولوقلاردان. بودفعه دیلمیزین دانیشماق، یازماق و گنجیمیشمیز له علاقه لئمک « گناهی» ایله بیزی نه « کمونیست» نه ده « پان تورکیست» لیک بهانه سیله بوغابیله جک سینیز. بوزنگین (غنی) یازی دیلمیزین یادیمیزا سالماق ایچون بو صفحه لرده بحثیمیز دوام ائده جک. ایندی سو و هت آذربایجانینین بویوک عالم لریندن بیر سینی بوبابدا شهادت ه چاغیریرام. اوزون مقدمه نی همان عالمین ئوز دیلی و کلمه لری ایله نقل ائدیرم. نقل قول دان صوترا گوره جگیک که دیلمیز نه درین باغلارلا گنجمش و وارلیغیمیزا باغلیدر و بیز بونظردن نه قدر غنی بیر مدنیت و فرهنگین وارث لری بیک، دیلمیز بیر قبیله دیلی دگیل - هله تحقیر ایله دئدیکلری « لهجه محلی» هئچ دگیل. بویوک بیر گنجیمیشین زنگین ادبی بیر یازی دیلی دیر. مقایسه ائتمک ایسته سه لر بئله اونلار اخیروئره ک که بو مقایسه قابا قجادان امیر علی شیر نوائی طرفیندن اولوب بئله!

« ق. باقراوف » ون « آذربایجان دیلینده فعللرین له قسیک - سه مانتهک انکشافی»

آدلی مونوغرافیا سیدان گنیش بیر پارچانی یازیمیزا آلیریق:

... آذربایجان دیلی فورمالاشماسینین ایلك دؤر لرینده بیر صیرا قبیله غروپلاری (گروهلاری) و اونلارین دیلی ایله باغلی اولموش دور. بوئه تنیک (قومی) غروپلاردا ۷-نجی عصر دن باشلایاراق حاضر کی ایران و سو و هت آذربایجان اراضی سینده یئر لشمه شدیلر. تاریخی منبع لره اساساً دئمک اولار که هله ئه رامیزدان اول آذربایجاندا تورک دیلینده دانیشان طایفه و قبیله لر وار ایمیش. تاریخچیلر ۷-نجی عصر ده ساسانیلر دؤلتتین قوشونلاری ایچری سینده تورک لردن عبارت سواری دسته لرینین اولدوغوننی قید ائدیر لر. تورک دیلی قبیله لرین آذربایجان اراضی سینده یئر لشمه سینده قدر ئولکه ده انسیت (رابطه) واسطه سی کیمی مختلف محلی قبیله لرین بو اراضیه آخینی سلجوقلاردان باشلایاراق مونغوللارین (مغوللارین) ایکینجی یوروشوندن صوترا یا قدر دوام ائتمیش دیر. بونونلا بئله مونغوللارین ایکینجی یوروشوندن آز صوترا ئولکه یه تورک دیلی خلقلرین یئنی آخینی باشلاییر. بئله که یارانمیش اولان تورک دیلینین - آذربایجان دیلینین بیر صیرا سیاسی و اقتصادی شرایط نتیجه سینده تاثیر دایره سی گنیشله ییر و قوتله نیر. آذربایجان دیلی یئر لی خیردا دیل لری صیخیشد یر اراق عمومی دانیشیق دیلی

معارف نشریاتی. باکی ۱۹۷۱ صفحه ۳ ودالیسی.

موقعينه گليز بئله ليكه ده بوتون آذربايجاندا ياشايان خلقلر ايچون آنلاشيلاجاق بيرديل اولور. تاريخي حقيقتلر وديل فاكلتاري (واقعيتلري) ثبوت اندير كه توركديلي (آذربايجان ديلي) نوزونون ابتدائي مرحله سينده له قسيك (قاموسي) تركيبي فونته تيك (صوتسي) و غراماتيک (دستوري) فورمالاشماسي اعتباري ايله واحد ثابت ادبي ديل شكيلينده اولمايشدر. بئله كه بوديله دانیشان و صونرالار آذربايجان ديلينين تركيپينه داخل اولان توركديلي قبيله لرین نوزلري ده واحد عيني جنسلي (هم جنس) قبيله لر اولمايشلار.

آذربايجانا ايلك دفعه گلن سلجوقلار اساس اعتباري ايله اوغوزلارا منسوب ايديلر. لکن سلجوقلاردان صونرامونغولارلا برابر آذربايجانا جيغاتايلارو اويغورلاردا گلمايشدیلر. آذربايجانا گلن بوقبيله لرین ديللري (مونغولجادان باشقا) اوزون مدت همين قبيله لرین نوز آرالاريندا انسيت واسطه سي اولموش اولارين خصوصيتلري جنوب غرب غروپي (گروهي) ديللري طرفيندن صيخيشديريلىب چيخاريلانا قدر بو پروسه س دوام ائتميشدير. آقادميك (آكادمي عضوي) ا.ن. سامويلوويچ حقل اولاراق قيد اندير كه بوگون ده زاقافقازيا آذربايجانيندا مختلف منشاءلي تورك لهجه لرینين قاليلقاري نوز علامت لریني ساخلا ماقدادر. اصلينده بونلار تامميه باشقا ئه تنيك غروپلارين خصوصاً شمال - شرق اويغور غروپي ديل لرینين علامت لري كيمي تصور ائديلير. عيني فكري پ.م. مليوران. كي ده تصديق اندير. حقيقت ده ايسه همين تورك ديللي قبيله لر زمان گئچديكجه اوغوز کوتله لري غروپي ايچه ريسينده ارييب گئتميش اولارين ديل خصوصيت لرینين ايزلري ايسه معاصر آذربايجان ديلينين مختلف ديالكت لرینده (لهجه لرینده) ساخلا نماقدادر .

او زماندان يئرله شيب قالميش قبيله لرین ايزلريني بوگونكي سووه ت و ايران آذربايجانينين طوپونوميكا وئنه تناميكاسيندا (اراضي و قبيله وقوملارا وئرلن آدلاردا) گورمك اولار. هله ۱۵-نجي عصرين آخرا لریندا بئله آذربايجاندا بيرصيرا توركديللي قبيله لرین آدلاري قیده آلينميشدي. او جمله دن قاجار، ذوالقدر، تركمن، بايات، آلباوت، قازاخ و باشقالاريني گؤسترمك اولار .

بوقبيله آدلارينا حال - حاضر دا ياتماميله ياقسمأ دگيشيلميش فورمادا (سووه ت) رهسپو بليكالار (ينين) مختلف رايونلاریندا (ناحيه لرینده) تصادف ائديلير. مثلاً بايات، جلاير، قباچاق، جيغاتاي، موغول، موغال، خالاج و سايره كيمي آدلار آذربايجان خلقينين تركيپينه داخل اولان قبيله آدلارینين قاليلقاريدر.

۱۹-نجي عصر تاريخچيلريندن اي. وارانووسكي گئچميش قوبا ناحيه سي سرحديندن دانيشاركن گؤسترير كه همين ناحيه جنوب طرفيندن چيگيل چاينا قدر اوزانير. باشقا بير يئر ده قيد ائديلير كه چيگيللر قارلوق بويوندان اولوب ماوراءالنهر حوزه سينده يئرله شن قبيله لردن بيرى صاييلير.

۱۸-۱۳ نجی عصرلرده یاخین واورتاشرقده ائله جهده وولقاسا حلینده بویوک دولترین یارانماسی نتیجه سینده تورک دیلینده نفوذی آرتیر و اوفارس و عرب دیلرینین رقیبینه چوریلیر. اوللر معیشتده قبیله لر آراسیندا بلاواسطه انسیت واسطه سی کیمی ایشله دیلن تورک دیلی مونغول استیلاسی دؤرونده اوج اساس دیلدن - فارس عرب - بیر کیمی بدیعی ادبیاتدا و دولت قورولوشوندا ئوزونه یئر قازانیر حتی هولاکولرین حاکمیتی دؤرونده آلتون اوردایارلیقلاری (یرلیقلری) تورک دیلنده یازیلردی.

تورک دیلینی ئویرنمه گه اولان حیاتی طلبات له قسیکو و جغرافیا (قاموس یازما ایشی) و غراماتیکیا عاید بیر صیرا اثرلرین میدانا چیخماسینا تکان وئردی. بو اثرلر تورک دیلینی ئویره نمک ایچون واسطه صاییلدی. بودیلی بیلمه دن جمعیتده ایره لی له مه یین ممکن اولما دیغینی اوزمان هر کس حس ائدیردی.

بئله لیک له آیدین اولور که آذربایجان دیلی یاران دیغی ایلك دؤرلردن بئله باشقاتورک دیللی ائله جهده عرب و فارس دیللی کیمی مهم انسیت واسطه سی اولاراق ئوزونسی گؤستره میشدیر.

آذربایجان دیلینی باشقاتورک دیللی ایله مقایسه ائتمک و اونون ایلك تشکل دؤرونسی آیدین لاشدیرماقی ایشینده بیزه تورک دیلرینه عاید بیر صیرا یازیلی آبدلر اونلارین آراشدیریلماسی (تحقیق و پژوهش) کؤمک ائتمیشدیر. بو ایش ده تاریخی - مقایسه لی مه توددان استفاده ائتمک لازم گلیر.

یئری گلیمشکن قید ائتمک لازمدر که تاریخی مقایسه لی مه تود (روش) تور کولو گیادا (تور کولوژی ده) بعضاً او قدرده آیدین تصور اولونمور. بورادا بیر طرفلی لیک ناقص لیک ده ئوزونسی گؤستریر. بومناسبتله ا.ک. بورو و کروین قیدینه دقت یه تیره ک: «تاریخی - مقایسه لی مه تود چوخ زمان بسیط لشمیش شکلده تصور اولونور. بئله که بومه تودون ماهیتی تجربه اولونموش آیری - آیری فاکت لارین مقایسه سی دئمک دگیلیر. فاکتلار، معاصر تورک دیللی، ائله جه قدیم دیلرین یازیلی ماتریاللاری ایله مقایسه ائدیلمه لیدیر.» بومسئله دن بحث ائدن س.ی. مالووندا آشاغیدا کی قیدلری چوخ ماراقلی در. او یازیر: «بیزیم معلوماتیمیزین ناقص لیگی اوزوندن بوگونکی تورک دیلرینین هانسینین هانسی قدیم آبدنن دیلینین وارثی اولدوغونی سؤیله مک چتین دیر.»

چوخ زمان تور کولوژی ادبیاتدا ائله حاللار راست گلیر که عینی بیر آبدلر تور کولو قلار طرفیندن بعضاً بو بعضاًده باشقا بیر خلقه استناد ائدیلیر. مثلا شاعر علی نین «قصه یوسف» ۱۲۳۳ میلادی اثرینی آذربایجان فیلولوقلاری و تاریخچیلری آذربایجان دیلینین آبدلر سی حساب ائدیکاری کیمی تاتار شناسلار داهمین آبدنن بلغار - تاتار دیلینین آبدلر سی اولدوغونی ثبوت ائتمه گه چالیشیلار.

مرحوم پروفیسور ی.ا. بہر تہ لاس ہمین آبدہ نین خوارزم ادبیاتی نمونہ سی حساب ائدیر. ی.ا. بہر تہ لاسین ہمین فکرینی ک. برو کہ لمان وو.د. آرتاموشینادا مدافعہ ائدیر لر. شاعر علی نین پوئہ ماسینی - «قصہ یوسف» - تور کمن دیلچیلری ده ئوز آبدہ لری حساب ائدیر لر. عینی فکری **ابن مہنانین** لغتی حقینده ده دئمک اولار. پ.م. ملیورانسکی وآ.م. شہرباک ہمین لغتی آذربایجان دیلینین آبدہ سی حساب ائتدیکلری حالدا س.ی. مالوو اونون تور کستاندا یازیلدیغینی ادعا ائدیر. ا.ق. غلاموو ئوز دیسسہ رتاسیاسیندا (رسالہ سینده) خوارزم شیوہ لرینین فونہ تیک مورفولوژی ولہ قسیک خصوصیتلرینین تدقیقی نتیجہ سینده بئله بیر قناعتہ گلیمیشدیر کہ ابن مہنانین لغتی خوارزم طور پاغیندا یارانمیشدر. تورکیہ دیلچیسی عبداللہ بطل ایسہ س.ی. مالوون فکری ایله راضیلاشیر. وسایرہ...

تقریباً بئله بیر - بیرینہ ضد فکر لر آذربایجان خلق داستانی «کتاب دده قورقود» حقینده ده موجود ایدی. لکن تور کولوق و شرق شناسلارین اکثریتی حقلی اولاراق ہمین داستانی آذربایجان دیلینین آبدہ سی حساب ائدیر لر.

معین آبدہ لر حقینده فکر اختلافلاری اوندان ایرہ لی گلیر کہ ہرہانسی بیر معاصر دیلین نمایندہ سی بو آبدہ لردہ ئوزونون دانیشدیغی دیلین نمونہ لری ایله چوخ اوخشارلیق ویاخینلیق گؤرور. بویاخینلیق ہم فونہ تیک ہم لہ قسیک و ہم دہ مورفولوژی جہت دن ئوزونو گؤستہ ریر. فکری میزجہ بونون سببلریندن بیر ی اوندان عبارت دیر کہ آبدہ لرین ہم گہ نہ تیک (ژنہ تیک) ہم دہ تیپولوژی جہت دن عمومی تور ک دیللری سیستہ مینہ منسوب اولموشدور. یعنی ہمین دیل لر ئوز لرینین ایلکین مادی اساسینی عینی منبع دن آلمیشدر. ایکینجی سبب مجارستان عالمی ل. لیکہ تینین دئدیگی کیمی مونغول استیلا سینین اورتا آسیا ویاخین شرق ده یاشایان تور ک دیللی خلقلرین رول اوینا ماسیدر.

مونغول استیلا سی نتیجہ سینده اورتا آسیادا ویاخین شرق ده بیر صیرا سیاسی و مدنی مرکز لری ازانمیشدی. بودؤردہ بیر صیرا تور ک دیل لرینین ادبی - بدیعی جہت دن فورمالاشماسی باشاچات دیریلیر (۱۶-۱۵ نجی عصر). قاراخانیلر دولتی ضعیفلہ ییب و مستقللیگینی (استقلالینی) ایتیر دیکدن صونرا سلجوق و اوغوزلارین حرکاتی باشلا ییر. بونلار (سلجوقلار) ارمنستاننی ائلہ جہدہ بیزانس ایمپراتور لوغونسی الہ آلاق کیچیک آسیادا عثمانی دولتینین یارانماسینا نائل اولورلار. مونغول استیلا سیندان صونرا جنوب - غرب ده دولتلردن بیر ی ده جیغاتای دولتی اولور. بودولت پارچالانمیش فئودال طور پاقلارینی بیرلشدیریب یوکسک مدنیت الہ ائدیر و ئوزونہ - مخصوص ادبی دیل یارادیر. بودیل صونردان قدیم ئوزبک دیلینین انکشافی ایچون تمل (پایہ) حساب اولونور: نہایت مونغول اوردولارینین غربہ آخینیندان صونرا اونلار «دشت قبچاق» آدلانان گنیش اراضینی استیلا ائدیر لر. بو اراضی وولقا ودون چایلارینین آشاغی ساحل لریندن باشلا یاراق قریمین (کریمہ نین) جنوب

رایونلارینادک اولان اراضینی احاطه ائدی. خوارزمه قدر اوزانان بوساحده یئنی آلتون اوردای دولتی یارانمیش اولور. بوردولتده سیاسی اوستونلوگون (تفوق) مونغوللارین الینده اولماسینا باخمایاراق اونلار تئزلیکله قبیچاقلارین تاثیر آلتینا دوشورلر. قبیچاقلار نه اینکه مونغوللاراحتی اونلارلا گلن شامان تورکلرینه ده قایناییب قاریشدیلار. بئله لیکله اونلار مونغوللارین تورک لشمه سینی و اسلاولاشماسینی سرعتلندیردیلر. بومناسبتله و. و. بارتولد یازیر: «مونغوللارین استیلاسی تورکلردن زیاده مونغوللارابویوک تاثیر گوءستریدی. دولتین دیلی غربده مونغلجادان گئت - گئده تورکچه یه چه وریلدی. قبیچاقلارین بیر حصه سی او زمان مصره مهاجرت ائتدیلر و اورادا دولت قورولوشوندا بویوک رول اوینادیلار. مصرمملوکلاری او زمان قبیچاقلارین آلتون اوردای دولتی ایله صیخ علاقه ساخلابیدی. حتی ایراندا ائلخانیلر طرفیندن تعقیب اولونان عالم شاعر و صوفیلر یامصر دولتینین سراییندا و یا آلتون اوردای دولتینده صیغینا جاق تاپیردیلار.

ائله لیکله آیری - آیری خلقلرین ائله جه ده دیل لرین یارانماسی وفورمالاشماسی پرؤسه سینده اورتا آسیادا یاخین شرقده و وولقا بویوندا قبیچاقلار دیلی گوجلای تاثیر مالک ایدی. بوردایا بیر جهتی ده نظره آلماق لازمدر که قبیله لرین تئز تئزیشردگی شمه سی و یئرلی خلقلره قایناییب - قاریشماسی نتیجه سینده دیل عنصرلری - له قسیمک و مورفولوژی عنصرلر بیر قبیله دیلیندن دیگرینه گئچیریدی. بودا همین دورده یارانان آبدله لردیلینین مشترک اولماسینین سببلریندن بیری اولاییلر. نهایت آبدله لردیلینین معاصر دیل لرله اولان علاقه و یاخینلیغینین سببلریندن بیری ده او زمان خلقلر آراسیندا بیر صیرا مدنی و ادبی علاقه لرین یارانماسی اولموشدور.

تورکولوقلار اورتا تورک ادبی دیلی دؤرونون (۱۵-۱۳ نجی عصر) دانیشارکن ایکی دیلین وارلیغیندان بحث ائتمش لر بونلار مستقل ادبی دیل عنعنه سینه مالک اورتا آسیا تورکچه سی و وولقا اورال تورکچه سیندن عبارت ایدی. بودؤرده هرایکی مرکزده یارانان ادبیاتی مضمونونا گؤره اوج یئره بؤلکم اولار: ۱) دینی (۲) دنیوی (۳) علمی - فیلولوژی ادبیات.

همین مرکز لرده یارانان آبدله لردن «قصص الانبیا» (۷۱۰ هجری ده ۱۱-۱۳ میلادی) قرآنین شرحی و تفسیری منصور بخشانین «تذکره اولیا» (۱۴- نجی عصر) اثری و معراج نامه اثرینین ترجمه سی دینی ادبیات (۱۴-۱۳ نجی عصرلر) عاید اولدوغی حالدا خوارزمی نین «محبت نامه» قطبون «خسرو و شیرین» پوئه ماسی و سعدی نین «گلستان» اثرینین سیقی - سرائی طرفیندن ترجمه سی قسماً شمس تخلصلی شاعرین «قصه یوسف» کیمی اثری دنیوی ادبیات عاید ایدی.

بیزه ائله گلیر که یازیلی آبدەلری دیل علامتینه گۆره ایکی غروپا آیرماق او قدرده دقیق بۇلگی دگیلیدیر. بئله که همین دۆرده (۱۴-۱۳ نجی عصرلرده) اوچونجی غروپ آبدەلرین دە وارلیغینی انکار ائتمک اولمازوبیز اونى شرطی اولاراق «یاخین شرق غروپی» آدلاندیریریق. اوچونجی غروپ آبدەلر دیل علامتیرینه گۆره آلتین اوردای و اورتا آسیا غروپلاریندان فرقله نیر. مثلا شیاد حمزه نین «یوسف وزلیخا» پوئەماسی (۱۳- نجی عصر) اوچونجی غروپ آبدەلریندن صاییلر. بو آبدە دیل اعتباری ایله قدیم عثمانلی - سلجوق دیلینین و سلجوق دۆرونون خصوصیتینی عکس ائتدیریر. بو غروپا عینی زماندا شاعر علی نین «قصه یوسف» پوئەماسی دا داخلیدیر. ائله جهده سلطان ولدین «رباب نامه» سی عاشق پاشانین «غریب نامه» سی و داها بیر صیرا باشقا اثرلرده بو غروپا داخلیدیر.

یاخین شرق آبدەلرینی میستیک-دیداکتیک و دنیوی اولماقلا ایکی حصه یه بۆلمک اولار. او دۆرده یارانان دنیوی ادبیاتین بیر صیرا مختلف ژانرلاری زمانه میزه قدر گلیب چیخمیشدر. و. د. آرتاموشینا اوچونجی غروپ دان دانیشارکن اورایا گلشهری عاشق پاشانین و احمدی نین (او جنوبی آذربایجانین تبریز شهریندن در...) اثرلرینی ده داخل ائدیر. لکن اونون بو بۆلگویه وئردیگی تصحیح بیر طرفلی تصحیح در. بئله که او بو غروپون آذربایجان قولونى تامامیله اونوتموشدور. حالبوکی که بو قولی عکس ائتدیرن حسن اوغلونون آذربایجان دیلینده یازیلیمیش یگانه غزلی بیزه قدر گلیب چیخمیشدر. بو غزلین دیلی، اونون سلیسلیگی و زنگینلیگی، گۆسته ریر که آذربایجان دیلی ۱۳ - نجی عصرین آخرلاریندا تامامیله فورمالاشمیش بیر ادبی دیل ایدی. حسن اوغلونون غزلی اوندان صونرا گلن بیر صیرا شاعرلر ایچون او جمله دن سعدی نین «گلستان» اثرینی ترجمه ائدن شاعر سیفی - سرائی (۱۴ - نجی عصر) و تورکیه شاعری احمد داعی ایچون نمونه اولموش و اونلار بو غزله اوستادلیق لا نظیره یازمیشلار. معتبر منبعلردن معلوم در که حسن اوغلونون آذربایجان و فارس دیلرینده دیوانی اولموشدور. لکن بو دیوان هله لیک تاپیلما میشدور. بو دۆرده یئتیشن گۆرکملی آذربایجان شاعرلریندن بیرى ده قاضی برهان الدین دیر (۱۳۹۸ - ۱۳۴۴). اجتماعى خادم سر کرده و دولت باشچیسی اولان برهان الدین پین غزل و رباعی لری اودۆرده کی آذربایجان دیلینین گۆزل نمونه سیدیر.

نهایت بو صیرایا بویوک شاعر نسیمی نی ده داخل ائتمک اولار. او عرب فارس و آذربایجان دیلرینده یازیب - یاراتمیشدر. اونون ادبی ارثی بوتون یاخین شرق و اورتا آسیادا درین ایزبوراخمیشدر. نسیمی نین غزل و رباعیلرینین دیلی ۱۴ - نجی عصر آذربایجان ادبی دیلینین کلاسیک نمونه سیدیر.

اونا گۆره ده ۱۴ - ۱۳ نجی عصرلرده کی ادبی دیللردن دانیشیرکن ایکی ادبی دیلدن دگیل تامامیله مستقل اوچ ادبی دیلدن بحث ائتمک لازم گلیر. بو اوچونجی غروپ

ادبی دیلین ئوزونه مخصوص خصوصیتلری وار ایدی. بو خصوصیتلر آذربایجان و آناطولی تورکجه سینده ئوز عکسینی تاپمیشدر.

بودۇرده یارانان علمی - فیلولوژی ادبیاتادا نظر سالماق لازم گلیر. بونا خصوصیله ۱۱ - نجی عصرده مقایسه لی پلاندا یازیلان تورکولوگیانین بهادری صاییلان محمود کاشغری نین دیوانینی مثال گوستریمک اولار. بو اثرمونغول استیلاسی دۇرونده داها گنیش مقیاسدا یاییلمیشدی.

مونغول استیلاسی دۇرونده تورک دیللی قبیللرچین سرحدیندن باشلا یاراق جنوبی روس چؤلرینه قدر کی اراضی ده دۇلت قورولوشوندا حل ائدیجی رول اوینایردی. بو دۇرده تورک و مونغول دیللرینین ئویره نیلمه سینه بویوک احتیاج حس اولونوردی. چونکه مونغول دۇلتینین حمایه سی آلتیندا یاشایان مغلوب خلقلرده بودیللری ئویره نمک مجبوریتینده ایدیلر. هیچ تصادفی دگیل که بودۇرده یارانان ایکی دیللی لغتلرین و مقایسه لی غراماتیکا- لارین مؤلفلری اوللر عربلر صونر الارایسه فارس لار ایدی. بو کیمی له قسیکو غرافیا (قاموس) اثرلرینه کرونولوژیا (خرونولوگیا) اعتباری ایله زمخشری «مقدمه الاداب» اثرینی (۱۳ نجی عصر) عربجه - تورکجه - مونغولجا لغتی ۱۳ - ۱۲ نجی عصرلرده اورتا آسیادا ادبی دیلی عکس ائدن لکن مؤلفی معلوم اولمایان مونغولجا - فارسجا لغتی مثال گوستریمک اولار همین لغت هولاندا (هلند) شرق شناسی هایتسما طرفیندن نشر ائدیلمیشدیر. بولغتین (تورکجه) دیلی ۱۳ - نجی عصرده یاشایان قبیچاقلارین دیل خصوصیتلرینی عکس ائتدیریر. عرب فیلولوقی ابوحیانین قبیچاق دیلینین خصوصیتلرینی عکس ائتدیرن «کتاب الادراک لسان- الاتراک» اثری ده ۱۴ - نجی عصرده عرب فیلولوقلارینین تورک دیللرینه عاید یازدیة لاری اثرلر صیراسینا داخلدیر. بو اثرین دیلی اساس اعتباریله اوغوز غروپی دیللرینی او یغور ئەله منتاری ایله قاریشدیغینی گوستریر. تورک له قسیکو غرافیا سیندان دانیشارکن مولفی معلوم اولمایان داها ایکی اثر دن ده بحث ائتمک لازمدیر:

بیرینجیسی غراماتیک تدقیقات صاییلان «قوانین الکلیه فی الضبط اللغة ترکیه» آدلی اثر دیر. بو اثر رفعت کیلیسلی طرفیندن استانبولدا ۱۹۲۸ - نجی ایله چاپ اولونموشدر همین غراماتیکا ۷۶ صحیفه دن عبارت اولوب قبیچاق دیلینین خصوصیتلرینی عکس ائتدیریر سچییه وی (کاراقته ریستیک) بوراسیدر که «قوانین» مولفی اثرینین مقدمه سینده اعتراف ائدیر که او تورک دگیل تورک اولکه و شهرلرینده اولمامیشدر تورکجه نی ایسه تورکلره دایما علاقه و تماس نتیجه سینده ئویره نمیشدیر.

ایکینجیسی مولفی معلوم اولمایان «التحفة الزکیة فی اللغة ترکیه» آدلی اثر دیر. همین اثر ۱۹۴۵ - نجی ایله ده عربجه دن تورکجه یه مشهور تورکیه دیلجیسی بسیم آتالای طرفیندن ترجمه ائدیلمیشدیر. مترجم اثره تاریخی بیر مقدمه ده وئرمیشدیر.

اثرين مقدمه سينده مصر قېچاقلاري و اثرين يازيلديغي دۇر حقننده معلومات وئريلميش دير. اثر ايكي حصه دن عبارتدير: الف) لغت حصه سي (بورادا ۳۰۰۰ قدر سوز قیده آليئمشدور). ب) تورك ديلينين غراماتيك قاعده لري.

اثرين ايکينجي حصه سينده چوخ زمان فونته تيك و له قسيك بمقايسه لره مراجعت اولونموشدور. بسيم آتالايين فکرينجه (فکرينه گوره) لغت هجری ۸۲۹ - نجی ایلدن تئز يازيلماميشدور. اثرده يثري گلدیکجه عرب و قېچاق سوزلرينين مقايسه سي وئريلير. او اثر ۱۵ - نجی عصرين بيرينجي ياريسيندا جمال الدين التركي آديندا بير عرب عالمي طرفيندن ترتيب اولولموشدور. بوردان دا ئويره نيريك که همين مولف «لغة المشتاق» آديندا باشقا بير اثرده يازميشد.

۱۴- نجی عصر دن باشلا ياراق ياخين شرق ده و ائله جه ده جنوب آذربايجان دا له قسيكوغرافيك اثرلره اولان مراق آرتير. بئله لغتلرين ترتيب اولونماسين سببلريندن بيرى على شير نوائي ياراديجيلىغينا اولان مراق دان ايره لي گليردى. بونلارين ايچه ريسينده مستثاليق تشكيل ائدن هندوستان لغتلري ايدى. بوندان باشقا ۱۶ و ۱۸ - نجی عصرلرده اورتا آسيادا و هندوستان دا ياشاميش مغوللارين اجدادينين ديليني ئويره نمه يه اولان مراق بئله لغتلرين يارانماسينا سبب اولوردى. ۱۵ - نجی عصرده يارانان له قسيكوغرافيك اثرلرين معين بير قسمة قديم ئوزبك ديلينين خصوصيتلريني عكس ائتديريردى. بونلارا هراتلى تالى ايمانى نين «بدايع اللغه» اثريني ائله جه ده مولفي معلوم اولميان جيغاتاي - تورك لغتيني مثال گوسترمك اولار. بوندان علاوه ميرزامهدى خانين (۱۸ - نجی عصر) «سنگلاخ» اثريني و باشقارينى دا قيدائتمك اولار. بولغتلرين له قسيك تركيبيني تحليل ائدن توركولوقلار گوسته ريرلر که همين لغتلرده غرب و جنوب توركجه سينين ديل عنعنه لري ئوز تاثيريني گوسته رميشدير. بئله بيرجه ت همين لغتلرين فونه تيكاسيندا آچيق شكلده ئوزونى نمايش ائتديرميشدير.

تالى ايمانى نين لغتينه آرابير اولسادا جيغاتاي تورك آذربايجان و تورکمن ديللرينين مقايسه سي وئريلير. مؤلفين ايشله تديگى روم توركجه سي ترميني گوسته رير که هله او زمان (۱۵ - نجی عصر) دا تورك و آذربايجان ديللري فونته تيك و قسماً مورفولوژى جهت دن بير - بيريندن سه چيليردى.

يوخاريدا قيد ائتديگيميز كيمي ۱۴ - نجی عصر دن باشلا ياراق مدنى و ادبى قارشيليقى علاقه لر بير - بيرينه تاثيرسيز قالا بيلميردى. بو جهت ئوزونى ادبياتدا گوسته رديگى كيمي ديلده ده گوسته ريردى. اونا گوره ده اورتا آسيادى ادبياتيندا تئز - تئز فضولى نين آدى چكيلير.

هله ۱۵ - نجی عصرده داهى عليشير نوائي نين مكتبى اورتا آسيادى و ياخين

شرقده شهرت تاپدیقدان صونرا آذربایجان شاعرلرینین بیر قسمی هراتا کؤچوب اورادا نوائی نین ادبی یارادیجیلیغی ایله یاخیندان تانیش اولوردولار. اونلار وطنه قاییتدیقدان صونرا ایسه نوائی عنعنهلرینی دوام ائتدیریر حتی ئوزبک دیلینین بیر صیرا خصوصیتلریندن استفاده ائدیردیله. م. فضولی دفعهله نظامی نین آدی ایله یاناشی نوائی نین آدینی دا حرمتله خاطرلاییردی. اونی سؤز بیلن «نوائی سخن دان» آدلاندیریردی. فضولی نوائی نین ادبی ارثی ایله یاخیندان تانیشایدی. بوتون بو چوخ جهتلی اجتماعی-تاریخی شرایط هر اوچ دیل غروپونون نماینده لرینه و اونلارین استفاده ائتدیگی ادبی دیل عنعنهلرینه ئوز تاثیرینی گؤسته رمیشدیر. بوندان همین عالملر موعول دؤرونده بویوک خلقلرین پارچالانماسی و بیرلشمه سی نتیجه سینده (۱۴-۱۲ نجی عصرلرده) یارانان آیری-آیری خلقلره اونلار فورمالاشدقدان صونرا بئله همین خلقلرین یازیلی آبدهلری دیلینین فونته تیک له قسیک و مورفولوژی قورولوشونادا ئوز تاثیرینی گؤستریمیشدی. **تورک** دیلی آبده لرینین ان قدیم دؤرلرینه مثلا ۸-۵ نجی عصرلرده «رونیک» یازیلارینا و یا اورتا آسیا دؤرونون (۱۳-۱۰ نجی عصرلر) آبدهلرینه ال آتدیقدا ایسه مسئله باشقا شکل آلیر. یعنی تاریخی درینلیکلرینه گئتدیکجه بیر حقیقت میدانا چیخیر که اودا **تورک دیل لرینین بیر - بیری ایله داها یاخین اولماسیدر.** بودا اونلارین قوهوملوق علاقه سیندان ایره لی گلیر. چونکه او دیل لر دانیشان خلقلر اوزون مدت قبیله لر اتفاقیندا بیرگه حیات طرزی گئچیرمیشلر. لکن قدیم یازیلی آبدهلرین هامیسی شیطی اولاراق بوگونکی بو ویا دیگر دیلین آبده سی حساب ائتمک اولماز. معاصر تورک دیل لر ئوزلرینین فورمالاشماسی و تشکلونده اولدوقجا اوزون و مرکب بیر انکشاف یولی گئچمیشلر.

صونرا بو دیل لر بیر صیرا فونته تیک مورفولوژیک دگیشیک لیگه معروض قالمیش بونا باخمایاراق «رونیک» یازیلار (۸-۵ نجی عصرلر) جنوب-غرب دیل لر ایچون او جمله دن آذربایجان دیلی ایچون ان قدیم مرحله نی تشکیل ائدیر. «رونیک» آبدهلری نه ایتکه غرب تورک دیل لرینین هابئله بیر صیرا تورکولوقلارین فکرینجه شرق تورک دیل لرینین ده داها قدیم منظره سینی عکس ائتدیریر. س.ی. مالوون فکرینجه ائله دیل لر قدیم صایبلا بیلهرکه اونلاردا قدیم دیل لرین فاکت لاری داها چوخ محافظه ائدیلمیش اولسون. ائله بو معنادا آذربایجان دیلینده یارانمیش یئنی خصوصیتلرله برابر اوزاق گئچمیشین علامت لری ده یاشاییب گلمیشدیر. مثال ایچون اورخون-یئنی سهئی آبدهلری دیلینده ایشله نمیش فعللرین کؤکلرینی معاصر آذربایجان دیلینین فعللری ایله مقایسه ائتدیکده آشاغیدا که منظره نین شاهدی

اولوروق. (۱- نومره لی جدولہ باخ). حسابلاما نتیجہ سینده آیدین اولدی که آبدہ۔
 لردہ ایشلہنن ۵۲ تک هجالی فعلین ۲۷- سینین کؤکی معاصر آذربایجان دیلینده
 ایشلہنن فعل کؤکلری ایله تمامی ایله عینی دیر. لکن ۱۶ کؤگون یاخین لیغی ایسه
 معین فونہ تیک گنچمه لرین برپاسی ایله معین ائدیلیلر. او جمله دن:
 د- ز- ی / ت- د / پ- ب / و- ب / ر- ل / ک- خ.
 (۱- نومره لی جدولہ باخ).

۱- نومره لی جدول

اورخونجا	آذربایجان دیلینده سسلرین قارشیلیغی
kod – قود	قوی — qoy (د – زدی)
tod – تود	دوی – doy (ت د / د – ی)
tik – طیق	طیخ – tlx (ق – خ)
ar – آر	آل – al (ر – ل)
teq – تق	دک – dek (ت – د / ق – ک)
séb – سب	سہ و – sév (ب – و)
buz – بوز	پوز – poz (ب – پ)
tur – تور	دور – dur (ب – د)
té – تہ	دہ – dé (ت – د)
ylq – ییق	یوخ – ylx (ق – خ)
tûs – توش	دوش – dûs (ت – د)
bar – بار	وار – var (ب – و)

و سائرہ.....

مقایسه ائدیگیمیز فعللردن:

u – گوج قوه
e – فکر لشمک
ld – گؤندر مک
ud – تعقیب ائتمک
yed – تئز
ag – قالخماق
uk – آنلاماق
yan – قاییتماق
ar – یورولماق
oz – قاباقلاماق

و سائرہ معاصر آذربایجان دیلینده ایشلہنمیر. فعل کؤکلریندن

حسابلاماق – sa

دئمك خېر وئرمك – ay

وورماق – ur

و ساير فعللر آشاغيداكى فورمالاردا «پروتهزا»- يا اوغراميشلار: سا/صا-صاي آي (آييت). آرخائيك (آركائيك) صاييلان و قاچماق معناسيندا اولان تئز//تئز همين معنادا عادي دانيشيق ديلينده ايشله نير. بونونلا ياناشي دئمك لازمدر كه ايكي هجالي فعللر داها چوخ دگيشيك ليگه اوغراميشدر. مثلا آبدهلرده قيدل آلينان ۲۲ قوشما هجالي فعلين يالئيز دوردى معاصر ديلين فعللرينه تام اويغون گلير. بونلارا دا ياراماق ياراماق/ يانيلماق يانيلماق/ ائشيدمك ائشيدمك/ يوكورمك قاچماق (يورى يئرى يورو همين معنادا) فعللريني مثال گوسته رمك اولار.

بونلاردان توگون فعلى آبدهلرده پيشمانلىق توبه معناسيندا ايشلنديگي حالدا معاصر بونلاردان توگون فعلى آبدهلر پيشمانلىق توبه معناسيندا ايشلنديگي حالدا معاصر آذربايجان ديلينده توگون ئويون – ئويونمك (فخرائتمك گونمك) معناسيندا ايشله نير. آبدهلرده اوكى // اوخى (اوخوماق) فعلى «چاغيرماق – دعوت ائتمك» معناسيندا ايشلنديگي حالدا معاصر ديلده اوخوماق تامميله باشقا معنا افاده ائدير. قالان ۳۲ قوشما هجالي فعل همين آبدهلرده نه فورما نده معنجا معاصر آذربايجان ديلينه اويغون گلير. بو قبيلدن اولان فعللر آشاغيداكى لاردر:

آيلاماق – هجوم ائتمك – apla

اولاماق – باغلاماق – ula

بيتيمك – يازماق – biti

آلكماق – خيردعا ائتمك – alk a

ساقينماق – فكر لشمك گمان ائتمك – sakin

(آذربايجانجا ساقين / صاقين احتياطللى اولماغا چاغيرماق).

يازينماق – سهوا ائتمك – yazin

اولورماق – اوتورماق – olur

آريلماق – قوه دن گوج دن سالماق – aril

ئه قيرمك – تعقيب ائتمك محاصره ائتمك – eqir

كاماشماق – ضعيف له مك – kamas

آغيتماق – قووماق اوزاقلاشديرماق – agit

سونوشمك – ووروشماق دؤيوشمك – sunus

بوسياھديه (فهرسته) اگرايره لى ده وئردىگمىز، ۱۵ فعلى ده علاوه ائتسه ك اوتدا

اورخون يئنى سه ئى آبدهلرينده ايشلنميش فعللرين عمومى صايى آلينميش اولور. بو آبدهلرده فعللرين اولدوقجا محدود مقداردا ايشلنمىسى معاصر ديلده فعللرين

مقدار جا آرتيميني گۇسترمك ايچون فكريميزى استقامتلىدىرە بيلير . هئچ شىبە يوخدور كه همين آبدەلردە او زمان ايشلەنن بوتون فعللر ئوز عكسینی تاپماميش و تاپادا بيلمزدى. بئلكە «رونیک» يازيلار اولدوقجا محدود حادثەلرى عكس ائتديرير. بونا باخمايلاق «رونیک» آبدەلرينين دىلى شمالى اوغوز ديالكتلرينين ان قديم دۇرلرينى عكس ائتديرين و ۷-۵ نجى عصرلردە انسيت (ارتباط) واسطەسى اولان ديالكت صاييليردى. همين ديالكتى معاصر آذربايجان ديلينين قديم دۇرلرى ايله مقايسە ائتديكده بونلارين آراسيندا معين ياخين ليغين وارليغيني گۇروروك. لکن آذربايجان دىلى ايله اولان بو علاقه و ياخينلىق شمال - شرق ديللرى ايله/ قازاخ قيرقىز/ اولان ياخين ليقدان آزايدى. صونراكى دۇرون آبدەلريندن بيزە گليب چيخان و اولدوقجا معتبر منبع صاييلان، م. كاشغرى نين لغتى بو علاقه و ياخين ليغين درجەسىنى گۇستەرن منبعدير. بوداهيانە اثرى حقلى اولاراق توركجە نين قاموسى آدلانديرلار. بو اثر آذربايجان دىلى ايچون بير نئچە جەتدن قيمتلى دير: ۱) بورا عكس اولونان ديل و فوكلور ماتريالى بوللوغى. ۲) فاكتلارين ايضاحيندا مقايسەلى پرينسپ علمى پرينسپ اولاراق اساس گۇتورولموشدور. ۳) تورك ديللرينين فونەتيكالە قيسىكا و غراماتيكا سينا (تلفظ، لغت، دستور) عايد اولدوقجا زنگين و دقيق معلومات و ئريليميش دير. ۴) هر هانسى بير ديل حادثەسى نين هانسى خلقە و هانسى تورك قبيله سینه عايد اولدوغى گۇستەريليميشدير. بونلاردان باشقا اثرين قيمتى بيردە اوندان عبارتدير كه همين اثر عموم خلق آذربايجان دىلى و خلقينين فورمالاشديغى بير دۇردە يارانميشدر. بودا ائله بير دۇر ايدى كه او وقت تورك دىلى آذربايجاندا ايرانين باشقا يئرلريندە عراقدا و ياخين شرقدە ياشايان خلقلر آراسيندا بين الخلق انسيت (ارتباط) واسطەسى حاليني آلميشدى . بوديلين اساسيني اوغوز - قىچاق قبيله ديالكتى تشكيل ائتديردى . همين قبيله لره م. كاشغرى ئوز اثريندە تئز-تئز استناد ائدير و اونلارين آدينى چكىر. م. كاشغرى حساس مشاهدەچى و ديلچى كيمي ائله اينجه مسئلەلرى سەچە بيلميشدير كه بو مسئلەلر سادە مشاهدە چينين گۇزوندن قاچا بيلردى. لکن م. كاشغرى بونلارين تام اينجە ليكلرينە وارا بيلميش و اونون مختلف جەتلرينى درك ائتميشدى. ديلين بوتون اسپكتلرى - فونەتيكا له قيسىكا مورفولوژيا - م. كاشغرى طرفيندن هله ۱۱- نجى عصرده قيدە آلمنميشدى. اونا گۇرە دە اونون ئوزى حقيندا غرورلا دئديكى آشاغيداكى سۇزلر بوگون تاماميله ئوزونى دوغرولدور: «من ائله بير كتاب يازديم كه اونا مقابل كتاب يوخدور. من سۇزلرين كوكونى و حادثەلرين

سببيني گؤسترديم. اونا گؤره كه منيم اثرير ديل غروبي ايچون نمونه اولاييلسين من اساسي وئريرم كه بو اساس اوزه رينده سؤزلر قورولور. نئجه كه داهيليك علامه ليك ساده حقيقتلردن دوغور».

م. كاشغري نين اثرلرينين يازيلديغي دؤر قاراخانييلر دولتينين حاكميتي زمانينا تصادف ائدير و بو دولتين او زمان تاثير دائره سي بوتون سامانييله بخارا و سمرقنده ياييلردى. قاراخانييلر كيچيك اويغور قبيله لريني صيغيشدير اراق ايكي بويوك مدنيتين - شرق ده اويغور مدنيتي نين غرب ده ايسه تورك و ايران مدنيتي نين وارثلري كيمي چيغيش ائديرديلر. البته بودا شرقى توركستاندا ادبي ديلين فورمالاشماسينا يارديم ائتدى و همين ادبي ديل قارموق - اويغور ديالكتي اساسيندا يارانميش اولدى. ائله جه ده غربى توركستاندا ادبي ديل اوغوز - قبچاق ديالكتي اساسيندا تشكل تاپميشدر. بيزه ائله گلير كه بو دؤرده (۱۲ نجى عصر) و صونرالار مونفونلارين حاكميتي زمانى (۱۴-۱۳ نجى عصرلر) اورتا آسيادا و آلتون اوردا دولتينين مركزينده وولقادا مصرده هابئله اوغوز - قبچاق ديلي منطقه سينده يارانان اثرلر م. كاشغري نين اثرينين تاثيريندن كناردا قالا بيلمزدى. بئله كه بو اثرديار بكرلى اميرعلى نين كتابخاناسينا دوشمزدن اول كيملرين اوندان استفاده ائتمه سي معلوم دگيل. اونا گؤره ده اورتا آسيادا و شرقى توركستاندا ائله جه ده غرب ده اوغوز - قبچاق ديلي زوناسيندا (منطقه سينده) يارانان آبدeler بيزيم تدقيقاتيميز ايچون تاريخى منبع صاييلا بيلر.

آدلاريني چكديگيميز آبدelerدن باشقا ايشيميزله بلاواسطه علاقه دار اولان علاوه بير منبع ده واردر بودا آذربايجان خلقى طرفيندن آذربايجان ديلينده يارانان و آذربايجان خلق ائله جه ده ادبي ديلي نين خصوصيتلريني عكس ائدن اونون تاريخى انكشافيني گؤسته رن سندلردر. بونلارين ايچريسينده «كتاب دده قورقود» داستانى خصوصى يئر توتور. پروفسور ن. ا. باسكاكوو بئله حساب ائدير كه اوغوز قبيله لر نين ان قديم ديل آبده سي م. كاشغري نين لغتيندن باشقا اوغوز داستانى صاييلان «كتاب دده قورقود» آبده سيدير. بو داستانين ديلي شبيهه سيز آذربايجان عموم خلق ديلينين ايلك مرحله لريني عكس ائدير. داستانين ديل خصوصيتلري او زمان تازه يارانماقدا اولان آناتولى توركجه سينين ديلي ايله ده اويغون گله بيلر. چونكه هله او زمان (۱۱ نجى عصر) مستقل ياشايان تورك و آذربايجان ديللري آراسينداكى حدودلار ايندىكى قدر فرقلى دگيلدى.

بيزيم ايچون فاكتيك ماتريالين باشقا بير منبعى ده آذربايجان يازيلى ادبياتى در. همين ادبيات دا ۱۳-نجى عصردن باشلا ياراق زمانه ميزه قدر گليب

چاتمیشدر، بو دیلده آذربایجان کلاسیکلری -حسن اوغلی نسیمی خطائی فضولی واقف و باشقالاری ئوز اثرلرینی یازیپ یاراتمیشلار. آذربایجان س.س.ر. ئه.آ. ال یازمالار فوندوندا (بنیادیندا) نشر اولونمامیش مختلف خاراكتیری (کاراكتیرلی) بدیعی ترجمه علمی اثرلر دخی واردر که بو جمله دن ۱۵-نجی عصرده مؤلفی بللی اولمایان شمس تخلصلی شاعرین «قصه یوسف» پوئه ماسینین دیلی دقته لایق در...

نهایت بیز چوخ جهتلی فولکلور ادبیاتینی دا نظردن قاچیرمامالی ییق. چونکه بو ادبیات آذربایجان دیلینین ان گوزل خصوصیتلرینی ئوزونده ساخلامیشدر. قیمتلی عالم و دیلچی (ق. باقروف) ون آذربایجانین «عالی مکتبلری فیلولوژی فاکولته لری» ایچون حاضرلادیغی نفیس مونوغرافیا سیندان عیناً آدیغیمیز اوزون «نقل قول» بورادا قورتاریر. مونوغرافیا یا «گیریش» صاییلان صفحه لردن بیرنچه- سینی بورادا تکرارلامامیزین سببی مسئله لریمیزی مجمل شکلده بیرئرده مطالعه ائتمه سی در. بو اوزون «نقل قولی» خلاصه ائتمک ایسته سک ناشرین، مذکور کتابین باش صفحه سینه قویدوغی بو کلمه لری تکرارلامامیز لازم دیر:

«اثرده کی فاکتیک دیل ماتریاللاری، یازیلی آبدلرین، کلاسیک ارثدن و ائله جه ده معاصر آذربایجان دیلیندن گوتورولموشدور» مؤلف، مقدمه ده بو ماتریاللارین، یازیلی آبدلر، کلاسیک اثرلر و معاصر دیل دن فایدالانما اساس لارینی ایضاح ائدیر.

بیزده دیلیمیزی دوزگون مطالعه ائده بیلمه میز ایچون عینی ماتریاللاردان استفاده ائتمه لی ییک.

بوندان علاوه آذربایجان دیلجیلریندن فیلولوژی علملر دوکتوری پروفیسور س. جعفر اوفین دا بو سوزلرینی - دیل مسئله لرینده هر هانسی تدقیقاتا گیریشدیگیمیز وقت- یاددان چیخارمایاق:

«یازی دیلی (ادبی دیل) مفهومی صنفلی جمعیت ده هر صنفین ئوز دنیا گوروشوندن آصیلی اولاراق، مختلف آنلایشلارا مالک دیر. سوسیالیست جمعیتینده ایسه ادبی دیل عموم خلق دیلینین یوکسک (عالی) افاده سی دیر. باشقا سوزله، یازی دیلی (ادبی دیل) عمومی واحد بیر دیل دن عبارت در. بو دیل رسمی سند لرده، علم و صنعت اثرلرینده عصرین یوکسک دوشونجه لرینی تمثیل ائدن ادبی دیل اولاراق فورمالاشیر مکتبلرده تدریس ایدیلیر بدیعی اثرلرده تکمیل لشییر و جلالانیر.»

(معاصر آذربایجان دیلی - له قسیکا- صفحه ۸)

چوخ گوزل ، بیز دیلیمیزی (از جمله یازی دیلیمیزی) نه جور تدقیق و تحقیق

ایله مه لی بیک؟ گینه پروفیسور جعفر اوفا مراجعه ائده ک: «۱- انسیت (ارتباط) و مبارزه واسطه سی اولان دینین یارانماسی و انکشافی کونکرهت (مشخص) ماتریال اوزرینده ثویره نیلیب منیم سه نیلر ۲- معاصر ادبی دیلیمیزین نورمالاری شعورلی منیم سه نیلمک له، عمله گلن دیل حادثه لری درست باشا دوشولر، تلفظ و یازی قاعده لری دوزگون منیم سه نیلر ۳- ادبی دیلین آیری-آیری اسلوب خصوصیتلری ائویره نیلر و دوزگون قیمتلندیریلر ۴- معاصر ادبی دیلیمیزین قوهوم و یا غیر قوهوم دیلرله اولان علاقه و مناسبتی درک ائدیلمر؛ دیلیمیزین گله جک انکشافی یوللاری آیدین تصور ائدیلمر ۵- معاصر آذربایجان دیلی ایله یاناشی اولاراق گنجیلن باشقا دیل فن لرین - عمومی دیلچیلیک، آذربایجان دیلی تاریخی، آذربایجان دیلینین دیالکتولوژیسی، بو و یا دیگر اختصاص کورسلارینین دریندن منیم سنیلمه سی نه شرایط یارادیلار....»

دیلیمیزده مطالعه و تحقیقی پلانلاشدیرماق ایچون بو نقطه نی ده خاطرلادیریق:
 «معاصر آذربایجان دیلی فنی نه آشایداکی شعبه لر داخلدر: ۱- فونه تیکا:
 ۲- له قسیکولوژیا؛ ۳- سؤز یارادیجی لیفی؛ ۴- غراماتیکا؛ (مورفولوژیا و سینتاکسیک) (پروفیسور جعفر اوفا مذکور اثر صفحه ۳).

سوزوموزه صون و ثرره کن ایندیکی شرایطده «نه ائله مه مز لازمدر؟» سئوالینه ده قیصاجا جواب و ثره ک. اوزون سکوت دوروندن صونرا بوگون یاواش-یاواش دیلیمیزده یازماغا باشلامیشیق. بو ایشه عادت ایله مه مز لازمدر. ایندی ئوز منطقه و ناحیه لهجه میزدن، عموم آذربایجان یازی-ادبی دیلینه، سؤزلر، تعبیرلر، خصوصی تلفظ شکللری قاریشدیریریق؛ یازارکن یازی قاعده لرینه دقت سیز لیک ائدیریک؛ بونلار هامیسی طبیعی در، و گنجیجی (موقت) در. لکن بونی بیلمه مز لازمدر که دانیشما دیلی ایله، عصرلردن بری گلن ادبی-یازی دیلینین فرقلری اولاجاق، مثلا، بیلمه لی بیک که دانیشیقداکی (صورا)، (گلی سوز)، (اوننان)، (الیر = الک می کند) و سایر کیمی سؤزلر یازی دا - ترتیب له - بئله اولور: صونرا (بعد)، گلیر سینیز (می آید)، اونونلا - یاداها ساده سی - اونلان (بااو) و اله بییر...

بیر نقطه داها، دیلیمیزین سؤز خزینه سی بیر چوخلارینین تصور لرینه گلمه یه جک حده غنی در. هر مفهومی ان مکمل شکلده افاده ائدن کلمه لریمیز وارددر. بو ثررته صاحب چیخمامیز لازمدر. کلمه لریمیز، محله ده گونده لیک معیشت واسطه سی اولاراق صاییلی (دانیشما دیلینده ایشله نن) سوزلره محدود دگیلدر.

آذرى توركجه مزده موجود مين لرجه كلمه نى تازه دن ئويرنملى بىك بو دوركه بيزه
غريب و يابانجى گلن هر سۆزدن اوركمه مهلى، معين غرامر (دستور) پرينسپلرينه
كۆره دانيشما دىلیميزدن بىراز فرقلىمىش شكللىرى علاقه ايله ئويرنملى بىك.
يوخسا «دىل-أزبرى» بىلدىكلرىمزه كفايت لىسهك دىلیميزىن زنگىن ليگينه (غنى
اولماسينه) رغماً يوخسول قالا جاغيق.

ح.ن. آلتای

وقت تبریز

عراق و فارس گرفتگی به شعر تر حافظ
بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

در گسترده ادبیات ایران گویندگان به زبان‌های ترکی آذری، بلوچی، ترکمنی، عربی، فارسی، کردی و نیم‌زبانها یا لهجه‌های آشتیانی، تاتی، تفرشی، جوشقانی، خوری، خونساری، دزفولی، زازا، سرخه‌ای، سمنانی، سنگسری، شوشتری، شهمیرزادی، طالش، قهرودی، کاشی، گورانی، گیلکی، لاسگردی، لری، مازندرانی، محلاتی، نطنزی، یزدی کم نیستند و فراموش کردن این زبانها و لهجه‌ها و پرداختن تنها به زبان فارسی از نظر فرهنگی و وحدت ملی و سیاسی نادیده گرفتن اکثریت عظیم مردم ایران است. گردانندگان سیاست شصت سال اخیر ایران همه را فراموش کردند جز شوونیسم فارسی. کجا شنیدید که کتاب کودکان برای اطفال بلوچ و ترکمن و کرد و آذربایجانی بنویسند یا اجازه دهند که نوشته‌ها و گفته‌های آنان چاپ شود؟ کجا خواندید که امکان بدهند این اقوام تشکیل دهنده ملت ایران آزادی فرهنگی داشته باشند؟ ادبیات کلاسیک و کتبی جای خود دارد ادبیات شفاهی این مردم هم بزبان آنان چاپ نشد. اگر یکی دو مثل یا قصه چاپ کردند آنرا بزبان فارسی برگرداندند. این امر نه تنها دور از امانت و حتی خیانت به دانش و ادب است، اساساً برخلاف اصول و آئین جمع‌آوری و تنظیم فولکلور است. آنچه کرده‌اند در محدوده عراق و فارس است و سایر مناطق ایران که چهار برابر این محدوده است از قلم افتاده!!

اگر واقع‌گرائی در کار بود و اگر حس ملیت و ایرانیت داشتند این هموطنان را

فراموش نمیکردند. اگر حسن سیاست و تدبیر و احترام به شخصیت و حریت همه ایرانیان، نه همه فارسی زبانان، در کار بود لامحاله در ردیف «تاریخ ادبیات فارسی» و «شعروهنر فارسی» به یک واحد بالاتر و برتر، به یک عامیت و کلیت در سرزمین ایران توجه میکردند و «تاریخ ادبیات و شعر و هنر زبانها و لهجههای ایرانی» تألیف میکردند.

گرچه در کشور ایران و بسیط جغرافیائی این سامان زبان فارسی تقریباً زبان بین‌الخلق است اما از ۳۵ میلیون جمعیت ایران ۲۰ میلیون آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن، ارمنی، آسوری، بزبانهای اختصاصی، یا بهتر بگوئیم زبان مادری، حرف میزنند. ازینها دو قوم اخیر بزبان خود روزنامه و نشریه و کتاب و منبر مذهبی و تریبون علمی و فرهنگی دارند ولی بقیه که مسلمان هم هستند ازین حق طبیعی و ازین آزادی اولیه بشری و انسانی محرومند.

آیا میتوان مردم بلوچ و کرد و لر و ترکمن و خوزستانی و آذربایجانی را ازینکه بزبان خود سخن گویند و بزبان خود شعر سازند و آنها را چاپ کنند محروم ساخت؟! آیا میتوان فقط زبان و ادبیات فارسی را که اکثراً با آن آشنا هم نیستند برای آنان واجب و زبان قومی و مادری آنها را حرام دانست؟!!

ممنوع داشتن فرهنگ و زبان و هنر و ادبیات اقوام ساکن در محدوده جغرافیائی ایران جز امپریالیسم فرهنگی و استرقاق فکری و بقولی کاپیتولاسیون معنوی چیز دیگر نیست. چنین عمل ظالمانه و چنین طرز فکر قرون وسطائی و فراموش کردن شخصیت و هویت و گذشته و آینده این زبانها و صاحبان این زبانها دردنیای امروز محکوم به بطلان است.

در ایران گویند گانی داریم که به دوزبان یا سه زبان در سرزمین ایران شعر گفته اند و دیوان تألیف کرده اند. شعر به زبان محلی هم گوینده و هم خواننده و هم خواهنده زیاد دارد. فضولی بسه زبان ترکی و عربی و فارسی دیوان شعر دارد و خود چنین گفته است.

نیستم شرمنده، هر مهمان که آید پیش من
خواه از ترک آید و خواه از عرب خواه از عجم
یا شهریار استاد بزرگ معاصر که در زبان فارسی و هم در زبان ترکی آذری شاهکارها آفریده است و ذواللسانین یعنی سخنگویان به عربی و فارسی فراوانند.

نمیتوان استاد شهریار را به دلیل شعر گفتن بدوزبان دارای دوطرف فکر مخالف دانست بلکه باید بگوئیم دارای دوشخصیت ادبی است.

حال برگردیم به بیت حافظ و سخن را کوتاه کنیم. حافظ عراق و فارس را با «شعرتر» گرفته و کسی منکر این امر نیست ولی با پوزش فراوان از لحاظ واقع گرایی باید گفت که بغداد و تبریز را نتوانسته است بگیرد. زیرا اگر تحصیل کرده‌ها را که اقلیت اند کنار بگذاریم

واز عموم مردم سخن بمیان آوریم مواجه با يك اكثريت هستيم كه غزل حافظ از تسخير
و در برگيري آنها عاجز است. همين حال را دارد اشعار شهريار كه فارسي آن در آذربايجان
مال اقليت است و آذري آن مال نه تنها اكثريت بلكه همه آذري زبانان.

البته کسی توقع ندارد که حافظ ملزم بوده علاوه بر زبان فارسی بزبانهای عربی و
و ترکی هم شعر بگوید ولی کسی هم ملزم نیست توقع خیالی حافظ را واقع عینی تلقی کند. اما
آنچه از حافظ الهام گرفته میشود اینست که وقت تبریز رسیده است. وقت آن رسیده است
که فرهنگ تبریز، نغمه تبریز، شعر و هنر تبریز، ادبیات و فولکور تبریز و يك جمله شخصیت
وهویت تاریخی و اجتماعی و فرهنگی تبریز از زیر نقاب سیاه شصت سال دیکتاتوری بیرون
آید. آری وقت تبریز رسیده است.

آذربایجان ادبیات تاریخینده بیر باخیش.

یازان: دکتر جواد هیئت

۲

فضولی - ۱۶ اینجی عصرین ان بؤیوک و گورکملی آذری شاعری فضولی دیر. ناپل دانشگاهینین تورك، فارس و عرب دیللیرى استادى پرفسور آلسیو بومباسی (Prof. Alessio. Bombaci) فضولی نین شاه اثری صاییلان لیلی و مجنونون انگلیزجه ترجمه سی نین مقدمه سینده بئله یازیر: فضولی اگر تورك شاعرلری نین ان بؤیوی اولماسادا ان بویوکلریندن بیرى دیر.

فضولی نین آدی محمد وحله مفتی سی سلیمانین اوغلودیر. فضولی عراق تورکلریندن دیر بیات بویونا (بیات بویو اوغوز تورکلریندن اولوب سلجوقیلرله اورتا آسیادان ایرانا، عراقا و آناتولیه گلمیشلر.) منسوب اولوب حله ده دنیا یا گلمه سی محتمل دیر. شهرتی فضولی بغدادی دیر. فارسجا دیوانی نین مقدمه سینده فضولی دن شعر قوشماغی ایسته یین دوستونا بئله دییر: از من سودازده توقع این فن عجب است که مولد و مقام عراق عرب است. فضولی شاعرلیگه مشهور اولماقدان قاباخ او عصرده بؤیوک عالم معناسینی و ثرن ملامقامینا یوکسلمیش (ترفیغ) و بو آدلا مشهور اولموشدور.

سچدیگی فضولی تخلصی ایچون فارسی دیوانی نین مقدمه سینده بئله یازار: درابتدای شروع نظم هرچند روزی دل یرتخلصی می نهادم و بعد از مدتی بواسطه ظهور شریکی بتخلص دیگر تغییر می دادم . بنابر رفع ملا بست التباس (فضولی) تخلص کردم و از تشویش ستم شریکان پناه بجانب تخلص بردم و دانستم که این

لقب مقبول طبع کسی نخواهد افتاد که بیم شرکت او بمن تشویشی بتواند داد.
 کرد بدنامی مرا از اختلاط خلق دور عزلتم شد موجب مشغولی کسب هنر
 منت ایزدرا که شد نیک آنچه بد پنداشتم خار من گل خاک من زر گشت سنگ من گوهر
 فضولی شرق و اسلام عالمی نین اوچ اساسی دیلی یعنی عربی، فارسی و تورکی
 دیل لرینده شعر یازمیش و دو یغولارینی، فکر و عقیده لرینی گوژل و یتگین بیر
 دیلله بیان اتمیشدیر. تورکجه دیوانی نین مقدمه سینده دئیرکی: علم سیز شعر قالب
 بی روح و یا اساسی یوق دیوار کیمی اولور و اساس سیز دیوار غایتده بی اعتبار اولور.
 فضولی شاعر و عالم اولدوغو قدرده ظریف و خوش صحبت بیر رنددیر. فضولی
 تمام عمر ونده نه لایق اولدوغو حضور و رفاهی الله ائده بیلمیش نه ده کافی درجه ده
 بیر شهرت قازانمیشدیر. شیعه اولوب، شاه اسماعیلی تائید و اونون آدینا بنگ و
 پاده اثرینی یازدیغی حالدده صفوی لردن ده حرمت و التفات کورمه میشدیر. اساساً
 فضولی پادشاهلارا قوللوخچو و مداح اولان شاعر لردن دگیلدیر.

فارسجا یازدیغی انیس القلب قصیده سینده بئله دئیر:

چرا باید نهادن سربت عظیم کی و کسری چرا باید کشیدن منت از فقور و خاقانش
 بحکمت خالی از غیر خدا کن خانه دل را امین کعبه ات کردند بتخانه مگردانش
 فضولی ترکی و فارسی دیوانلاری نین مقدمه لرینده وئردیگی معلوماتا گوره
 بوتون عمر ونی حله و کربلا و بغداد دا کچیرمیش و عراق عربدن قیراغا چیخما میشدیر.
 دوغوم تاریخی قطعی بیلینمه دیگی حالدده (۱۴۸۹-۱۴۹۴). عهدی بغدادی تذکره-
 سی نین یازدیغینا گوره ۱۵۵۶ = ۹۶۳ داطاعون خسته لیگیندن اولموش و کربلا دا
 حضرت سیدالشهدا نین حرمی جواریندا دفن ائدیلمیشدیر. (کچدی فضولی) جمله سی
 فضولی نین وفات تاریخی گوستریر.

فضولی نین فضلی آدیندا شاعر اوغلو اولوب تورکجه و فارسجا و عربجه شعر
 یازمیشدیر، فقط شعر قدرتی باباسی قدر دگیلدیر. او زمانین موداسی اولان شعر
 ایله معاجیلیق و تاریخ یازمیشدیر. فضولی فارسی دیوانی نین مقدمه سینده اوغلو
 باره سینده بئله دئیش:

در حله دو شاعرند اکنون فضلی پسر و پدر فضولی
 عکس اند جمیع کار عالم فضلی پدر و پسر فضولی
 فضولی نین مذهبی شیعه اثنی عشریدیر. یازدیغی قصیده و مرثیه لرده (آل عبا
 مرثیه سی) و حدیقه السعدا دا بومسئله آیدینجا اوزونو گوستریر، فقط فضولی
 شعر و فکر جهتیندن نسیمی و جیبی نین تاثیر آلتیندا قالمیش و نهایت وحدت
 وجود فلسفه سینه اینانمیشدیر.

ادبی شخصیتی و اثرلری: فضولی نین ادبی شخصیتی رومانتيك بىر دورده و اجتماعى رمانتيزم ايچينده تشكىل اتمىدىر. بغداد مخرطى نين عصرلر بويى معروض قالدیغى تاريخى و اجتماعى بحرانلاردان باشقا امام حسين (ع) نين شهيد ائىلدىگى يرلرده دوغولوب بۇيون فضولى بومنطقهده ياشايان تاريخى اضطراب ميراثىنى سانكى (ائله بيل) تنفس اتميشدىر. شاعر بويله بىر محیطده انچتين حيات شرطلرى ايچينده يتيشميش و علم و ادبيات و تفكرده درين بيلگى (معلومات) و يوكسك (اوجا) عرفان و انسانلىق سويه سینه چاتمىشدىر.

فضولى نين ادبی شخصىنى باره سينده اثرلرى نين تدقيقى گوستريركى: اوز دئيش ايله آنادىلى تركى اولان فضولى عراق دا بۇيودوغى ايچون اوشاخلىقدان عربجه و فارسجاى و بوديللرين ادبياتىنى اؤرگنميش و عىنى زماندا علم كلام و معقول و منقول و حتى فلسفه و طب داخى تحصيل اتميش و بو وادى لرده سوز صاحى اولموشدور.

فكر و هنر ساحه سينده عطار، مولوى، جامى، نسيمى و حبیبى دن الهام اتميشدىر. مثنوى لرینده نظامى، جامى و هاتقى و غزل لرینده و قصيده لرینده سلمان ساوجى و جامى نين تاثيرىنى گؤرمك ممكن دىر. فقط بۇيوك شاعر مختلف الهام منبع لریندن آلدیغى مختلف عنصرلارى اوز شخصىتى ايله بيرلشديرىب تاماً خصوصى و شخصى هنر اثرلرى ياراتمىشدىر.

فضولى ده وحدت وجود ادايانان تلقى لر، الهامى نين منبعىنى تشكىل ائدر لاهوتى غزل لرینده و شاه اثرى اولان لىلى و مجنونوندا تقدیس و ترنم ائىلدىگى عشق، الهى و يا افلاطونى عشق دىر. شاعرین احساساتى ايله فلسفى-صوفىانه ماهیتده فكرى تربىتى بير بيريله چوق هم آهنگ بير طرزده امتزاج اتميشدىر. الم له متصف اولان بو الهى عشق فضولى نين روحوندا ياشاميش و اثرلرىنى ياراتميش و يا شاتمىشدىر. ايشته (۱) بوندان اؤتوروديركى احساساتىنى بيان- ائدرکن احتشام و صميمى ليگىنى محافظه ائدن شاعر قصيده لرینده كلمه او يونلارينا (بازى الفاظ) باش وورور و الهى هنرمند يرینه چوخ ماهر بير متفكر و هنرمند كسوتینده ظاهر اولور.

فضولى ليريزم (تغزل) شعرین استادى اولدوغو حالده غزل قوشماخلا اکتفا اتمه يىپ مثنوى و استعاره اى اثرلرده يازمىشدىر. آيريجا آذرى توركجه سينده بدیع نثرین نمونه لرینی ورمىشدىر.

۱- ايشته: اينك. فضولى نين ايشلتدىگى كلمه دىر.

فضولی نین عقیده سینه شاعر الهی بیر موهبتہ مظہر اولماسا بی عیب شعر
 قوشاماز فقط بو الهی موهبتی علم ایله بزمه مک و کامل لشدیرمک لازم دیر، زیراعلم—
 سیز شعر روح سیز جسمه بنزر، حقیقی شعر عشق دو یغو (احساس) لارینی ترنم اؤدن
 شعر دیر، بئله بیر شعرین ان او یغون (موافق و مطابق) شکلی غزل دیر.
 فضولی نین اؤز دئیشینه گوره ترکی دیوانی نین مقدمه سینده فضولی دن ترکی
 غزل ایستیهن بیر ترک گوزلینین دیلیندن بئله دئیر.

غزل دیر صفایخش اهل نظر	غزل دیر گل بوستان هنر
غزال غزل صیدی آسان دگیل	غزل منکری اهل عرفان دگیل
غزل بیلدیریر شاعرین قدرتین	غزل آرتوریر ناظمین شهرتین
گونول گرچه اشعاره چوق رسم وار	غزل رسمین ائت جمله دن اختیار
که هر محفلین زینتی دیر غزل	خردمندلر صنعتی دیر غزل
غزلدی که مشهور دوران اوله	او قومده یازمده آسان اوله.

فضولی شاعرین سس و ئرن بیر ساز، بیر موسیقی آلتی اولدوغونا اینانیر. شاعر
 بیر ساز اولونجا، بیر سازین محصولی بیرتوا، بیر خوش صدا اولاجاقدیر. شعر بو
 سازدان چیخان گوزل سس دیر.

فضولی شعر لرینده اؤز وجودوننی (نی) یه و چنگه بنزتیر:
 نی بزم غم ای ماه نه بولسان یله ور اودایانمیش قوری جسمیمده هوادان غیری
 بزم عشق ایچره فضولی نجه آه ایله مه ییم نه تمتع بولونور منده صادان غیرئ.
 نی کیمی جسمیم اولدی اوخوندان دلوک دلوک دم ووردوغو جایر لویریندن صدا وریر.
 بوده مکدیر که فضولیه گوره شعر کلمه لرله سویله نن بیر موسیقی دیر. داهاقاباخ—
 جان دئدی کلریمیزی ده حسابا قاتساق بویوک شاعر، شعرین احساس و فکر و موسیقی دن
 عبارت اولدوغونا اینانیر.

فضولی نین شعرینده دقتی جلب ائدن تم لر (موضوع) عشق، اضطراب، رندلیق،
 وفا، دینی و فلسفی فکر لردیر.

فضولی ده کی عشق، الهی عشق دیر و انسانی ابدیته قاووشدورور. (واصل ائدر)
 فضولی عشق دردیله خوشدیر. بودرده دوا ایسته مز، بونو مجنونون دیلیندن بئله
 سویلر: یارب بلای عشق ایله قیل آشنامنی بیردم بلای عشق دن اتمه جدامنی
 عشق وادی سینده حتی مجنوننی داهی اؤزوندن ایره لی گوره بیلمز:
 منده مجنوندن فزون عاشق لیک استعدادی وار عاشق صادق منم مجنونون آنجاق آدی وار
 بویوک عالم عشق باره سینده بئله دئیر:
 عشق ایتمیش هر نه وار عالمده علم بیر قیل و قال ایتمیش آنجیق.

فضولى دەكى عشق حزن و الم و اضطرابله عجيب اولموش و شاعرين روحونون
غذاسى حالينه كلميشدير:

جفا و جورايله معتادم آنلار سيز نه اولور حاليم جفا سينا حد و جور و ينه پايان اولماسين يارب،
بو احساس بغداد محيطلى نين تاريخى و اجتماعى رمانتيزم يله آسيليدير.

گرفتار غم عشق اولالى آواره دهرم غم عشقه منى بوندا بتر يارب گرفتار ائت
فضولى رند ليگيني و عارف ليگيني و دنيا و آريلق لارى قارشيسيندا (مقابلينده)

دور و موني بيان اتمك ايچون ليلي و مجنونون نه دير قافيه لى غزلى چون مناسبدير:
اؤيله سرمستم كه ادراك اتمه زم دنيا نه دور

من كيمم ساقى اولان كيم دور مى و صهبا ندور

گرچه جاناندا دل شيدا ايچون كام ايستهرم

سورسا جانان بيلمه زم كام دل شيدا ندور

حكمت دنيا و ما فيها بيلن عارف دگول

عارف اولدور بيلمه دنيا و ما فيها ندور

آه و فريادون فضولى اينجيد بدور عالمى

گر بلاى عشق ايله خوشنود ايسن غوغا ندور

فضولى نين انسانلاردا آرادىغى (آخداردىغى) بيرينجى فضيلت وفادير فقط

بونو تا پماد يغيندا چوق متاثردير. انسان وفاسيز ليغى نين دنيا نين وفاسيز ليغى نا

اويغون بير طبيعت اولدوغونو بيلير و بو فكرينى بئله بيان ائدير:

وفا هر كيمسه دن كيم ايسته ديم آندان جفا گوردوم

كيمي كيم بى وفا دنيا ده گوردوم بى وفا گوردوم.

فضولى اثر لر ينده دؤنه دؤنه پاخيلاردان، نانجيب و يارامازلاردان چكديكى

عذابلارى خاطر لادير سادا عدالتين و انسانيتين صون غلبه سينه محكم اينانيب و

هميشه بو ايناملا ياشا ياراق دئير :

حسود صورت احواليمه نظر قيلماز جفا قيلير من بيچاره يه حذر قيلماز

صانير كه ناله و زاريم اونا اثر قيلماز اونو مرور ايله عالمده در بدر قيلماز

زمانه ايچره مجرب دور انتقام زمان هميشه ياخشيه ياخشى و رريامانه مان

فضولى شعر لرى نين بير چوغوندا انساندا تجلى ايدن الهى گوزل ليكى صنم،

بت كيمي مفهوم لارلا افاده ائدير و بو الهى گوزل ليك قارشى سيندا بئله ترنم

اتميشدير :

سجده دیر هرکانده (۱) بیربت گورسم آئینیم منیم
خواه کافر خواه مؤمن دوت بودور دینیم منیم
اول بتابروسون قویوپ محرابا دؤندورم اوزوم

قوی منی زاهد منه چوخ ورمه تانریچون عذاب
اثرلری : داها اولده سویله دیگیمیزکیمی فضولی اوچ دیلده منظوم و منثور
اثرلر یازمیشدیر ، بونلاردان تورکجه و فارسجا دیوانلاریله بعضی کوچک مثنوی
اثرلر و لیلی و مجنون ایله حدیقه السعدا ، عصرلردن بری مختلف تورک خلقلری
آراسیندا یایلمیش و بویوک شهرت قازانمیشدیر .

تورکجه دیوانی: بودیوانین باشیندا تورکجه و فارسجه و عربجه بیت و منظومه
لرله تزیین ائدیلمیش منثور بیر مقدمه واردیر. مقدمه ده شاعرین شعر باره سینده
گوروش و دوشونجه و خاطره لرینی بیان اتمه سی شایان توجه دیر . مقدمه دن صونرا
عالمانه بیر بهار توصیفی ایله باشیلايان بیر توحید قصیده سی و اوندان صونرا
حضرت محمد ص بن مدحینده سویله دیگی قصیده لر واردیر

حضرت محمد ص باره سینده یازدیغی ان گوزلی صوت قصیده سی دیر

صاچما ای گوز اشگدن کؤنلومده کن اودلاره صو

کیم بودکلو (بوشکلده) دوتشان اودلاره قیلماز چاره صو

آبگوندر گنبد دوار رنگی بیلمه زم

یا محیط اولموش گوزومدن گنبد دواره صو

ذوق تیغیندن عجب یوق اولساگونلوم چاک چاک

کیم مرور ایله بیراقور رخنه لر دیواره صو ...

... سید نوع بشر دریای در اصطفا

کیم سپو بدر معجزاتی آتش اشراره صو .

صونرا حضرت علی ع ایچون دئدیگی (قصیده درمدح شاه ولایت) گلیر

دیگر قصیده لری ۱۲ امام مدحینده و بغداد و سلطان سلیمان قانونی نین

مدحینده و صونرا بغداد والی سی ایاس پاشا و او دورون بیرنچه مهم آدملاری ایچون

یازمیشدیر. بغدادین ۱۵۳۴ = ۹۶۱ هـ ده سلطان سلیمان قانونی طرفیندن فتحیندن

صونرا یازیلان بو قصیده ده فضولی بغدادی برج اولیا یابنزه تیر:

اولیا برجی دئمیش زیرا که خاک اشرفی بقعه بقعه اولیا ع الله اولموش دور مزار

فضولی نین شعر قدرتی داها چوخ غزل لرو مسمط (۱) لرینده اؤزونو گوستریر .
 تورکجه دیوانیندا ترکیب بند (۲) شکلینده دئیلمش منطومه لرده ایچینده
 مرثیه آل عبا دئیلن کربلا مرثیه سی صو قصیده سی عیارینده دیر و شاعرین پنج تن
 آل عبا یا بسله دیگی درین محبتی گوستریر .

ماه محرم اولدی مسرت حرامدیر ماتم بوگون شریعته بیراحترامدیر
 تجدید ماتم شهدا نفع سیزد گل غفلت سرای دهرده تنبیه عامدیر
 غوغای کربلا خبرین سهل صانمه کیم نقض وفای دهره دلیل تمامدیر
 هر ذره اشک کیم دوکولور ذکر آل ایله سیاره سپهر علو مقام دیر
 هرمد آه کیم چکیلور اهل بیت ایچون مفتاح روضه در دارالسلام دیر .
 شاد اولماسون بو واقعه ده شادا اولان کونل بر دم بلا و غصه دن آزاد اولان کونول

فضولی دیوانیندا ، غزل لردن ، ترکیب و ترجیع بند لردن ، مسدس ، مخمس
 و مریع لردن صونرا گلن شعرلر ، قطعه لر و رباعی لردیر .

فضولی نین کلیاتیندا یوخاریدا صایدیقلا ریمیزدان باشقابنگ و باده ،
 شکایت نامه ، ساقی نامه و لیلی و مجنون واردیر .

فضولی نین اناسکی (قدیم) و کامل کلیاتی ۱۵۸۹ = ۹۹۷ ایلینده بغداددا ال ایله
 یازیلیپ و بوگون لنینگراد آسیا موزه سی ال یازمالاری آراسینده ادیر .

تورکیه واروپا کتابخانه لارینده مختلف ال یازماسی نسخه لری واردیر . فضولی نین
 دیوانی ابتدا بولاقد (قاهره) ۱۲۵۶ دا و تبریزده (۱۲۴۷) و استانبولدا (۱۲۶۸)
 چاپ اولموشدور . صونرا دفعه لرله یوخاریداکی شهرلرده و هابله باکودا باسیلمش دیر .
بنگ و باده: حشیش ایله شراب آراسینده بیر مناظره دن عبارت اولان بو
 مثنوی فارسجا یازیلیمیش و شاه اسماعیله اتحاق اندیلمیش دیر . بواثر . ۵۰۰ بیت
 دیر و شاعرین جوانلیق اثرلریندن دیر . اثرده باده جوان و جوشغون روحلو بیر
 پادشاه اولان شاه اسماعیلی و بنگ (حشیش) ده ، آغیر باشلی و حرکت سیز و متوکل
 سلطان صانیلان ایکینجی بایزیدی تمثیل ائدر . بو مناظره و ساوشدا باده مغلوب
 واسیر اندیلمیش دیر .

۱- مسمط : بش مصرعی بیر قافیه لی و آلتینجی مصرعی آیری قافیه سی اولان

شعر .

۲- ترکیب بند : شاعر بیرنچه بیت موافق بحرده و مختلف قافیه لرده سویله دیگدن
 صونرا (بیر بند) بیر غیر مکرر تازه بیت سویلر .

ساقی نامه یا هفت جام : یدی قدحین نشه سینی ترنم ائدن بو فارسی مثنوی
۳۱۸ بیت دیر . ۳۱ بیتینده، منه شریعته نظام ورن شرابی ور، شریعته حرام اولان
شرابی یوخ دئیر . ساقی نامه بئله باشلا ییر :

سر از خواب غفلت چو برداشتم لوای فراست برافراشتم
فکندم به آثار حکمت نظر به معموره صنع کردم گذر
ندیدم به از میکرده منزلی چو پیر مغان مرشد کاملی
باو دوش نالیدم از جور دور که برمن چرا می کند دور جور
خرده مند پیری پسندیده رای زکارم چنین گشت مشکل گشای
که در رشته آرزویت گره ز عقل است بر دور تهمت منه
خرد را خیالات بیموده هست خلاف قضا هر خیالی که هست
بدارالشفای مغان آرزوی مداوای آن علت از باده جوی

شاعر ۳۵ بیتلیک بیر مقدمه دن صونرا مثنوی سینی یدی قسمت ده سویلر و نی
دف ، تار و چنگ ، عود ، طنبور و قانون کیمی سازلارلا و مطربله مناظره ائدر .
اثر کاملاً صوفیانه دیر و شاعرین موسیقی و میتولوژی (اسطوره شناسی) معلوماتینی
ده گوستریر .

غزلیات : فضولی نین غزلیاتی و لیلی و مجنوننی اونون شاهکار لاری صاییلیر.
داها اولده بو باره ده بحث ائتدیگیمیز ایچون فقط بیرنچه غزل نقل ائدیریک :

یارب همیشه لطفینی ائت رهنما منه
گوسترمه اول طریق که یتمه ز سنا منه
قطع ایله آشنا لیغیم آندانکه غیر در
انجق اوز آشنالرین ائت آشنا منه
بیر یرده ثابت ائت قدم اعتبار یمی
کیم رهبر شریعت اولا مقتدا منه
یوق من ده بیر عمل سینه شایسته آه اگر
اعمالیمه گوره ویره عدلین جزا منه
خوف خطر ده مضطربم وار امید کیم
لطفون وره بشارت عفو و عطا منه
من بیلمه زم منه گرکن (لازم اولان) سن حکیم سن
منع ایله ویرمه هر نه گر که ز سنا منه
اول دور منه مراد که اول دور سنا مراد
حاشا که سندن اوزگه اولا مدعا منه

حبس هوا ده قويمه فضولى صفت اسير
 يارب هدايت ايله طريق فنا منه
 كونلوم آچيلور زلف پريشانينى گوركج (گورجك)
 نطقوم توتولور غنچه خندانينى گوركج
 با قدجه سنا قان صاچيلور ديدة لر يمدن
 باغريم ده لنور نساوك مژگانينى گوركج
 رعنائيق ايله قامت شمشادى قيلن يساد
 اولماز مى خجل سرو خرامانينى گوركج
 چوق عشقه هوس انده نى گوردوم كه هواسن
 ترك ائتدى سنيين عاشق نالانينى گوركج
 كافر كه دگيل معترف نار جهنم
 ايمانه گلور آتش هجرانينى گوركج
 نازلى ليك ايله غنچه خندانين ائدن ياد
 اتمه ز مى حيا لعل بدخشانينى گوركج
 سن حال دلين سويلمه سن نولا فضولى
 ايل فهم قيلور چاك گريبانينى گوركج
 رمضان اولدى چكوب شاهد مى پرده يه رو
 مى ايچون چنك دو توب تعزیه آچدى گيسو
 بيلدى مطرب كه نه دير حال گوتوردى قوپوزون (۱)
 بزمى بزمى چكيدى اياغينى صراحي و سبو
 بزم قانونى پوزولدى نه ايچون چنگله دف
 يغليوب (۲) ايتيمه لر حاكم ايشيكنده غلو
 رمضان آيى گرك آچيله جنت قاپوسى
 نه رواكيم اوله ميخانه قاپوسى بفلو (باغلى)
 فتح ميخانه ايچون اوقيه ليم (اوخوياق) فاتح لر
 اوله كيم يوزوموزه آچيله بير بفلوقپو (قاپو)
 آفتاب قدخ اتمه ز رمضان آيى طلوع
 نه بلادر بيزه يارب نه قره گوندور بو

۱- سازينى .

۲- ييغليوب .

انتظارمی گلگون ایله بایرام آینه
 باقه باقه (باخاباخا) اینه جکدیر گوزو موزه قره صو
 رمضان اولدو بودوروهمی فضولی نین کیم
 نیچه گون ایچمیه می زهدایله ناگه دوته خو
 اشاغیداکی مشهور غزلی باکودا بؤیوک بسته کار (آهنگساز) عزیز حاجی
 بیک اف طرفیندن بسته لنمیشدیر (نوتا آلینمیشدیر).
 منی جانان اوصان دیردی جفادان یار اوصانمازمی
 فلکلر یاندی آهیمدن مرادم شمعی یا نمازمی
 قمو (هامی) بیمارینه جانان دوا ددر دادر احسان
 نیچون قیلماز منه درمان منی بیمار صا نمازمی
 شب هجران یانار جانیم دو کرقان چشم گریانیم
 اویادیر خلقی افغانیم قرا بختیم اویا نمازمی
 گل رخسارینه قارشی گوزومدن قانلو آقار صو
 حبیبم وقت گل دیر بو آخار صولار بولا نمازمی
 غمیم پنهان دوتردیم من دئدیلم یاره قیل روشن
 دیسه م اول بیوفا بیلمم اینانورمی اینا نمازمی
 دگیلیم من سنامایل سن ائتدین عقلیمی زائل
 منه طعن ایلیهن غافل سنی گورکچ اوتا نمازمی
 فضولی رندشیدادیر همیشه خلقه رسوادیر
 سورون کیم بونه سودادیر بوسودادان اوصانمازمی

لیلی و مجنون - مثنوی طرزینده یازیلان بو عشق واضطراب اثری فضولی نین شاه اثری صاییلیر . اسکی عرب افسانه سی اولان لیلی و مجنون فضولی دن قاباق نظامی ، جامی و هلالی و هاتفی کیمی ایرانین بؤیوک شاعر لری طرفیندن نظمه آلینمیشدی . تورکجه ایلك دفعه ۱۵ اینجی عصرده جفتای شاعری علی شیرنوائی طرفیندن یازیلدی فقط فضولی بوتورکجه مثنوی دن خبری اولمادان بوایشه باشلادی . اوزونون دئدیگینه گوره ایکی روم (تورک) ظریفی اونو بوایشه تشویق ائتدیلمر . بوایکی تورک ظریفی سلطان سلیمان قانونی ایله بغدادا گلن تورک شاعر لری خیالی و یحی بیک اولماسی چوق محتمل دیر :

لیلی و مجنون عجم ده چوقدور اتراک ده اول فسانه یوقدور
 تقریره گتور - بو داستانی قیل تازه بو اسکی بوستانی .
 بو مثنوی مفعولون مفاعیلون فاعولون وزنینده یازیلیمیش و آرالارینده مختلف

وزنلرله يازيلميش غزللر وعاشق ومعشوق آراسينده يازيلان، مربع، ايكي مکتوب واردير. اثرين باشيندا منظوم ومنثور كوچك بير مقدمه واردير.

فضولى بو اثرده نظامى دن چوق هاتفي نين لیلی ومجنونونى اؤرنك قرارورميش فقط اثرين ترتيب و تحريرينده مهم ابتكارلار ايشله نميش و اثره ملی و اوريتريال بير رنك ورميشدير. اثر ۱۵۳۵ ده تماملانيپ صدراعظم ويس پاشايا اتحاف ائديلميشدير. بو اثر ايلك دفعه ۱۸۴۴ ده تبريزده صونرادا استانبولدا و باشقايرلرده چاپ اولموش و انگليزجه و آلمانجا و روسجايا ترجمه ائديلميشدير.

فارسی ديوانی: تورکجه ديواندا اولدوغو کیمی كوچك شعرلرله برابر منثور بير مقدمه وارديركى فضولى باره سينده مهم معلوماتی احتوا ائدر. بو مقدمه ده فارسی غزللری ايچون بئله يازميش: مدتی بسرودن اشعارترکی و عربی و قصائد و معمای فارسی گذرانيدم تاآنکه روزی گذارم بمکتبی افتاد. پری چهره ای فارسی نژاد چون توجه من دید ازگفتهای من چند بيتی طلبید. من نیز چند بيتی از عربی و ترکی باو ادا نمودم و لطایف چند نیز از قصیده و معما براو فرودم. گفت که اینها زبان من نیست و بکار من نمی آید، مرا غزلهای جگرسوز عاشقانه فارسی می باید:

ابهام در معانی و اغلاق در کلام
کار اکابر و علمای زمانه است.
تاب عذاب فکر ندارند دلبران
مرغوب دلبران سخن عاشقانه است.

بی تکلف از این سخن مرا خجالتی دست داد و آتشی دردل افتاد که خرمن اندوخته مرا همه بسوخت و در شبستان خیالم شمع شوق غزل فارسی برافروخت. بئله نظره گلیرکی بو دیوان هنوز ایراندا چاپ اولماميش. ال یازما نسخه لری آذربایجان، تورکیه و اروپا کتابخانه وموزه لرینده موجود دیر. لنینگراد کلیاتیندادا فارسجا ديوانی واردیر. ۱۹۶۲ ده آنکارادا پرفسور حسیبه مازی اوغلو طرفیندن بير انتقادی Edition Critique چاپ و نشر ائلميشدير. بو ديواندا ۴۹ قصیده و ۴۱۰ غزل، بير ترکیب بند، بير مربع، بير مسدس، ۴۶ قطعه و ۱۰۵ رباعی واردیر. **عربجه ديوانی:** فضولی نين عربجه ديوانی اولدوغو تکجه صادقی تذکره سينده يازيلميشدی. صون زمانلاردا لنینگراد کلیاتیندا عربجه ديوان تاپیلدی. بو کلیات حقیقنده ايلك معلوماتی روس عالمی E. Berthels برتلس (۱۹۳۰) ورميشدير. ۴۶۵ بيت دن مرکب اولان بو ديواندا اون بير قصیده و بير خاتمه واردیر.

قصیده لرین يديسی حضرت محمد و اوچوده حضرت علی نين مدحینده يازيلميشدير. فضولی نين فارسجا و عربجه شعرلری تورکجه شعرلری عياریندا دگیلدير. هله عربجه اولانلارین کالیته سی داها آشاغی دیر.

حديقة السعدا: كربلا فاجعه سینی شرح وثره من منظوم پارچالارله تزیین ائدیلمیش تورکجه منشور بیر اثر دیر. شاعر بو اثر ایچون حسین واعظین روضه الشهدا سینی اؤرنک سچمیش فقط اثر اؤرنکدن ده اوستون (برتر) اولموشدور .

حسن و عشق ویا روح نامه: فارسجا یازیلیمیش و طب باره سینده معلومات وثریر. **شکایت نامه:** تورکجه منشور بیر مکتوب دیر . نشانجی جلالزاده مصطفی چلبی یه یازیلدیغی ایجون نشانجی پاشا مکتوبو آدیله مشهور دیر.

بو مکتوبی اوقاف تخصیصاتیندان مقرر یسی نین وثریلمه دیگی ایچون یازمیشدیر. ۱۶ اینجی عصرده تورک نثری نین شاه اثری صاییلان بو مکتوب بیر کوچوک منظوم پارچارله سوسلنمیشدیر (تزیین ائدیلمیشدیر). بو مکتوبون ان چوق بیه نیلن پارچالاری بونلاردیر:

حضورلارینه گتدیم، بیر جمع گوردوم ، حکایتلری پریشان ، نه صفادان آندا اثر ونه صدق دن آندا نشان وار. سلام وثردوم رشوت دگولدور دیوآلمادیلار. حکم گوستردیم، فائده سیز دیر دیو ملتفت اولمادیلار. اگر چه ظاهرده صورت اطاعت گوستردیلر اما زبان حال ایله جمع سئوالیمه جواب وثردیلر.

مطلع الاعتقاد : علم کلام باره سینده بیر رساله دیر و فضولی نین مذهبی اعتقادینی آنلاتیر.

انیس القلب : ۱۳۴ بیتلی فارسی بیر قصیده دیر. بو قصیده نی ایران طرفیندان سلطان سلیمانا گوندرمیشدیر .

تورکجه - فارسجا منظوم لغت - لاهوردا پنجاب دانشگاه کتابخانه سینده بیر مجله ده فضولی یه منسوب تورکجه فارسجا لغت چاپ اولموش فقط اوزرینده هنوز علمی تحقیق ائدیلمه میشدیر. (پرفسور فاخرایز. انکارا).

تأثیرلری: عمر و نون چوغونی آذربایجان ادبیاتینا وقف ائدن بیوک تورک عالم و ادیبی پرفسور فواد کوپرولو اسلام آنسیکلوپدی سینده فضولی حقیقته بئله یازار: تورک ادبیاتی نین مختلف ساحه لرینده عصرلردن بری فضولی قدر تاثیر بورا کمیش شاعر چوق آزدیر. نسیمی و نوائی دن صونرا فقط فضولی دیرکی تورک دنیاسی نین هر طرفینا اثرلری یاییلمیش ، اوخونموش، سویلمیش ، تقدیر ائدیلمیش و نظیره لر یازیلیمیشدیر .

یالنیز فضولییی یتیشترین آذری ساحه سی دگیل، عثمانلی و جفتای ادبیاتلاری دا عصرلردن بری اونون قوتلی نفوذو آلتیندا قالمیشدیر .

فضولی تاثیرلی تکجه یوخاری ادبی محیط لرده و کلاسیک شاعرلر اوزرینده قالما ییپ ساز و تکیه شاعرلری واسطه سیله گنیش خلق کوتله لرینه یاییلمیشدیر .

فضولى نىن ان چوق ايشلتيديغى وزنلر و نظم شكللرى عاشق ادبياتينا گريپ ،
اونون تفكر واحساس خصوصيتلرى ساز شاعرلرينه انتقال اتميشدير . جوان عاشقلار
فضولى نىن غزللرينى اوخورو اوڭز تخلص لرینی اونون ديوانيدان سچميشلر .
فضولى نىن باره سينده كچن عصرين آذربايجانين بويورك شاعرى وقاباخجيل
متفكرى سيد عظيم شىروانى نىن يازديغى تذكرة دن آلينان مقاله يى آشاغيدا عينا نقل
انده جئيك .

فضولى باره سينده سوزلر يى آشاغيدا كى ايكى سئوال ايله بيتيرمك ايسته ييرم :
۱- بوتون دنيا شاعرلرينى واسكى دن برى ياراتديقلارى اثرلرى تدقيق ائدرسك
نچه شاعرين فضولى كيمي اوچ ديلده شاه اثرلر ياراتديغىنى گوره ريك .
۲- بيزيم گوزل ديلموزه خورباخانلار و زنگين ادبياتيميزى دانانلار فضولى نىن
ديلميزده يازديغى منظوم و منثور اثرلرى اوخويوب آنلايابيلسه لر اوزلريندن
اوتانارلارمى .

نامام

منابع و مراجع :

- ۱- كليات ديوان فضولى . استانبول ۱۳۰۸ ه.ق .
- ۲- كليات ديوان فضولى . تبريز ۱۲۸۶
- ۳- فضولى : اسلام آنسيكلوپديسى . جلد ۴ . پروفيسور فوادكوپرولو . استانبول .
- ۴- محمد فضولى : علمى تدقيقى مقاله لر . وفاتى نىن دؤرت يوزايلليگى مناسبتيله .
آذربايجان ادبيات نشرياتى ۱۹۵۸ . باكو .
- ۵- رسيملى تورك ادبياتى تاريخى . ن . سامى . بانارلى . جلد ۷ . دولت كتاب
اوى . استانبول .
- ۶- ديوان فارسى فضولى - پروفيسور حسيبه مازى اوغلو . ۱۹۶۲ انكارا .
- ۷- ۱۶ اينجى عصر آذرى لهجه سى ادبياتى نىن باشليجا ممثل لر يندن فضولى
نىن حياتى و اثرلرى . اسلامى تورك ادبياتى . دكتور نجلاپك اولجاي . استانبول ۱۹۶۸ .
- ۸- فضولى يه دائر . اولومونون ۴۰۰ اونجى ايل دؤنومى مناسبتيله يونسكو
تركيه مىللى كميسيونى طرفيندن يايلىميشدير .
- استانبول معارف باسيلم اوى . ۱۹۵۹ (ادبيات اوزرينه مقاله لر . احمد حمدى تان ينار)
- ۹- غم كروانى . فواد قاسم زاده . فضولى نىن دنيا گوروشو . باكو ۱۹۵۸
- ۱۰- Leyla and Majnun FUZULI.
Translated by SOFI HURI.
Introduction and Notes by ALLESSLO BOMBACI. LONDON.
1970. C. UNESCO.

محمد فضولی

سید عظیم شیروانی نین تذکره سیندن

شکوفه بوستان بلاغت و سبزه نوبهار حسن عبارت شعرای فصاحت شعارلار استادی یعنی جناب ملا محمد بغدادی فضولی تخلص الحق کی شیوه اختراع نظم دلکشده و بیشه عبارت شعر بی غشده بیر یگانه عصر و وحید دهر دیر که اول حکیم بی نظیر دن زمان ظهوریندن بو آنه کیمی **ممالک روم و طایفه اتراکده** شاعری و ناظمی قدم عرصه وجوده باصمایدیر که گوهر اشعاری نین مقابله سین و در شاهوار نظمین نظیریه سین رشته تحریره چکسین و شاهد طبع موزون دل آراسی بیر دوشیزه دلفریب رعنا دیر که زینت رخسارینه مشاطه توصیف و قاضی تعریف احتیاج و نرگس شهلاهی دلرباسی سرمه اوصافه محتاج دگیلدیر. آثار انوار ماده قابلیت و استعداد شیوه نظم و فنون نثرده حسن عبارت دل نشین و لطف بلاغت خاطر نشانیندن کالشمس فی وسط النهار نزد صغار و کبارده هویدا و آشکار دیر.

الان تصانیف بلاغت ردیف لریندن صفحه روزگاردان مشهور اولان (ساقی نامه) سیندن علاوه ۶ جلد کتابدور که هر بیریشش جهاتده بی نظیر دیر. اول **(حدیقه السعدا) نثر ترکی** که انبیاء - عظام و اولیاء کرامون مصائب و ابتلاسی بیانینده دیر.

دوم کتاب **(صحت - مرض) نثر فارسی** که حکمت آمیز اولان عباراتیندن مطالعه اتدیکجه قالب بی روح لارجانه گلور.

۱ - محمد فضولی - علمی تدقیقی مقاله لر. وفاتی نین ۴۰۰ ایللیگی مناسبتیه . آذربایجان دولت نشریاتی. باکو ۱۹۵۸.

سوم دیوان غزلیات و قصائد فارسی دور که حسن عبارتده فارسی میدان فصاحت و بلاغت دور.

چهارم دیوان غزلیات ترکی دیر که شرف مطالعهسی محافل عرفا و مجالس بلغایه زیب زینت دور.

پنجم کتاب (لیلی و مجنون) نظم ترکی که داستان لیلی و مجنون کیمی شهره آفاق دور.

ششم خطاب (بنگ و باده) نظم ترکی که رموزات و اسرارده صفحه آفاقدہ تاقدور.

او بزرگوار و الاتبارون تولد شریفی خاک کربلائی معلاده اولوب عراق عجمده^۱ نشوونما بولدوقدا سلطان سلیمان پاشا امید عاطفت لریله آهنگ روم و قسطنطنیه ادیب پاشای مذکور حضرتلریندن نومید مراجعت ائتدیکنده صفحات رومده تاریخ^۲... وداع دارالغرور ادیب عازم خانة سرور اولموشدور^۳. طاب الله سراه و جعل جنته مسواه^۴ و اوجنابین مذهب جعفری دن اولدغو هویدا و آشکار دیر حین مراجعتده پاشا حضرتلرینه شکایت آمیز یازدیغی اشعار لریندندور.

بنده کمترین فصولی زار
ساکن گوشه قناعت ایدیم .
ذوق اهل طمع تمناسی
طالب رفعت مقام ائتدیم
مظهر لطف پادشاه بولام
حسد اهلینه پایمال اولورام
سفهایه ملازم اولماق ایمیش
قید درگاهه اقتدا ایلر
رخت امیددی جمله غارت اولور

عرض ائدر خاکسار بی مقدار
که مقیم مقام عزلت ایدیم
باشما دوشدو جاه سوداسی
هوس کسب ننگ و نام ائتدیم
ایسته دیم که علو جاه بولام
بیلمه دیم که شکسته حال اولورام
جمع اشرا ره خادم اولماق ایمیش
کیم که الله دن ابا ایلر
حاصلی ذلت و خسارت اولور

۱- عراق غرب دوغرو دور.

۲- بورادا ال یازمادا تاریخین یری بوش بوراخیلمیشدیر.

۳- باشقا منابعده فضولی نین عراق عربدن خارجه گتمه دیگی قید ائدیلمیشدیر.

۴- ماواه دوغرو دور.

استاد شهریار و قاچاق نبی

استادشهریارین آذربایجانین معروف خلق قهرمانی «قاچاق نبی» حقنده یازدیغی شعرى قاچاق نبی داستانیندان آلدیغیمیز پارچالارلا بیرلیکده چاپ ائدیریک. نبی و اونون حیات یولداشی هجرین خلاصکار و ایگیت سیماسی آذربایجانین کندلی عصیانلارینین جانلی حماسه لریندن در.

قاچاق نبی داستانیندان:

نبی چیخیب سیلدی ریمین داشینا
دوستون - آشناسینی ییغیب باشینا
آینالی تفنگی باسیب دؤشونه
قوی سنه دئسینلر آی نادان نبی
دیوانی یشریندن اوینادان نبی

نبی نین گؤزلری آلا دی آلا
قوچ نبی اولوبدی دشمنه بلا.
نبی نین مسکنی اوجا بیرقالا.
قوی سنه دئسینلر آی قاچاق نبی
هجری نوزوندن آی قوچاق نبی

نبی نین قاشلاری قارادی قارا
دشمن اوره گینه و وروبدی یارا
بگلری خانلاری گتیریب زارا
قوی سنه دئسینلر آی نادان نبی
دیوانی الینده اوینادان نبی

نبى نىن بوغلارى ائشمە - ائشمەدى
پاپاغى گوللەدن دئشمە - دئشمەدى
نبى نىن بوز آتىن ھىچ آت گىچمەدى
قوىسنە دئسىنلر آى نادان نبى
تفنگى ھا وادا اوينادان نبى

نبى نىن بىرچكى اوئىما - اوئىمادى
اوھجردن، ھجراوندان دوئىمادى
قىردى دشمنلرى بىرىن قوئىمادى
مرد ايگىتلرداردان قورتارار نبى
دشمن اوئىستە گوللە ياغدىرار نبى

استاد شھرىاردان:

قاچاخ نبى

قوشولاخ قوشلارا بىراوچاخ نبى

*

آنالار بشىگىن ساتا بىلمىسن
غىرتون قىربانى آى قوچاخ نبى

*

ھىرئقشە چكىدەسە ئقشە سىن پوزدون
غم يوكون چاتمىشام دوركچاخ نبى

*

قالالار اوچالدى قارانلىق سالدى
ھىمتون اوچادىر، دام آلچاخ نبى

*

قالسادا فاشادىردوئىماز اوئىناشدان
زندانى قازمىشام دورقاچاخ نبى

*

گوردون كە دوستون يوق ھىپسى دشمندىر
اوندانئىدال چكىپ واز گچاخ نبى

دور قفس قاپوسىن بىرآچاخ نبى

قازامات ائىسىدى ياتا بىلمىسن
آتالار يوردونى آتا بىلمىسن

اون بش ائىل گاورىن ظلمىنە دۇزدون
شىمدى كە اوبادان ائىلدىن ال اوزدون

دۇرت بىردورە مىزى سالداتلار آلدى
زندانون ائىشىق سىز، گونشسىزقالدى

بىركسون قالمىوب يارىولسداشدان
گجەلى آشمالى بوداغدان، داشدان

ددىن بس وئىندە، سابىق وئىندىر
وئىندن قالان بىرقورى كوشندىر

۱- زندان

چۇللردە چكەمىشىدىم وطن ذلتىن
قىرىرام وطنىن ، ايپىن ، الفتىن

گرىمىش ئوزىندە چكىم غربتىن
جگردن آيسرىلمىر، بىرپىچاخ نىبى

*

وطنىن دويمشام نىبى قىناما
دورگوروم بوآغاچ بنزىر آناما

دورگىك بوخالقى آرتىق سىناما
تلىندىن قوى قىرىم بىرپىچاخ نىبى

*

هارالى اولمالى ، بىلە بىلمىدىك
بىردە بىز بويانا گله بىلمىدىك

قانلارىن لكه سىن سىلە بىلمىدىك
آرازىن سويوندىن بىرپىچاخ نىبى

غىرتون قربانى آى قوچاخ نىبى

مدىنە گلگون

يادىمادوشدى (۱) ...

دىنلەدىم سىنى فرحله ، شاعر ،
اودسالدىن سىنمده هرثله شاعر ،

اوحزىن بولاقلار يادىمادوشدى ،
ياخىنلار، اوزاقلار يادىمادوشدى ...

بىلمىم سئوينجىدن ، بوخساقهرىدن ،
كئىچدىم قاراداغدان ، كئىچدىم اهرىدن ،

سىنىن آخارى قىرىلدى هرىدن .
ايگىتلىر ، قوچاقلار يادىمادوشدى ...

خىالىم دولاندى حيدر بابانى
بىرآندا قاينادى قلىمىن قانى ،

اوبويوك ، مقدس اتلى ، اوبانى ،
اويانان اوجاقلار يادىمادوشدى ...

گلگون ، قوى كونلوموزدىل آچسىن يىنە ،
بىرپىرام هاواسى دولدى وطنە ،

بوالفت مژده لر گىرمىش منە .
قندىللىر ، چراغلار يادىمادوشدى ...

۱- مدىنە بوشعرى استادشهرىارىن «حيدر بابا منظومه سىنى» شاعرىن ئوزسى ايله
دىنلەدىكى زمان دئىمىشدىر. شعر ۸ قىطعه دن عبارتدر. بىز بورادا اونون ۴ قىطعه سىنى گىره بىلدىك.

پس از نقل صفحاتی از کتاب «گذشته آئینه آینده است» تحت عنوان «فصلی از يك كتاب» در شماره قبل که ادامه آن به این شماره نیز رسیده است، برخی از همشهریان عزیز، ضمن نامه و حضوراً گله مند بودند که چرا به توهین‌ها و تحقیرهایی که در دوران استبداد پهلوی و سلطه ستم ملی به خلق آذربایجان روا گشته پاسخ شایسته داده نمی‌شود. در جواب همشهریان عزیز لازم است خاطر نشان سازیم که جواب کارهای زشت و غیر انسانی این ایادی پلید و فرومایه استبداد ضمن نوشته‌ها و سخنرانی‌ها داده شده و بعد از این نیز با ذکر موارد و شواهد داده خواهد شد. بهر صورت از این یادآوری که نموداری از احساس پاك و وطنخواهی همشهریان عزیز است، سپاس داریم.

فصلی از يك كتاب (۲)

زمینه تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان :

۱- چنانکه گفته شد ایران مسکن اقوام و ملل گوناگونی است. این اقوام و ملل ضمن داشتن وجود تمایز مانند زبان، فرهنگ، آداب و رسوم - وجود اشتراکی رانیز دارا میباشند که زندگی مشترك آنها را در طول تاریخ میسر ساخته است. آنها در سرزمین بهم- پیوسته ای قرن‌ها کنار هم زندگی کرده، دردها و رنج‌ها - آرزوها و خواسته‌های مشترکی داشته، اقتصاد واحدی بنا نهاده و با پشتگرمی همدیگر با دشمنان خارجی و ستمگران داخلی مبارزه و ستیز کرده‌اند و از زاد و بوم خود که ایران نام دارد دفاع نموده‌اند. انکار و عدم توجه بهريك از این وجود، ثمره‌ای جز فاجعه و مصیبت برای مردم کشورمان نداشته و نخواهد داشت و آنچه توفیق مبارزه ضد امپریالیستی مردم این سازمان را تضمین میکند، تکیه بوجوه اشتراك است نه وجوه افتراق. درگیر و داران انقلاب مشروطیت و در دوران و انقراضی که مدعیان دروغین آزادی و مشروطیت هر يك بزیر پرچم بیگانه‌ای پناه می‌برند؛ آذربایجان فرزند رشید و غیر تمند ایران، فرزندی که از شما دید نهراسید و با استقبال مرگ شرافتمندانه شتافت تا مشعل آزادی را فروزان نگاهدارد و از محله امیرخیز شهر آزاده تبریز مشروطیت را بسراسر ایران بازگرداند، هموطنان خود را چنین ندا در داد: «ندای آذربایجان به عموم ولایات محروسه ایران

«... ما ملت آذربایجان که در این راه پیشقدم بوده و خود را فدیة آزادی نموده ؛ لازم میدانند که به برادران مهربان اصفهانی و گیلانی و تنکابنی و خراسانی و استرآبادی و

شیرازی و همدانی و کرمانشاهی و بالاخره طهرانی خود در این مدت باریک نکته مهم را که قبله توجه همه اولاد وطن باشد اعلام نماید و آن اینست:

ایران چرا در حال انقلاب است؟ خون اولاد ایران، در راه چه مقصود مقدس متحد مثل سیل جاری است؟ قربانیهای معصوم که نخبه و سرخیلان ملت نجیب ما بود، گله گله فدای چه مقصود پاک و چه خیال عالی شده و میشوند؟...

مهمترین مواقع برای ختام این انقلابات تاریخی بخیر و حصول مقاصد، همانا این موقع است که باید اردوهای ملی در مقام عقد صلح با شرف مظفرانه، از پیشنهاد کردن پروگرامهای مختلف احترام کرده و چنان بدانند که در پشت این همه اربوهای عدیده یک سپهسالار بزرگ که اسمش «ملت ایران است» ایستاده؛ کد عهدنامه فتح و نصرت بنام نامی وی باید امضا شود. لهذا با وجود وضوح و بدهات مقصدا علی؛ که در دل هر ایرانی منقوش است؛ اینک بصدای بلند که در فضای ما بین هند و قفقاز و فاصله میان بحر خزر و خلیج فارس به پیچد، مقاصد ثابته و عقاید راسته ایرانی و آذربایجانی را بعموم هممقدمان خود صلا میزنیم!

آذربایجانی بدبخت بزعم افتراآت مغرضین، نه شرارت طلب است؛ نه یاغیگرونی دعوی سطنت دارد، نه خیال استقلال و انفکاک. نه شورخونریزی در سردارد نه هوای انتقام فقط هشت ماه طی رؤس الاشهاد در هر فرصتی بمدعمان خود و تمام عالم اعلام کرده، که مقصود مقدس و معشوق گمگشته وی مشروطیت سلطنت ابد مدت ایران کعبه محبوب وی دارالشورای ملی طهران و قاضی عدل و حکم رفع اختلافات همان کتاب مقدس قانون اساسی است... و بی حصول این مقاصد، دست از جهاد حق و مدافعه شرع برنداشته؛ سلاح حمایت ناموس خود را بر زمین نمیگذاریم...^۱

ولی اگر آذربایجانی خون عزیزان خود را جاری ساخت تا آزادی بگیرد و مشروطیت را در ایران بنیان نهد؛ مرتجعین رو باه صفت در لباس مبدل؛ نقاب آزادیخواهی و مشروطه طلبی بر چهره زدند و ثمره انقلاب را تصاحب کردند. ستارخان قهرمان ملی ما را بتهران کشاندند تا نابودش سازند و شیخ محمد خیابانی، این را دمرد بزرگ آذربایجان را که از آزادی و نجات ایران دفاع میکرد، بدست مخبر السلطنه بقتل رساندند و قاتل وی را چنان پروبال دادند که با کمال وقاحت در مجلس گفت! «من با کشتن شیخ محمد خیابانی که خیال خیانت را داشت، به ایران بزرگترین خدمت را کردم»^۲

۱- کتاب تاریخ بیداری ایرانیان - نقل از نسیم شمال، منقول از روزنامه آذربایجان صفحات ۳۳۲-۳۳۳ نوشته ناظم الاسلام کرمانی ۲- آذربایجان شماره ۳۰ مووخره ۲۴/۷/۲۵ «بر بالای جنازه شیخ محمد خیابانی» مقاله بزبان فارسی است

کینه‌توزی رضاشاه با مردم آذربایجان حدومرزی نداشت. وی رذل‌ترین و تبه‌کارترین مأمورین خود را با آذربایجان می‌فرستاد تا مردم زحمتکش و شریف آن دیار را تحقیر کنند، بزبان اوتوهین نمایند. شهرهای آذربایجان را به ویرانه‌زاری مبدل سازند. گندمی را که مردم بادسترنج خود بدست آورده بودند، از آنها بگیرند و «نان آجر» بخورد آنان بدهند.

بامالیات آذربایجان املاک اختصاصی را آباد کنند و آذربایجانی را از داشتن یک خیابان؛ یک کوچه تمیزه‌حروم سازند. کدام انسان میتواند کینه‌چنین دشمنی و ستمگری را بدل نگیرد و درصدد انتقام برنیاید؟

آذربایجانی بحق کینه رضاخان و دست پروردگان وی را بدل گرفت و آماده انتقام و سرنگون ساختن دستگاه ظلم و ستم او شد.

متأسفانه برادران فارس زبان ایرانی نه فقط از ستمی که بر مردم آذربایجان میرفت بدرستی آگاهی نداشتند. بلکه اکثر آن‌ها تحت تأثیر تبلیغات شوونیسم^۳ فارس بودند. حال آنکه آذربایجان زیر ستم مضاعف قرار داشت که برادران فارس زبان فقط در یکی از این بیدادگریها شریک و همدرد وی بودند. به بینید ملك الشعراء بهار که خود سابقه آزادیخواهی داشت و در دوره دیکتاتوری رضاشاه مزه‌تازیانهای استبداد را چشیده بود، در مورد عبدالله مستوفی استاندار سابق آذربایجان، که شمه‌ای از اوصاف وی قبلا بیان گردید؛ و زبان مادری آذربایجان چه میگوید:

وی طی مقاله‌ای تحت عنوان «حزب دموکرات آذربایجان» مینویسد: خیر رفقا!... همان آقائی که معروف است قلب نازک شما را با سخنان نیش‌دار خود زخم‌دار کرده یعنی آقای «مستوفی» از بهترین مأمورین پاکدامن ایران بود که برای نجات تبریز از قحطی جان میکند و اگر شوخئی کرده است، جق نیست تا این حد آن شوخی یا جدی را شاخ و برگ بدهید که حتی در ضمن «شعار حزب دموکرات» هم قید گردد!

«... آمدیم بر سر لهجه‌های محلی و تدریس زبان ترکی... میگوئید که در سه‌ساله ابتدائی زبان رسمی زبان ترکی باشد... ایکاش مردم آذربایجان لااقل زبان تاتهای قفقاز یا فارسیگویان خود آذربایجان را بعنوان زبان ملی احیا مینمودند و ما خود را راضی میکردیم که زبان «آذری» که یک لهجه قدیمی است دوباره بدست فرزندان خود احیا میشود. اما بکدام دلخوشی میتوانیم راضی شویم که آقایان زبان تحمیلی فاتحان تاتار را بر زبان اجداد و نیاکان ما رجهان مینهند؟ حال آمدیم و گفتیم که زبان ترکی لهجه محلی آذربایجان است. بسیار خوب کسی حرفی ندارد، این زبان مادری را کسی نمیخواهد از شما بگیرد.

اما آیا فکر کرده‌اید که دامنه زبان وسیع دری با آنهمه ادبیات عالمگیر و آنهمه

۳- ملت پرستی افراطی، برترشردن ملت خود و تحقیر و پست شمردن سایر ملل

کتابهای مفید و آن همه مفاخر تاریخی که فعلا نیز هموطنان شما در همه ایران بآن زبان تکلم میکنند و استعدادهای عجیب و غریبی در خود آذربایجان از این زبان ادبی بروز کرده و میکند، چه عیب دارد که باید در پی احیای زبانی برآئید که نه سابقه ادبیات جهانی دارد و نه بزرگانی در علم و ادب پرورده و نه امروز می پرورد؟!!

اگر شمارا میخیر کنند که تنها در دنیا يك زبان را اختیار کنید، آیا بهتر نیست که این يك زبان، زبان فارسی باشد - زبانی که فرهنگ بزرگ جهانی دارد و کتب زیادی در آن تألیف شده و با دانستن آن میتوانید در مملکتی وسیع با برادران ایرانی خود زندگی کرده و از جاه و ثروت آن کشور بهره مند گردید...»^۱

بدو باید گفت این فرض نیست که مردم آذربایجان بزبان آذربایجانی صحبت میکنند. این زبان، زبان مادری آنهاست. نوشتن اینکه «حال آمدیم و گفتیم که زبان ترکی لهجه محلی آذربایجان است» انکار عیان بزور دلیل و برهان است و نشان میدهد که پاره‌ای از برادران فارس‌زبان چگونه دچار تعصبی کور و بی‌منطقند.

این واقعیتی است عینی و انکارناپذیر که مردم آذربایجان بهر علت تاریخی و یا سایر علل، قرن‌ها است که بزبان آذربایجانی صحبت میکنند و مادران آذربایجانی بفرزندان خود باین زبان لالائی میگویند، همه ساکنان آن دیار از پیر و جوان - زن و مرد، شادی و غم خود را با کلمات این زبان ادا میکنند. بهمان زبان از شرف و ناموس خود دفاع میکنند و در روز شهادت و مرگ بهمان زبان با عزیزان خود، با وطن خود وداع مینمایند.

حال ببینیم که آیا زبان آذربایجانی لهجه است؟ لهجه چه مفهومی دارد؟ لهجه بمعنای شیوه‌های مختلف سخن گفتن بیک زبان معینی میباشد. مثلا لهجه فارسی خراسانی و لهجه فارسی شیرازی.

بدین ترتیب آیا زبان آذربایجانی نیز لهجه‌ای از زبان فارسی است که در آذربایجان

رواج دارد؟

مسلماً خیر! زبان آذربایجانی زبانی است مستقل و کامل که هم‌اکنون در تمام ایران قریب ده میلیون نفر بآن صحبت میکنند. و حتی امروز نیز پس از ده‌ها سال اعمال فشار برای محو این زبان و جایگزین ساختن آن با زبان فارسی، اکثریت مردم آذربایجان فقط آن زبان را می‌فهمند و بآن زبان میتوانند خواسته‌های خود را بیان نمایند.

آیا انکار وجود زبان آذربایجانی، توهین بآن، ممانعت از انتشار کتاب، شعر، فولکلور حتی نوحه بآن زبان، میتواند موجب ترویج زبان فارسی شود و مهمتر از همه میتواند وحدت ملی کشور ما را تأمین کند؟ هرگز! این سیاست نه فقط وحدت ملی کشور را تأمین نمیکند، بلکه موجب نفاق و نفرت مردم میگردد. و اگر قدرت سرنیزه و فشارهای پلیسی

۱ - نبرد بجای ایران ما شماره ۱۲۴ مورخه ۲۴/۶/۲۶ و شماره ۱۲۵ مورخه ۲۴/۶/۲۷

چند صباحی مانع بروز این نفرت و انزجار شود، مسلماً انفجاری بزرگ و مخرب را در پی خواهد داشت.

درست همین سیاست غلط که مدت بیست سال جان آذربایجانی را بلب رسانیده بود، پایه اصلی تشکیل و فعالیت فرقه دموکرات آذربایجان گردید.

باید فهمید و به همگان فهمانید که خوبی و اهمیت زبان فارسی دلیل و مجوز این نیست که مردم آذربایجان و یاسایراقوام ساکن ایران را از زبان مادری خود، که سخن گفتن بآن زبان برایشان طبیعی تر است، محروم کنیم. چگونه ممکن است یکنفر که مادرش بـزبان آذربایجانی یک حرف بزبانش نهاده و بوی گفتن آموخته است، زبان مادری خود را دوست نداشته باشد؟

بقول پیشه‌وری «... هنگامیکه در تبریز تئاتر و تماشاخانه وجود داشت؛ در تهران موسسه‌ای که بتوان نام تئاتر و تماشاخانه بآن داد، نبود...»^۱ «قبل از حکومت رضاخان تئاتر ملی در آذربایجان بسرعت ترقی میکرد، خلق (مردوزن) با کمال میل در تماشاخانه‌ها و تئاترها حاضر میشدند... فقط بعد از آنکه اجباراً تئاتر را بـزبان فارسی تبدیل کردند، سالن‌های نمایش مجبور به تعطیل شدند. زیرا اکثریت مردم این زبان را نمی‌فهمیدند...»^۲ حتی امروز نیز در آذربایجان وضع به همین منوال است.

فاما درباره خواندن و نوشتن بـزبان آذربایجانی، این امر تا زگی ندارد «... چهل و اندی سال قبل میرزا حسن رشیدی^۳، افتخار فرهنگ ایران در دوره ابتدائی اولین مدرسه‌ایکه در تبریز تأسیس کرد، بـزبان مادری درس میداد و کتاب درسی وی که در آن تاریخ تألیف و منتشر شده، در دست ما است...»^۴ در انقلاب مشروطیت نیز روزنامه انجمن ایالتی آذربایجان بنام «ناله ملت» بدوزبان فارسی و آذربایجانی منتشر میشده^۵

۱- آذربایجان شماره ۱۴ مورخه ۳/۷/۵ مقاله «بیزی ئوز حالیمیزا قویسونلار» (ما را بحال خود بگذارند)

۲- از نطق پیشه‌وری در تاریخ ۱۹/۶/۲۴ نقل از آذربایجان شماره ۱۲ مورخه ۲۴/۷/۳

۳- حاج میرزا حسن رشیدی (تولد ۱۲۲۷ ه. ش. در تبریز فوت ۱۳۲۳ ه. ش. در قم) از پیشقدمان نهضت فرهنگی ایران و نخستین موسس مدارس جدید در ایران (اولین بار در تبریز و سپس در تهران) و مردی اصلاح طلب و مبارز و بلند همت بود و او را پدر فرهنگ جدید ایران نامیده‌اند. وی در اواخر عمر اصولی برای تعلیم کوران اختراع نمود.
ما خود از فرهنگ معین و دایره المعارف فارسی

۴- از نطق پیشه‌وری در تاریخ ۱۹/۶/۲۴ - آذربایجان شماره ۱۲ - ۲۴/۷/۳ (این کتاب بنام «آنادیلی» یعنی زبان مادری نامیده میشد.)

۵- تاریخ مشروطیت ایران - احمد کسروی جلد اول صفحات ۷۳۳ - ۷۳۵

جای شبهه نیست که قدغن کردن خواندن و نوشتن بزبان مادری هرملتی، جلوگیری از تکامل فرهنگی آن ملت است. وبه همین لحاظ ماده سوم اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۹۲۹ در نیویورک منتشر شده میگوید: «هر دولت موظف است برای افراد خود این حق را برسمیت بشناسد که بهر زبانی که میل دارند صحبت کنند و آنرا بیاموزند.»

ستارخانین قبری اوستده

مجله میز چاپ آتمیند ایکن ۱۴ مرداد مشروطیت بایرامی مناسبتیله تهراندا کی آذربایجانلیلارین آزادلیق قهرمانی ستارخانین قبری اوستده توپلاندیقلا رینی خبر آلدیق. بومراسمده آذربایجان آزادبخواهلاریندان آقای احمد برادران ستارخاننا خطاباً، اونون ومبارزه یولداشلاری نین ایراندا آزادلیق واستقلال یولوندا کی فداکارلیق لاریندان بحث ائتدیکن صونرا بوگونکی انقلاب اسلامی دن و گتیردیگی دیل، فکرو قلم آزادلیقلاریندان دانیشمیشدیر. آقای برادران بیرپسارا آذربایجانلیلارین استعمار فرهنگی نتیجه سینده، هله ده اوزدیله وفرهنگلرینه توجه تا اییب ملی شعوردن اوزاق اولدوقلارینی تاسفله بیان ادیب، بوتون آزادبخواه ایرانلیلارین هرشکلده استعمار و استثمارا قارشی امانسیزجا مبارزه انده جکلرینی سویلهدی.

سەند كىمىدىر؟

سەندىن كىملىگىن سورمايىن مەندەن
 او، بىرداغ گلىشلى، قارتال باخىشلى
 آغ باشى چولقانمىش دوماندان، چىندەن
 ايلدىرىم چاخىشلى، آراز آخىشلى
 او. سەند غرورلى، اصلان دويوشلى
 كوراوغلو گوركىلى، يولداش صفتلى
 او، يوكسك فكرلى. او، داغ دوروشلى
 او، بولاق گولوشلى، بولوت هېبتلى
 او، وولكان توسدولى، ايگىت اورەكلى
 او، وطنى اوغروندا، ھدف لى، يوللى
 عمرنون بهارى گوللى، چىچك لى
 پايىزى خرمن تك نەمت لى، بوللى
 او، وورغون احساسلى، اينجە خياللى
 او، درين دويغولى، او، ايستى قانلى
 يالنىز بىر كلمە دە دئىيە بىللەمكى،
 او دور بىر غىرتلى آذربايجانلى
 اصل آدى «بەلود» دور. بىلمىرەم نەدەن
 ازلدەن آدىنا «بولوت» دئىدىلر
 بو آدلا تانىدى اونو ھەر يىتتەن
 اصل آدىن چىنە يىب، دگىشدىر دىلەر
 دئىمە بس بو ايگىت قارا گونلردە
 بىر، گونش ايشىقلى شمع اولاجا غىمىش
 نىسان بولوتى تك قىتدىق ايللردە
 بركت ياغىشىن ياغدىراجا غىمىش
 باخىشى دنيزدەن درين دىر، درين
 سوزلرى چىچك دەن اينجە دىر، اينجە
 دئىسن «ذروەسى دىر گۈزل لىك لرىن»
 دوغرو دور، بوسوزون حقىقتى وار
 يوخ، سەند، اوندان دا اوجادىر منجە
 يازدىلار: «سەند بىر كارخاناچى ايدى»

مندهن سورسايديلار: سهندنه چى ايدى؟
دئيه ردديم: هرزادين بيرعلتى وار
اونا محكمه ده تهمت ووردولار
«وطنسيز» دئديلر . يوردسوز» دئديلر
آناسين دانديلار، باغرين يارديلار
نشانسيز دئديلر . آدسيز دئديلر
دئديلر: «بيرزهر عرضه ز اولسايدى
زندانلار بوجاغى يئريز اولمازدى
ايشله ييب . قازانيب . جيبيز دولسايدى
پوچ خياللارينان بئنييز دولمازدى »
اودور، او، ايشله دى، چوخي يئديلر
چوخونى قورتاردى چاراسيزليقدان
گوروندى ئولكه ده سهندكيمي لر
ائوده قالما ميشلار چادر اسيزليقدان
باخين سؤزلرينه، آختارين سين - سين
او، يالتا خلانمادى، مجيز يا زمادى
بيرپارا ديرناقسيز پوللولار كيمين
ئوزون ايتيرمه دى، يولون آزمادى
بير عمر دنيزتك اوره گى جوشدى
وطن خاطرينه ، ديل خاطرينه
داستانلار ياراتدى ، نغمه لر قوشدى
سئودىگى بوشانلى ائل خاطرينه
او، يوكسك سهندين ئوزو ئولوبسه
سيزلايان «سازينين سؤزو» بيزده دير
دومانلى ذروه سى گوزدهن ايتيپسه
روحونون انتظار گوزو بيزده دير
بوقارا تورپاغعا گيجيكله نبره
گون به گون آرتيرير ئوزخزينه سين
او. نئجه با سيب ديرباغرينا بيلمه
«سهند» تك بير دولو سؤز خزينه سين
سهندين كيمليگين سوروشما مندهن
كئت «على» دئميشلى ائللردهن سوروش
دوزونى آختارسان هر بير ئولن دهن
داليجا دانیشان ديللردهن سوروش

۱ - خرداد ۱۳۵۸

استاد ساھر:

ترھاتا اینانما!

آنا دیلی شیرین اولور
خوش صدالی ، زنگین دیلدر
سعادتہ قاپی آچار
برگچیددر (۲): بوروق - بوروق...
خلقی سویان تاجر، تجار
«مدھیہ» لر، شاھا یازسین
ترھاتا چوخ اینانما!
هندی سہور اوز ائلینی
تورکی دئییب، «فارسی» یازماز!

آنا گلدی - برگون سولور
بیزیم تورکی شیرین دیلدر
دیل - گونشدر، ایشیق ساچار
یادین دیلی : «بویوندوروق!» (۱)
قوی یادلاشسین سناتورلار
یالتاق شاعر یولون آزسین
گل! آتسه، قیزیم یانما!
زنگی دانمماز اوز دیلینی
کیمسه، یولون چاشیب، آزماز:

یورت ماھنی سی

بر یرده ساواش قوپسا دا،
بر یرده باریش دی
باق آستارا داگلو باھار ،
خوی داداقیش دی
الوان دی سیرا داغلاریمز ،
سانکی ناقیش دی

۱- افسار - اسارت .

۲- کردونه - گذرگاہ .

باشدان باشا آذربایجان
باغ جنان دی
ماوی خزرین پردهسی
مین رنگه چالاندی
اٹل اوردوسودر ، قلمهسی
قارلی ساوالان دی

یوردومدا آخار چایلار ،
اوزوم باغلاری واردر
قیشلاقلاری وار ،
عطرلی یایلاقلاری واردر
اولدوز لوگنجه ،
گلولو سحر چاغلاری واردر

بوزقیرا لارین آردنیدان
اٹلیم برگجه کوچموش
بو یورد اقونوب ،
ان بو یونو یاخشی جا اولچموش
کهریز چبخاریب دی و
سرین شربتین ایچمیش

اٹلردی اٹدن اورمیهنی ،
تبریزی گلشن
گتده سن بیلیرم ، اردبیله ،
بیر سحر ارکن
هر پرده اٹلین ،
نقش و نگارین گوره جکسن

آلدانما شیرین سوزدئسه
خان یوخدی و فاسی

خان ، بىرازلى دوشمانمىز در
بىزە عاصى
دامدان دوشوب آرتق ،
اوحريفين يثره طاسى !

دور ، يورت كشيگين ده ، ايگيتيم !
باق ، اويانيق اول !
خان ، سوتلى اينك ايستهير ،
اربابى دا پترول
ورمه ، بو حريف كيفلى دى ها !
اوزائوينه يول ...

من سويله مرم حسرتە قاتلان ،
ستمه دوز !
برچوق آنالار ، يوللارا ،
ايل لردى تىكيب گوز
خان ورسە دە آزادلىق
اينانما ! .. نه يالان سوز ! ...

گل ! كوچمه وطن دن ،
يادابىل باغلاما ، قارداش !
دوران بيله گتمز ، قالاماز
داش اوزهره ، داش !
شمشك ۳ كيمى چاق !
سئل كيمى آخ !
چالخالانيب ، داش !

دكتور حميد نطقى :

عقرب گنجھهسى

بو عقرب گنجھه سينين كور قارانليغيندا
 غريبليگيمى ياغيشلى كوچه لرده گزديريرم
 قاراباصان چوكموش ائولراوستونه
 ماتم ياغديره اقدادر اولوه بولوطالارى
 كوچه لر قوروق
 آغاچلار قورخاق و قورخونج
 آغاچلار يالگز و ياسلى
 قوشلارا چوخداندر پناه وئرمه ز اولموشلار
 اولدوزلار - طالع مثالى - صولموشلار.
 باخيشلار گوروله نين انكاريندا
 ارخلر دولوسى چيركفلر آخمادا
 پرده لرله اورتولى بوتون پنجره لر
 الاوزلر آينالار دوستاغيندا
 سكوت درين قورخولى و حزين
 ناغيلينى پيچيلدايير دربدر دره (جويبار)
 ائشيتميه نلره
 هاوادا دالفا - دالفا حسرتين خاطرهسى
 و بوتون رنگلر آيرىلىق - اولوم قاراسى

آددىملاريم آغىرلاشدى
 آى بىر قبرىستان ديوارىنى آشدى
 صىنيق بىر داشا داياندىم
 يولار توكندى (بىتدى) صاندىم...
 صوراء... باشىمى قالدىردىم
 باخشىمى اوزاقلارا دالدىردىم
 او بىرياندا، ميداندا؛
 (غىتره) نىن قىزىل ايشىغىندا،
 هرگون توتولان دلى بايراملارنىن چىلغىنلىغى (دلى ئىگى)
 ابتدالين يالدىزلى (بىزكىلى) سفرهسى .
 بىرىدە سفالتىن بوش طاسى،
 بوشلۇغون آجى ميوهسى،
 دوشونجە نىن اولوم ياسى .
 بىردن سانكى ائشيتتىم گىجە نىن فرىادىنى
 سانكى گۇردوم باطلاقلاردا اللر، آياقلار
 قالخان و دوشن قانلى باھراقلار
 «ديواردا يازىلىدر» دئدى گۇرسنمەين دوداقلار
 گۇزلە، بلكە بىرآز صورا (شىوا) (۱) رقصه قالغار...
 علامتلر ظاهر اولدى، تكرر و تكرر:
 سحرە كىم گئدەر كىم قالار؟
 و بىر - بىر سۇندولر اولدوزلار...
 و من هر كس دن اوزاق، غرىبلىگىمە يالگىز،
 بو عقرب گىجە سىنن كور قارانلىغىنا دالاراق
 دار آغاجىمى داشىماقدا دوام ائدىم
 گىجە گوندوز بىلمەدن، بوصونى گۇرسنمەين، يولدا گئدىم.

تهران - (۴ آبان ۱۳۵۶)

اووچو

(دوستوم حسین جاویدین خاطرہ لریندن.)

او، سوزونہ بئله باشلادی:

بونہ افسانہ دیر، نەدە ناغیل، منیم ئوزباشیما گلن بیر حکایه دیر. اووچیلیغاسونسوز بیر علاقە وارایدی. هله ۱۴-۱۵ یاشلاریندان، الیمده توفنک، قاراداغین داغلاریندا - باغلاریندا، قالین مئشه لرینده اوودالینجا قاچاردیم. هرگون قیرقاوول، توراج، یا ککلیک آوولایب ائویمیزه قاییداردیم، هئچ یادیمدان چیخماز. باغیمیزدا بیر خار توت آغاجی وارایدی. بوتوتو من چوخ سئوردیم. ئوز آدیما چیخمیشدیم. هئچ کسده اونال وورماغا جرئت اولمازدی. هرگون اونا باش ووراردیم. صبر سیزلیکله توتون یئتیشمه سینی گوزله یردیم. توت قیزاریب خارلانان وقتی ایدی. بیرگون سحر باغا گیرنده، ییردسته سیغیر چینین توت آغا چینین بوداقلاریندا جه جه وورا- وورا، توتدان یئدی کیرینی گوردوم. ائله بیل باشیما بیر قایا سالدیلا. ئوزوموساخلایا بیلمدیم. حرصمدن ائوه قایتدیم. قیرما اووتوفنگینی گوتوروب باغا قایتدیم. توفنک آچیلاندا، سیغیر چینلار آغاجین دیبینه ائله توکولدوکه، سانکه، دگمیش اریک آغاجینی سیلکه لدین. اونلارین ها میسینین باشینی اوزدوم اوتوزا قدر اولاردی. ائوه گتیردیم. نه نم بونلاری منیم الیمده گورونجه، ئوزوندن چیخدی.

- ایت بالاسی ادئدی. - مگر بونلاری سن یاراتمیسان که سنده قیریرسان؟ واللہ، بو حیوانلارین آھی بیرگون سنی دوتا جاق. دئیہ، منیم اوستومه قیشقیردی. نه نم اوجا بوی، قد - قامتلی گوزل بیرقادین ایدی. یاشی آلتیمیشا چاتسادا، اوزونده - گوزلرینده هله ده جوانلیق طراوتسی وارایدی. او، آت بئلینه میننده، آتین باغیرینی یاراردی. آجیغی دوتاندا، ایلدیریم کیمی شاخاردی. عادی حاللاریندا ایسه، بیر پارچا مهر - محبت ایدی. او، قارا چورلو طایفاسینین آغ بیرچه بی ایدی. هامی اونا

بیر آنا کیمی، احترام قویار، خان قیزی! دییه، چاغیراردی. هئچ کسده، سوزونون قاباغیندا سوزقایتارماغا جرئت اولمازدی. من اونون حرصینی سویوتماق اوچوق، قوجاقلایب او اوزوندن-بوازوندون ئوپدوم. عذرا ایسته دیم.

بونون اوستوندن اوچ - دورت گون گئچمیشدی. سحر یئمگینی یئیب، چای ایچندن صونرا، توفنگی گوتوروب اوومقصدیله ائودن چیخدیم. اوزمان آت مینیب صفالی یئرلری گزمکدن، توفنگ گوتوروب آوا چیخماقدان باشقا، آیری بیرا گلنجه (تفریح) یوخ ایدی. چای قیراغیله بلبلرین جه جه هینه، آخان سولارین اورهیه یاتان شیریلتسینا قولاق آسا - آسا، هردن بیرئوزو مده اونلارین سسینه - سس وئریب، آغا جلارین آراسی ایله گئدیردیم. بیردن قاباقدکی آلما آغا جینین لاپ آلچاق بوداغینا قونموش، گوزل بیر قوش گوردوم. توفنگی آشیریب نشان آلماق ایستدیم. اونون گوز للیگی منی واله ائتدی. الیمی سا خلدیم. گوگرچین بویدا، باشیندا کاکیلی، توکلری الوان رنگلرده، قویروغو طاووس قویروغو کیمی، گوزل، آنجاق، گودک ایدی. اونا گولله آتماغالیم گلمدی. آستا آددیملارلا اونا یاخینلاشدیم. او، اصلا یئریندن ترپنمیردی. دیری دو تماق ایستدیم. اوگر نیش ال قوشو کیمی ایدی. هئچ قورخموردو. آغاجین دیینه چاتدیم. عمر و مده بئله گوزل قوشا راست گلمه میشدیم. سئوینجیمدن نفسیمی سینمده حبس ائتمیشدیم که قوش اولکمه سین. الیمی اوزاتدیم، دو تماق ایسته ینده قاناد چالیب الیمدن چیخدی. ائله بیل اوره یمین سایی قیریلدی. اونا دو تماق امیدیم یاسا دؤندو. اینجه وارا او، اوزاق گئتمدی. بیرنجه آددیم او طرفده باشقا بیر آغاجین بوداغینا قوندو. آخارچایین آنا لایلا سینا اوخشار، اوره یه یاتان سسی، نه هوادا اوچوشان قوشلارین اوخوماغی، نه ده سرچه لرین بوداقدان - بوداغا سیچرایب، هارای - داد سالمالاری منی ئوزونه جلب ائده بیلمیردی. سونسوز بیر هیجان ایچری سینده، من یئنه اونا یاخینلاشدیم. بودفعه داها آرتیق احتیاطلا اونا یاخینلاشدیم. یوزه - یوزدوتا جاغیما اینانیردیم. آنجاق، اویئنه الیمدن چیخدی. او، چای کناریندان تپه نین اتکلرینده کی آغاجلارا دوغرو یؤنلندی. بوداقدان - بوداغا سیچراماقلا، منی ئوز آرخاسینجا چکیر، ائله بیل منی اله سالیب، لذت آلیردی. نهایت یئنه بیر آغا جین لاپ آلچاق بیر بوداغینا قوندو. اونا یاناشدیم. دو تماق ایسته ینده همین آغاجین ایکنجی بوداغینا قوندو. همده چوخ سایمازیانا. الیم چاتمادیغیندان آغاجا دیرماندیم. من اونا یاخینلاشدیقجا او، یوخساری بوداغا سیچرایردی. آغا جین لاپ کلله سینده آخیرینجی بوداغیندا قرار دوتدو. گونوم میوه آغاجلارینین باشیندا کئچدیگیندن، میمون کیمی، بوداقدان - بوداغا سیچراماق منیم الیمده سواچیم کیمی آسان ایدی. ئوزومو صون بوداغا یئتیردیم. الیمی اونا یاخینلاشدیردیقجا او، بوداغین اوج طرفینه چکیلیردی. سانکه، منه آجیق وئریر، قورخمورسان گل! دئیردی. ساغ الیمی

بوداغین دوتارلی یثرینده برکیدیپ، سول الیمی اونا اوزاتدیقدا، بوداغین شاققیتیسینی
وئوزومون بوداقلابرابر آشاغا دوشدویوم یادیمدادیر.

گوزومو آچدیقدا ئوزومو یورغان -- دوشکده، قوهوم - قبیله نی باشیمین اوستونده
گوردوم. ایلک قولاغیمدا دالغالان ننه مین سسی ایدی.

-- سن آغاجین باشیندانه غلط ائدیرین که، یخیلایدین؟ دئییه، منی سوالدوتدو.
ئوزومو دوغرولدوب، باشیما گله نی اولدوغو کیمی اولارا سویله دیم.

-- من دئمهدیم می اوقوشلارین قارقیشی سنی دوتاجاق؟! سن گوردویسون حق
قوشوایمیش. قوشلارین انتقامینی سندن آلمایا گلیمیش ایمیش. آله آنانا رحم ائدیپ،
دئدی. آنام باشیمین اوستونده ایدی. دولموش گوزلرینی سیخدی. حالقالانان داملار
یاناغینا آخدی. بونونلاندراوره ک چیرپیتتییسی چکدیگینی منه آنلاتدی. قیچیم یارالانمیش،
بدنیم ده بیر آز ازیلمیشدی ۱۵ گون ائسودن ائشیه چیخا بیلمدیم. من سوزونون
آراسینا گیردیم.

-- دئمک، آوچیلیغیدا اوگون یثره قویدون، ائله می؟ دئییه، سوال وئردیکده.
او گولومسه دی.

-- یوخ! دئدی. -- او گوندن قوش آوینی یثره قویدوم. آوچیلیغی یثره قویمادیم.
من سوزومون ایلکینده دئسدم، آو چیلیقدان تمیزویاخشی اگلنجه تاپا بیلمز دیم. همده
منیم اوچون قیمتلی بیروزش ایدی.

دوستومون یاشی یئتمیشی آشسادا، ساچ - صاققالی تزه جه چاللانمیشدی. توکمه،
ساغلام بده نی، آلیجی باخیشلارینی گورن اونا الیدهن آرتیق یاش وئره بیلمز ایدی. اونون
بئله ساغلام قالماغینا منیم قیدیغیم گلردی. آخی من اوندان جوانترالدوغوم حسالدا،
باشیمدا بیردانه ده قارا توك تاپیلمازدی. قوجالیق نشانه لری بوتون وجودیمی قاپلامیشدی.
اونا گوره - ده هر دن بیرظرافته سالیپ،

-- هامی یاشینی گیزلدنده، سن یاشینین اوستونه آرتیریرسان. گورونورکه، بیزی
ساریميسان. دئینده او گولدو.

-- دئییه سن من جوان قالماغیمین رمزینی بیلکم ایسته یرسن. چوخ گوزل، دئیهرم.
«عارسیزلیقدیر.» دئییب اوزومه باخدی. سانکه، بوسوزون منده نجه تأثیر بوراخدینینی،
گوزلریمدن اوخوماق ایسته یردی. من دایانا بیلمدیم.

-- بورادا ئوزونه بهتان دئیرسن. سن هئچ وقت عارسیز اولما میسان! دئدیم.

-- عارسیز اولما سامدا، غیر تیم ده اولمایب. فارسلا ردئمیشکن، «هرچه پیش آید، خوش
آید،» دئمیشم. هرذالته بویون اگیشم... دئییب، دایانندی. جیبیندن بیر سیغار چیخاردیب،
آلیشدیردی. ایکی دوداقلاری آراسیندا محکم سوموردو. جسدی بیر حال آلمیشدی.

فكرى ھارالاردا كزدىگىنى آنلامان چتىن ايدى. يىئنه سوزە باشلادى.

-- «عارسىزلىق» جوانلىغىن برنجى رمزىدىر. بونوقبول ائتمە لىسن. آنجاق، منى ساخلايان، ياشىمى گىزلدەن او، قارتالار اويناغى اوجا داغلار، پانك سىرانگاھى اولان قالين مۇشەلەر، داغلارین اتگىندىن قاينايىب -- قالخان دورو. بوزكىمى سىرىن سولار، بىردە ورزش اولوبدور. دۇدى. بوسوزلرى اوقدرغورولاسويلەدى كە، ائلە بىل كىچمىش جوانلىق گونلرینە قايدىب. اونا گۇرەدە، من وطنیمە، دوغما يوردوما، قاراداغا منتدارام. دۇيب سوسدو داغىن باخىشلارى اوزاقلاردا بىر نقتە يە زىللەنمىشىدى. من اونوجوموش اولدوغو فكردنيزىندىن آيردىم.

-- اوچىلىقدان نىە ال چكدىگىنى دۇمدىن. دۇدىكە، آلىندا يىغىشمىش قىرىشىقلار آچىلدى. قدىنى دوزەلتدى.

-- بو صىبتلرمنى عمر ومون قاينىسىزاو، آزاد گونلرینە، حىياتىمىن اىلك بەھارىنا. جوانلىغىمىن جوشغون گونلرینە قايتاردى. دۇيب، يىئنه سوسدو. آنجاق بوسكوت چوخ چكىمدى. -- دۇدىگىم كىمى، او گوندىن منىم قوشلارلا ايشىم اولمادى. داغ كىچىسى، جىران، مارال، آوونا گىرىشىدىم. داغلاردا، سىلدىرىم قايلىقلاردا، چوللردە آج قورت كىمى، بوسقويادوروب، اوو گودوردوم. ساعتلرە قاچىردىغىم آوون دالىنجا، بەغضا گونلرە سورونوردىم. دۇيب درىن بىر آھ جكدى. -- گوزل گونلر! اى جوانلىق، ھاردا سان-قايدان قايايا آتيلار، داغدان- داغا آودالىنجا قاچاردىم، يورولماق بىلمزدىم. قابانلارلا قارشىلار شار جانىمى خطرە دە سالاردىم. آنجاق، ائوھ الى بوش قايتمازدىم بونودۇمدىم، ھمىشە مندىن قاباق گىدن وفالى بىرىولداشىمدا وارايدى. او، اووايتىم «قاپلان» ايدى. او، ئوز ايشىندە اوقدر آىق و ماھرايدى كە، چوخ وقت ئوز گوردويوايشلر يە منى حىرتە سالاردى. حتى بىرنچە دفعە منى ئولومدىن دە قوتارمىشىدى.

بىرىنى قويوب او بىرىنە كىچىسم سوزاوزانار. بىر گون ناھارا ياخىن ايدى. گۇيدە اوچوشان بولوتلار سانكە، گونشله باش -- باشا قويموشدولار. قارا پارچالار يە اونون اوزونو ئورتمە يە چالیشىر، گونش ايسە، اونوداغىداراق ئوزشعا لارىنى جھانا يايماغا جان آتيردى. حزين -- حزين اسن گولك، داغلارین دوشوندىه آچىلمىش گوللرى، ياشىل اوتلارى، آخان سولارى، حتى منىم تىللرىمى بىلە اوخشايدى. بىردستە قارغا قارىلداشا. قارىلداشا باشىمىن اوزرىندىن كىچدى. ائلە بو آندا قاپلانين ھورمك سىنى درە لره يايىلدى. من توفنگى سىنە مە باسدىم. بارماغىمى آتش يىرىندە حاضر ساخلادىم. ھوروش سىسنىدىن آنلادىم كە، گىرە سالدىغىنى منە دوغرو گتىرىر. قارشىما چىخان ايرى بىر مارال ايدى. من اونون دوشونو نشان آلدىم. گوللە آچىلاندا ائلە بىل حيوانى گويه گوتوروب، يىرە وورپدىلار. او، چابالادىغى يىردە، بوتون قسوه سىنى توپلايب، داغىن

یوکسکلهرینه دوغرو یونلدی . یارالی انسان کیمی ، ناله ائتمه یه باشلادی . آیدین حس ائتمک اولوردوکه ، ئوز جانینین هایندا دگیل ، من اونا یاخینلاشدیقدا ، آنا اولدوغونو آنلادیم . زواللی آنانین دوشلری دولو ایدی . جانی آغزیندان چیخانا قدر ، نگران و دردی باخیشلارینی باغلاردان آیرمادی . بو آندا او ، باشیسز قالمیش بالاسینی دوشونوردو . اونون حالینا چوخ آجیدیم . بالالی اولدوغونو بیلسم ، اصلا اونا آتش آچمازدیم . اورهیم کؤوره لدی ، گوزلریم دولدو . اونون ئولوسوایله عهد پیمان باغلادیم که ، بالاسینی تاپیب ئوزوم بسله ییم بویوادم ، اونا آنالیق ائدم . ائله ده ائتدیم .

کندین آوچیلارینی توپلایب ، جریانلی اولدوغو کیمی اونلارا سویله دیم . آخی ، اونلارین تجربه سی مندن چوخ ایدی . چوخ گوتور - قویدان صورنا ، داغلارین جانینا دوشدوک . یئنه ده «قاپلان» منمله ایدی . او ، کشفیاتچیلار کیمی ، همیشه قاباقدان گئدیبر ، بعضاً دایانیب دورت طرفی اومسولایردی . هر دنده بیرمنیم یا نیما باش ووروب . یئنه گوتورولوردو . بیز آختار ما قدا اولاق .

بونودا دئمه لیم که ، همین گونلرده بیزیم کند ، ائله جه ده اطراف کندلرده بیر پلنک تاپیلیمیشدی . مال - حیوانلاری یرتیب ، داغیتماقلا ، خلق آراسیندا سونسوز بیروحتت دو غورموشدو هر یئر ده صحبت اونون خطریندن گئدیردی . هئچ کسد ه جرئت یوخ ایدی که بو یرتیجینین شرینی ائل - اوبادان سووسون . کندین آغ صاققاللاری بو پلنگین ئولومونه جایزه ده تعین اتمیشدی لر . اما هئچ کسده ئوز جانینی بو قمارا قویماغا جرئت یوخ ایدی . «قاپلان» ایله منیم یولوم داغ ، سئیرک مشه لیک اولماقلا سیلدیریم قایالیقلاریدا وار ایدی . دقتله اطرافیمیزا باخا - باخاداغین یوکسکلرینه دوغرو حرکتده ایدیک . بو آندا منیم اوره یمدن کئچن آنجاق ، مارالین بالاسینی تاپیب ، اونانجات وئرمک ایدی . او ، ئولورکن هیجان و حسرتله بالاسینی آختاران گوزلرینده کی حالت ایندیسه گوزومون ئونونده ، قاباغیندا ایدی . من بئله دالغین (درفکر فرورفته) فکرده ایکن . «قاپلان» قاباقدان کی دیکدن چیخیب ئوزونو منیم آرخاما وئردی . قورخاق هوروشلرله گلدیگی طرفه هورمه یه باشلادی . «قاپلان» دا قورخو گورولمه میش بیرایش ایدی . خطر قارشیسیندا اولدوغو مو یقین ائتدیم . توفنک الیمده دیکه چیخدیم . ایری بیر قایانین دیبینده اوزانمیش هیوهره بیر پلنک گوردوم . او ، قابارمیش بیر حالدا ، خروشا کلیب یئریندن قالمخدی . قورخودان بدنیمده توکلریم بیز - بیز اولدو . چوخ قورخموشدوم ، آنجاق ، قایدیب قاچماغا فرصتیم یوخ ایدی . باشینی اگری دوتوب . گوزلرینی چپ - چپ منه زیلله میشدی . آغیر آددیملار لامنه دوغرو (بطرف) ایره لیه یردی . وحشت بوتون بدنیمی بوروموشدو . ئولوم - دیریم آیاغیندا ایدیم . آتا - آنام ، قوجاننم ائله جه ده بوتون قوهوملار ، بیر آندا گوزومون ئونوندن کئچدی ، هئچ کسدن منهارای اولمادیغینی خاطرلادیم . ائله بیل منهای ووردولار . «کیشی اول ! وقتی فوته وئرمه !»

ئوزومويغىشىدىرىپ، پىلنگى نشان آلدىم. گوللە آچىلاندا او، حرىكت ائتدىگى يئردە جە
فېرلانېب يئره دگدى. قىورىلىپ، بېردن ايلان كىمى آچىلدى. دېشتلى بېرنىلتنى ايله،
مىنە دوغرو ھىجوما كىچدى. او، يىخىلىپ ئوزونو دوزلدەنە كىمى، مىن اىكنجى آتشى آچماغا
آمادە ايدىم. ئولوملەلاپ اوز- اوزە دورموشدوم. او، ئوزقانلى گوزو كىسكىن دىشلر يىلە،
اوستوۋە آتلىرىكن، اىكنجى گوللم آچىلدى.

داھانە اولدوغونو بىامەدېم مىن ئوزومدن كىتمىشىدېم. گوزلرېمى آچاندا. اوچ -
دورت آددملىغىمدا پىلنگىن نھنگە اوخشار ايرى گوودە (تنە وىدن) سىنى گوردوم.
گون اورتادان اوچ - دورت ساعىت كىچمىشىدى. قاپلانلا كىندە قايتدىق. مىن پىلنگى
ووردو غومونقل ائتدىكە، ھامى گولدو. ھىچ كس اىنانماق اىستەمىردى. مىن لىش دوشدو
يئرى اونلارا نشان وئردىم. گون باتانا ياخىتىن اونون ئولوسونو مسجىدىن قاباغىندا يئره
قويدولار. ھامى تماشا سىنا يىغىلمىشىدى. دىيب، يىننە سىغارىنى آلىشىدىردى. او، صىجتىنى
قورتارمىشىدى. مىن يىننە سىكوتى پوزدوم.

- بس ما رالىن بالاسى نە اولدو؟ دىيە سوال وئردىكە او.

- آوچىلار اونو تاپىپ كىتەمىشىلەر. دىيدى، آغ صاققاللار پىلنگى اوچون تەىن
ائىدىلەرى جايزە: بىر آو توفنگى بىردە بىر قوچ ايدى. توفنگى مارالىن بالاسىنى تىپىپ
گىرە نە وئردىم. قوچودا خىطردن قورتار دىغىم اوچون، نە نىم قىربانلىق كىدىرىپ اىنى
پايلادىلار. مىن ايسە، او گوندىن آوچىلىغى يئره قويدوم. مىجتىمى مارالىن بالاسىنى سالىدېم.
اونو بۇيوتدوم. او، داغلار ياراشىغىنى، داغلار ئوتوردوم، ئوزوم ايسە، بوش وقتلرېمى
داغلاردا، داغلارنى زىرۋە لرىندە، ورزىشە كىچىردىم، دىيب، سوزونو تاماملادى.

ح. جوشغون:

تبریزیم

تبریزیم، آی گوزلیم، آرخام-ائلیم، طایفا-طوفاقیم
قارا گونلرده چراغیم،
دومان آلتیندا یاتاغیم،
گل-چیچکله دولی باغیم،
اوجاباش داغ کیمی دهشتلی زامانلاردا دایاغیم....
تبریزیم، آی آنایوردوم،
آی منیم روحیم، ایمانیم،
سنه قربان قوری جانیم،
بیر قاشق قرمزی قانیم،
سنون او گل یوزوو اولموشام عاشق،
آرزوم دورکی اولام عشقوه ایلقارووا لایق،
گل منه لطفائله، ائتمه بوقدر ناز،
بو اندازه ناز اولماز
سرفراز ائتمنی ای لعبت طناز،
سن منه دوغما وطنسن،
گل لی، بلبل لی چمنسن،
منی آل سینه وه بیرده،
قویما قالدیم قوری یرده،
آل منی یادلار الیندن،

تبریزیم، آی گوزلیم، آرخام-ائلیم، طایفا-طوفاقیم
قارا گونلرده چراغیم،
دومان آلتیندا یاتاغیم،
گل-چیچکله دولی باغیم،
اوجاباش داغ کیمی دهشتلی زامانلاردا دایاغیم....
تبریزیم، آی آنایوردوم،
آی منیم روحیم، ایمانیم،
سنه قربان قوری جانیم،
بیر قاشق قرمزی قانیم،
سنون او گل یوزوو اولموشام عاشق،
آرزوم دورکی اولام عشقوه ایلقارووا لایق،
گل منه لطفائله، ائتمه بوقدر ناز،
بو اندازه ناز اولماز
سرفراز ائتمنی ای لعبت طناز،
سن منه دوغما وطنسن،
گل لی، بلبل لی چمنسن،
منی آل سینه وه بیرده،
قویما قالدیم قوری یرده،
آل منی یادلار الیندن،

يادلارين ظلمى ياماندير،
 ئورەگىم بىر تىكە قاندير،
 آي اماندير، آي اماندير،
 تىرىزىم، شاھ بېگىم،
 اوزاماندىكى وطن واى دىيەسندن اوزاق اولدوم،
 سارالېب گل كىمى سولدوم،
 دوغروداندا دىيە قونچامدا بوغولدوم،
 تىرىزىم، آي منىم اىستكلى ديارىم،
 قوجا شارقىن گۆزى سنسن،
 خلقىمىن اولدى، آلولى اوجاغىندا گۆزى سنسن،
 تارىخىن بېرداھا دوزگون سۆزى سنسن،
 سىندە پارلاق گىچەجك وار،
 سىنە لايىق گلەجك وار،
 ئورەگى شادايلىىن ئولكەلرىن چىشمەسى، چايى، باغى سىندە،
 خلقىھام وئرىجى خاطرەلر اويلاغى سىندە،
 ئورەگى شادايلىىن ئولكەلرىن چىشمەسى، چايى، باغى سىندە،
 قېرمانلار وطنى، اولدار اوداسى وطنىمىسن،
 دشمن اوغروندا قوچاق ائللرا وباسى وطنىمىسن،
 مرد اوغوللار كانى سنسن،
 آذر اولدلارنىن روحى، ايمانى، داياغى، جانى سنسن،
 ائل بوتون، حرمت ئورەكدن سىنە بسلىر،
 سىندن آيرى دوشن ائللر سىنى سىلىر، سىنى سىلىر،
 سىندە بىر سىلسلەمنى، قويما مىنى يادلار آپارسىن،
 بىر چاغىر بابكوى، بىردە جوانشىروى سىسلە،
 سىسلە شاھ اسماعىلى،
 قېرمان سردارى سىسلە،
 قوجامان سالارى سىسلە،
 سىسلە حىدرخانى، سرکردە احراروى سىسلە،
 قىزىوى اوغلووى سىسلە،
 آچ او كىكىن دىلوى،
 ايله آزاد ائلووى.

واله :

غزل

آغیر ایلر بو یامان درده دۇزوب یاندى كۇنول،
نه دئییم کیم نئجه بو دردیله اودلاندى كۇنول،
آیریلیق دردینی من، یانماقی پروانه بیلر،
بی خبرلر نه بیلرلر، نه ایچون قاندى كۇنول؟
اثلیمین دردی منیمدیر، من اثلین شاعری یه!
اثلی ویران اثله یین ظلم ایله ویراندى كۇنول
ای آزادلیق پرسیسی! یوخلاما آچ گۇز لرینی،
وصلینه یتمک ایچون «واله» و حیراندى كۇنول
گۇنده مینلرجه جوانلار سنه قوربان وئریلیر ،
رحمه گل، ساکت اوتورما، کی پریشاندى، كۇنول
بوقورو جانى سنه ساخلامیشام ، هدییه وئرم،
قسمتیم اولسا، یولوندا قوجا قورباندى كۇنول،
یوردمون قایغیسی آلتیندا قالان اولادی یام،
بوقدر قایغی لاری چکمه گه شایاندى كۇنول!
تهران ۱۳۵۷ دی آبی

«وطن عشقى»

وطنين عشق اودونا بردل ديوانه يانار
 نئجه كيم شعله شمعە پر پروانه يانار
 ياندى قورتولدى كونول، ليكن اونون سوزيندن
 اود دوشوب ايندى داخى جسم پريشانه يانار
 يوكسه ليب گؤكلره نارى، يتيب آفاقه اودور
 اولدانيب شانلى گونش آتش نيرانه يانار
 نئجه فرياده گليب ايله ميوم آه و فغان
 قوورولوب قانلى كؤنول حسرت جانانه يانار
 عشقى انكار ائليدن گەل، دلى پروانه يه باخ
 جانيني گؤر نه ووروب شمع شبستانه يانار
 ساقيا مجلس مى ايچيره دئمە نام وطن
 اولدانا رسينه لىر اوندىن مى و ميخانه يانار
 كيمسه نين اولماسا قليبندە وطن عشقى يقين
 عمرى بيهوده سوروب آتش خسرانه يانار
 قىلدىلار «شانلى وطن نامىنى» ممنوع منه
 سويليه رسەن بئله ييرظمى هرانسانه يانار
 شاعرم «حب وطن» دور منه عالمده شعار
 اودى كيم عشق اودونا بودل ديوانه يانار
 يان «مظفر» كه بو يانماق سنه بير نعمت دور
 ئولو دور كيمسه كه نه ياندير ايلمەز، نه يانار

معرفی کتاب:

- ۱- بایاتی لار. استاد م. ع. فرزانه‌نین ایلمردن بری توپلادیغی بایاتی لارین ایکینجی چاپی ایلمرجه توفیف ده قالدیقدان صونرا کچن آی چاپدان چیخدی
- ۲- آپاردی سلر ساراننی. آپاردی سلر ساراننی داستانی نی آقای حسن مجیدزاده (ساوالان) مفصل شکلمده شعره ساله‌میش و ۱۳ ایل بوندان قاباق چاپ اتمیشدی. لکن پهلووی رژیم‌ی طرفیندن کچن ایله جن نشرینه اجازه ویریلمه میشدی. بوشعر کتابی کچن ایلمده چیقان ایلمک تور کچه کتابدیر.
- ۳- قارتال. آقای گنجعلی صباحی نین گوزل قلمی ایله یازیلان قارتال حکایه‌لر مجموعه‌سی صون گونلرده چاپدان چیخمیشدیر.

خبرلر:

نشریه میزین ۲ - نجی نمره‌سینده «خبرلر» سیراسیندا «چنلی بئل» نشریه‌سینین صنعتی دانشگاهین «آذربایجان مسئله‌لری آراشدیرما گروهی» ناباغلی اولدیغی قید ائدیلمیشدر. «چنلی بئل» نشریه‌سی تحریریه‌هیئتینین بیلدیر دیگینه گوره یوخاریداکی گروهون صنعتی دانشگاه باغلیلیغی یوخدر.

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی و هنری

(به زبانهای فارسی و ترکی آذری)

ناشر افکار گروه فرهنگ و ادب انجمن آذربایجان

تحت نظر هیئت تحریریه

محل اداره: تهران، خیابان مصدق، خیابان دمشق، شماره ۱۶

۸۹۸۴۲۴ }
۶۴۰۳۸۰ } تلفن
۷۶۱۸۳۶ }

چاپ کاویان - میدان بهارستان

قیمت ۱۰۰ ریال



ستار خان

قهرمان انقلاب مشروطيت ايران

در اين روزهاي آزادي تحت لوای جمهوري اسلامي ايران سالگرد هفتاد و

چهارمين سال انقلاب بزرگ مشروطه را که نخستين انقلاب همگام ملت ايران

بر عليه ظلم و ستم و استبداد و استعمار بود بهمه خلق هاي ايران تبریک می گوئيم .